مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

انتظار، بایدها و نبایدها

ابراهیم شفیعی سروستانی

بسم الله الرحمن الرحیم

انتظار، بایدها و نبایدها

نویسنده:

ابراهیم شفیعی سروستانی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

انتظار، بایدها و نبایدها

مشخصات کتاب

سرشناسه : شفیعی سروستانی، ابراهیم، ۱۳۴۳-

عنوان و نام پدیدآور : انتظار، بایدها و نبایدها/ابراهیم شفیعی سروستانی ؛ تهیه کننده مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.موسسه فرهنگی موعود.

مشخصات نشر : قم: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری : [۲ ، ۱۶۹] ص.

فروست : مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما؛ ۷۹۲

شابک : ۱۰۰۰۰ریال ۹۶۴-۸۶۰۶-۲۶-۹

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۳۵] - ۱۴۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵- ق. غیبت.

موضوع : مهدویت -- انتظار.

موضوع : مهدویت.

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی. استان قم.

شناسه افزوده : موسسه فرهنگی موعود عصر (عج).

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۲/ش۷الف۸ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۴۰۱۰۹

ص:۱

اشاره

پیشگفتار

پیشگفتار

یکی از مهم ترین ویژگی های مکتب تشیع، اعتقاد به امام مهدی علیه السلام به عنوان آخرین حجت خداوند، واسطه فیض الهی و نجات بخش موعود است. براساس این اعتقاد حضرت مهدی علیه السلام در حال حاضر نیز زنده، شاهد و ناظر اعمال همه جهانیان بویژه شیعیان خود، فریادرس درماندگان و در انتظار روزی است که به فرمان خدا حرکت رهایی بخش و قیام عدالت گستر خود را آغاز کند.

با توجه به این اعتقاد موضوع «انتظار» در این مکتب جایگاه خاصی داشته و بخش عمده ای از معارف شیعی را به خود اختصاص داده است.

متأسفانه باید اذعان داشت که با وجود جایگاه بلندی که انتظار در مکتب شیعه دارد و با وجود تأکیدها و سفارش های فراوانی که از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام بر موضوع انتظار فرج شده است، شیعیان چنان که باید و شاید به این موضوع اهتمام نداشته و توجهی در خور به ابعاد مختلف آن نکرده اند. در چند سال گذشته نیز اگرچه اقبال مردم به باور مهدوی و فرهنگ انتظار چندین برابر شده و به ویژه از سوی جوانان شور و اشتیاق فراوانی برای شناخت بیشتر این موضوع ابراز می شود، امّا تلاش مناسبی از سوی حوزه های علمیه، نهادهای آموزشی و مراکز علمی و فرهنگی کشور برای آشناسازی نسل جوان با این باور و فرهنگ صورت نگرفته است و جامعه ما همچنان از نبود آثار مستند، مستدل و متقن که با زبان روز و متناسب با استعداد و توانایی مخاطبان مختلف ابعاد گسترده موضوع یادشده را تشریح و تبیین کنند، رنج می برد. از این رو بر متولیان

امور فرهنگی، تبلیغی و آموزشی کشور، به ویژه رسانه های عمومی لازم است که بیش از پیش این موضوع را مورد توجه قرار دهند و با برنامه ریزی اساسی نیازهای مختلف نسل امروز را در این زمینه برآورده سازند.

کتاب حاضر با هدف پاسخگویی به پرسش ها و ابهام های موجود در زمینه فرهنگ انتظار از یک سو و تبیین بایسته های ترویج و تبلیغ این فرهنگ ازسوی دیگر فراهم آمده است و از این رو در فصل اول آن مباحث مختلف مرتبط با فرهنگ انتظار، همچون مفهوم، ضرورت و فضیلت انتظار، وظایف منتظران و نقش سازنده انتظار به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است و در فصل دوم آن نیز مهم ترین بایدها و نبایدهایی که شایسته است مراکز، مؤسسات و نهادهای فرهنگی، تبلیغی، تحقیقی و... در زمینه ترویج و تبلیغ فرهنگ و باور مهدوی مورد توجه قرار دهند، بررسی شده است.

در این کتاب تلاش شده که پس از تبیین و توضیح هر موضوع، منابع و کتاب های مرتبط با آن موضوع نیز معرفی شود تا خواننده به راحتی بتواند در زمینه آن موضوع به پژوهش و مطالعه تفصیلی بپردازد.

در پایان آرزو می کنیم که این اثر مورد قبول حضرت بقیه اللّه الاعظم، ارواحنا له الفداء، واقع شود و بتواند پرسش های مختلفی را که در زمینه موضوع انتظار مطرح است پاسخ گوید. ان شاءاللّه

ابراهیم شفیعی سروستانی

۱۳ رجب ۱۴۲۵

فصل اول: انتظار در تفکر شیعه

اشاره

فصل اول: انتظار در تفکر شیعه

مقدمه

عظمت وجودی و ابعاد مختلف شخصیت حضرت صاحب الامر علیه السلام باعث شده است که در طول هزار و اندی سال که از غیبت کبری می گذرد، هر گروه از مردم بسته به گرایش های خاص اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی که داشته اند، از دیدگاهی خاص به تحلیل شخصیت و تعیین جایگاه آن حضرت در عالم هستی بپردازند و هر گروه تنها درک و تصور خود از این موضوع را تصور درست و مطابق با واقع از شخصیت آن یگانه هستی تلقّی کنند.

در این میان جمعی از اصحاب سیر و سلوک و رهروان طریق عرفان و معنا با طرح موضوع خلیفه اللّه و انسان کامل و پرداختن به نقش حجت الهی در عالم هستی، تنها به جنبه فرا طبیعی آن وجود مقدس توجه کرده و از سایر جنبه ها غفلت ورزیدند.

گروهی دیگر از اصحاب شریعت توجه خود را تنها معطوف به جنبه طبیعی آن وجود مقدس ساخته و ضمن مطرح کردن نقشی که آن حضرت به عنوان امام و پیشوای مردم به عهده دارند هیچ گونه مسئولیتی را در زمان غیبت متوجه مردم ندیدند و تنها تکلیف مردم را این دانستند که برای فرج آن حضرت دعا کنند تا خود بیایند و امور مردم را اصلاح کنند.

عـده ای هم ضـمن توجّه به جنبه فراطـبیعی و طـبیعی وجود مقـدس حضـرت حجّت علیه السـلام تمـام همّ و غمّ خود را متوجّه ملاقات با آن حضـرت ساخته و تنها وظیفه خود را این دانسـتند که با توسل به آن حضـرت به شـرف ملاقات با آن ذات اقدس نائل شوند.

امـا در این میـان گروهی با در نظر گرفتن همه ابعادی که بـدان ها اشاره شـد، به طرح معنای درست انتظار پرداخته و درصـدد تعیین وظیفه و نقش مردم در دوران غیبت برآمدنـد. در این دیـدگاه، هم مسـئله خلافـت الهی انسـان کامل مطرح است، هم به جایگاه و نقش مردم در قبال آن حضـرت توجّه شده و هم وظیفه ای که مردم در دعا برای حفظ آن وجود مقدّس و تعجیل در ظهورش دارند از نظر دور داشته نشده است.

شایـد بتوان امـام راحل امت، قـدس سـره، را به عنوان درخشان ترین چهره از گروه اخیر ذکر کرد. ایشان با صـراحت به نقـد و بررسـی برداشت هـای مختلفی که از مسـئله انتظار فرج وجود دارد، پرداخته و دیـدگاه خاص خود را در این زمینه چنین مطرح ساختند:

البته این پر کردن دنیا را از عـدالت، این را ما نمی توانیم بکنیم، اگر می توانستیم می کردیم. اما، چون نمی توانیم بکنیم ایشان بایـد بیاینـد. ... امـا ما بایـد فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسـباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت علیه السلام ...(۱).

ایشان در جایی دیگر نیز درباره مفهوم «انتظار فرج» می فرمایند:

انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند. و مقدمات ظهور ان شاء اللّه تهیه شود.(۲)

برای شناخت جایگاه و مفهوم انتظار در تفکر شیعی برخی از روایاتی را که

۱- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج ۲۰، ص ۱۹۸ _ ۱۹۹.

۲- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج ۷، ص ۲۵۵.

در این زمینه وارد شده است مورد بررسی قرار می دهیم تا روشن شود که:

۱. معنا و مفهوم انتظار چیست؟

۲. آیا انتظار ضرورت دارد؟

۳. فضیلت آن چیست؟

۴. چه وظایفی در عصر غیبت بر عهده منتظران است؟

۵. انتظار چه آثار سازنده ای بر فرد و جامعه دارد؟

۱ مفهوم انتظار

۱ مفهوم انتظار

«انتظـار»، یعنی «چشمداشـتن» و «چشم به راه بودن»(۱). چشـمداشت یک تحول، چشـمداشت یک رویداد خوب، چشمداشـت یـک گشـایش،... یاچشم به راه یک آینـده مطلوب، چشم به راه یک عزیز سـفر کرده، چشم به راه یک دسـتگیر، چشم به راه یک منجی و... به این معنا انتظار مفهومی است که با نهاد همه انسان ها عجین شـده است و می توان گفت که همه انسان ها به نوعی منتظرند.

به بیان دیگر انتظار یا امید به آینده همزاد انسان است و اگر امید به آینده را از او بگیرند، سرنوشتی جز سکون، رکود، مرگ و تباهی نخواهد داشت، از همین روست که در کلام نورانی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است:

ألأَمَلُ رَحمَهٌ لِأُمَّتی وَ لَولا الأَمَلُ ما ارضَعَتْ والِدَهٌ وَلَدَها وَ لاغَرَسَ غارسٌ شَجَرا.(۲)

امید برای امت من مایه رحمت است و اگر امید نبود هیچ مادری فرزندش را شیر نمی داد و هیچ باغبانی درختی نمی کاشت.

همچنین حکایت شده است که:

روزی عیسی علیه السلام نشسته بود و پیرمردی با بیل زمینی را شیار می کرد،

۱- ر.ک: علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ذیل کلمه «انتظار»؛ محمد معین، فرهنگ فارسی، ذیل کلمه «انتظار».

۲- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۷۷، ص۱۷۳، ح۸.

عیسی فرمود: بار خدایا! امید (آرزو) را از او برگیر. آن پیر دردم، بیل را به کناری انداخت و دراز کشید. ساعتی گذشت و عیسی گفت: بار خدایا! امید را به او بازگردان؛ بی درنگ آن پیر برخاست و شروع به کارکرد.(۱)

مولانا نیز این حقیقت را به زبان دیگری بیان می کند:

گر نبودی میل و امید ثمر

کی نشاندی باغبان بیخ شجر

لحظه لحظه زندگی انسان با امید همراه است و او هر دوره از عمر خود را به امید رسیدن به دوره بعدی پشت سر می گذارد. کودکی که تازه به دبستان پاگذاشته به امید رفتن به کلاس بالاتر و پشت سر گذاشتن دوران آموزش ابتدایی درس می خواند و تلاش می کند. همین کودک دوران راهنمایی را با امید رسیدن به دوران دبیرستان سپری می کند و دوران دبیرستان را با این امید که روزی به دانشگاه راه یابد پشت سر می گذارد. وقتی همین کودک دیروز و جوان امروز وارد دانشگاه می شود امیدهای تازه به او توش و توان می دهد و به زندگی او معنا می بخشد؛ امید رسیدن به جایگاه مطلوب اجتماعی، تشکیل خانواده، داشتن فرزند و... . پس از تشکیل خانواده و به دنیا آمدن فرزندان، همه امیدها و آرزوهای انسان متوجه پیشرفت و ارتقای فرزندانش می شود و به این ترتیب حکایت پایان ناپذیر امید به آینده، تا آستانه مرگ، انسان را همراهی می کند.

ناگفته نماند که این امید به آینده و انتظار تحقق فردای بهتر، خود ریشه در یک ویژگی فطری دارد و آن کمال جویی انسان است. انسان همواره طالب رسیدن به مراتب بالاتر و دست یافتن به قله های پیشرفت و ترقی است و این در

۱- تنبیه الخواطر، ج۱، ص۲۷۲. به نقل از: محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، ج۱، ص۱۸۴، ح۶۷۵.

همه انسان ها با تفاوت هایی در سطح کمال موردنظر و تلاش و جدیتی که برای رسیدن به کمال مطلوب صورت می گیرد، وجود دارد.

در هر حال، انتظار و چشم به راه آینده بودن شعله ای است در وجود انسان که هرچه فروزان تر و پرفروغ تر باشد تحرک و پویایی او نیز بیشتر خواهد بود و برعکس هر چه این شعله به سردی و خاموشی بگراید؛ تلاش و فعالیت انسان نیز کاستی می پذیرد تا آنجا که او تبدیل به موجودی سرد، بی روح، بی نشاط، گوشه گیر و بی تحرک می شود و این همان حالتی است که در روانشناسی به «افسردگی» تعبیر می کنند. حالتی که شدت و ضعف و زمینه های به وجود آمدن آن ها در افراد مختلف متفاوت است، اما عامل آن در هر حال چیزی جز خشکیدن نهال امید در وجود انسان نیست.

با توجه به اهمیت و نقش اساسی امید به آینده و انتظار فرج در زندگی انسان ها مکتب اسلام تلاش نموده است با تقویت این روحیه، تلاش و سرزندگی جوامع اسلامی و مسلمانان را به نهایت درجه خود رسانده و آن ها را در هر زمان پویا و پایدار نگهدارد.

به نظر می رسد امید به آینده و انتظار فرج به دو معنا در آموزه های دین اسلام به کار رفته است:

۱. انتظار به معنای عام؛ در این معنا مکتب اسلام تلاش کرده است که از یک سو با فضیلت بخشیدن به «انتظار گشایش» و امید به آینده و از سوی دیگر با نکوهش یأس، ناامیدی، دلسردی و دلمردگی، روحیه تلاش و تکاپوی سازنده را در افراد جامعه اسلامی زنده نگهدارد و از ایجاد حالت یأس و ناامیدی در زندگی شخصی مسلمانان جلوگیری کند.

اهتمام اسلام به این معنای عام از انتظار و امید به آینده تا بدان حد بوده که از یک سو امید به فرا رسیدن گشایش از سوی خداوند در زمره برترین اعمال

برشمرده شده و از سوی دیگر یأس و ناامیدی از رحمت خداوند از جمله گناهان کبیره به شمار آمده است.(۱)

قرآن کریم ناامیـدی از رحمت خـدا را از ویژگی هـای کافران برشـمرده و از زبان حضـرت یعقوب علیه السـلام چنین نقل می کند:

یا بَنِیَّ اذهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِن یُوسُفَ و أخیهِ و لا تَیْأَسُوا مِن رَوحِ اللّه ِ إنَّهُ لا یَیْأَسُ مِنَ رَوْحِ اللّهِ إلاَّ القَومُ الکافِرونَ.(۲)

پسـرانم! برویـد و از یوسف و برادرش جست وجو کنیـد و از رحمت خـدا مأیوس نشوید؛ که تنها گروه کافران از رحمت خدا مأیوس می شوند.

شایـد بتوان گفت بسـیاری از روایاتی که در آن ها به فضـیلت «انتظار فرج» به طور کلی و بدون ذکر متعلق فرج اشاره شده، به اصل تقویت روحیه امید به آینده و مقابله با حالت ناامیدی و بدبینی نسـبت به آینده نظر داشـته اند، که از آن جمله می توان به این روایات اشاره کرد:

۱_۱. از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که:

مَن رَضِیَ عَنِ اللّه ِ بِالقَلیلِ مِنَ الرِّزقِ رَضِیَ اللّه ُعَنهُ بِالقَلیلِ مِنَ العَمَلِ و انتِظارُ الفَرَجِ عِبادَةٌ.(۳)

هر کس نسبت به رزق کمی که خداوند به او داده خشـنود باشد، خداوند نیز نسبت به عمل کمی که او انجام می دهد خشنود می گردد و انتظار گشایش عبادت است.

۲_۱. همچنین از آن حضرت روایت شده است که:

۱- ر.ک: سیدعبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، ص ۹۱ - ۶۸.

۲- سوره یوسف ۱۲ آیه ۸۷.

۳- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۲۲، ح۳.

أَفْضَلُ الْعِبادَهِ إِنْتِظارُ الْفَرَجِ.(۱)

برترین عبادت ها انتظار فرج است.

۳_۱. و باز می فرمایند:

أَفْضَلُ جِهادِ اُمَّتی إِنْتِظارُ الْفَرَجِ.(۲)

برترین جهاد امت من انتظار فرج است.

۴_۱. امام علی علیه السلام در بخشی از روایت مفصلی که در آن به چهارصد مورد از اموری که برای صلاح دین و دنیای مؤمن شایسته است، اشاره می کنند؛ پس از توصیه به طلب رزق در بین طلوع فجر و طلوع شمس می فرمایند:

إِنْتَظِرُوا الْفَرَجِ وَ لا تَیْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمالِ إِلَی اللّهِ، عَزَّ وَ جَلَّ، إِنْتِظارُ الْفَرَجِ.(۳)

منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نشوید. بدرستی که خوشایندترین اعمال نزد خداوند، صاحب عزّت و جلال، انتظار فرج است.

۵_۱. آن حضرت در بخش دیگری از روایت یادشده پس از اشاره به این مطلب که ناشکیبایی در هنگام بروز ناگواری ها موجب از بین رفتن اجر انسان می شود، می فرماید:

... أفضَلُ أعمالِ المَرءِ انتِظارُ فَرَجِ اللّه ِ عَزَّوَجَلَّ.(۴)

برترین کارهای انسان، انتظار گشایش از سوی خداست.

۶_۱. امام صادق علیه السلام نیز در ضمن سفارش های خود به ابوحنیفه می فرمایند:

۱- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۲، ص۲۸۷، ح۲.

۲- ابومحمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحرّانی، تحف العقول عن آل الرسول، ص۳۷.

۳- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۲۳، ح۷.

۴- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ص۹۹.

... وَ أفضَلُ الأعمالِ انتِظارُ الفَرَجِ مِنَ اللّه .(۱)

برترین کارها انتظار گشایش از خداست.

۲. انتظـار به معنای خاص: در این معنا، انتظار گشایش و امیـد به آینـده از حالت امری محـدود، سـطحی و فردی خارج شـده و تبدیل به امری گسترده، عمیق و اجتماعی می گردد.

در توضـیح این مطلب باید گفت: تعالیم ادیان الهی و به ویژه دین مبین اسلام، دقیقا بر گرایش های درونی انسان ها تکیه دارد و اهـداف و برنـامه هـای آن هـا براساس همین گرایش های درونی و ویژگی های فطری سامان یافته است و در این میان نقش دین تنها جهت دهی، توسعه و تعمیق این گرایش هاست.

در موضوع مورد بحث نیز دین مبین اسـلام با توجه به اینکه امیـد به آینـده و انتظار یک گرایش فطری و جوهره زندگی انسان هاست تلاش نموده که این گرایش را از یک سو توسعه و از دیگر سو تعمیق بخشد.

به این بیان که دین اسـلام به همه انسان ها می گوید: اولاً، شـما فقط منتظر بهبود وضع زندگی خود و اطرافیانتان نباشـید و تنها سعادت نزدیکان خود را طلب نکنید، بلکه این انتظار را نسبت به همه افراد جامعه گسترش دهید و چشم انتظار روزی باشید که رفاه، سعادت، عدالت و معنویت نه تنها در شهر و دیار شما بلکه در همه جهان گسترده شود.

ثانیا، انتظار شـما نباید تنها متوجه امور ظاهری، سـطحی و محدود زندگی گردد. شما باید انتظارتان را تعمیق بخشید و چشم به راه آینده ای باشید که حقیقت مطلق، عدالت مطلق و معنویت مطلق در جهان حاکم شود.

در این معنا، انتظار تنها به ظهور مردی تعلق می گیرد که اگر بیاید نهایت

۱- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ج۷۵، ص۲۰۸، ح۷۷.

خوبی ها برای همه انسان ها در سراسر جهان فراهم خواهد شد. این انتظار به همان اندازه فضیلت و برتری دارد که تحقق متعلق آن.

به هنگام بررسی فضیلت انتظار به برخی از روایت هایی که انتظار به معنای خاص را مورد توجه قرار داده اند اشاره می کنیم.

۲ ضرورت انتظار

۲ ضرورت انتظار

در تفکّر شیعی، انتظار موعود، به عنوان یک اصل مسلّم اعتقادی مطرح بوده و در بسیاری از روایات بر ضرورت انتظار قائم آل محمد علیه السلام تصریح شده است، که از جمله می توان به روایات زیر اشاره کرد:

۱. محمد بن ابراهیم النعمانی در کتاب الغیبه روایت کرده است که روزی امام صادق علیه السلام خطاب به اصحاب خود فرمودند:

أَلا أُخْبِرُكُمْ بِما لا يَقْبَلُ اللّهُ، عَزَّوَجَلَّ، مِنَ الْعِبادِ عَمَلًا إلاّ بِهِ؟ فَقُلْتُ: بَلی، فَقالَ: شَهادَةُ أَنْ لا إِلهَ إِلاّ اللّهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدا عَبْدُهُ وَ [رَسُولُهُ]، وَ الْاءِقْرارُ بِما أَمَرَ اللّهُ، وَ الْوِلايَةُ لَنا، وَ الْبَرائَةُ مِنْ أَعْدائِنا ــ يَعْنی الأَئِمَّهَ خاصَّةً ــ وَ التَّسْلِيمُ لَهُمْ، وَ الْوَرَعُ، وَ الْاءِجْتِهادُ، وَ الطُّمَأْنِينَةُ، وَ الْاءِنْتِظارُ لِلْقائِمِ، عَلَيْهِ السَّلامُ.(۱)

آیا شما را خبر ندهم به آنچه خدای، صاحب عزت و جلال، هیچ عملی را جز به آن از بندگان نمی پذیرد؟ گفتم: چرا. فرمود: گواهی دادن به اینکه هیچ شایسته پرستشی جز خداوند نیست و اینکه محمد [صلّی اللّه علیه وآله]بنده و فرستاده او است، و اقرار کردن به آنچه خداوند به آن امر فرموده، و ولایت ما، و بیزاری از دشمنانمان ــ یعنی خصوص امامان ــ و تسلیم شدن به آنان، و پرهیزکاری و تلاش و مجاهدت و اطمینان و انتظار قائم علیه السلام .

۲. ثقه الاسلام الکلینی در کتاب الکافی روایت می کند که روزی مردی بر حضرت ابوجعفر امام باقر علیه السلام وارد شد و صفحه ای در دست داشت؛ حضرت باقر

۱- محمدبن ابراهیم النعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۰، ح۱۶.

علیه السلام به او فرمود:

هذِهِ صَحیفَهُ مُخاصِم سَأَلَ عَنِ الدِّینِ الَّذی یُقْبَلُ فیهِ الْعَمَلُ. فَقالَ: رَحِمَکَ اللّهُ، هذَا الَّذی أُریدُ. فَقالَ اَبُوجَعْفَرٍ علیه السلام : شَهادَهُ أَنْ لا إِلهَ إِلاَّ اللّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ تَقِرُّ بِما جاءَ مِنْ عِنْدِ اللّهِ وَ الْوِلایَهُ لَنا أَهْلَ الْبَیْتِ، وَ الْبَرائَهُ مِنْ عَدُوِّنا، وَ التَّسْلیمُ لِأَمْرِنا، وَ الْوَرَعُ، وَ التَّواضُعُ وَانْتِظارُ قائِمِنا، فَإِنَّ لَنا دَوْلَهً، إِذا شاءَ اللّهُ جاءَ بِها.(۱)

این نوشته مناظره کننده ای است که پرسش دارد از دینی که عمل در آن مورد قبول است. آن مرد عرض کرد: رحمت خداوند بر تو باد همین را خواسته ام. پس حضرت ابوجعفر باقر علیه السلام فرمود: گواهی دادن به اینکه خدا یکی است و هیچ شریکی برای او وجود ندارد، و این که محمد بنده و رسول او است، و این که اقرار کنی به آنچه از سوی خداوند آمده، و ولایت ما خاندان و بیزاری از دشمنان ما، و تسلیم به امر ما، و پرهیزکاری و فروتنی، و انتظار قائم ما، که ما را دولتی است که هر وقت خداوند بخواهد آن را خواهد آورد.

۳. شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از «عبدالعظیم حسنی» روایت می کند که:

روزی بر آقایم محمدبن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن ابی طالب علیهم السلام وارد شدم و می خواستم که درباره قائم از آن حضرت سؤال کنم که آیا همان مهدی است یا غیر او پس خود آن حضرت آغاز سخن کرد و به من فرمود:

یا أَبَاالْقاسِمِ، إِنَّ الْقائِمَ مِنّا هُوَ الْمَهْدِیُّ الَّذی یَجِبُ أَنْ یُنْتَظَرَ فی غَیْبَتِهِ وَ یُطاعَ فی ظُهُورِهِ، وَ هُوَ الثّالِثُ مِنْ وُلْدی.(۲)

۱- محمدبن یعقوب الکلینی، الکافی، ج۲، ص۲۲، ح۱۳.

۲- ابوجعفر محمدبن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۷۷، ح۱.

ای ابوالقاسم! بدرستی که قائم از ماست و او است مهدی که واجب است در [زمان]غیبتش انتظار کشیده شود و در [زمان]ظهورش اطاعت گردد، و او سومین [امام] از فرزندان من است.

روایات یاد شده و بسیاری روایات دیگر ــ که در این مجال فرصت طرح آن ها نیست ــ همگی بر لزوم انتظار حضرت قائم در دوران غیبت دلالت می کند، امّا حال باید دید که انتظارــ که این همه بر آن تأکید شده و یکی از شرایط اساسی اعتقاد اسلامی شمرده می شود ــ چه فضیلتی دارد و در کلام معصومین علیهم السلام از چه جایگاهی برخوردار است.

۳ فضیلت انتظار

اشاره

۳ فضیلت انتظار

در روایات اسلامی آنچنان مقام و منزلتی برای منتظران موعود برشمرده شده که گاه انسان را به تعجب وا می دارد که چگونه ممکن است عملی که شاید در ظاهر ساده جلوه کند از چنین فضیلتی برخوردار باشد. البته توجه به فلسفه انتظار و وظایفی که برای منتظران واقعی آن حضرت بر شمرده شده، سرّ این فضیلت را روشن می سازد.

در اینجا به پاره ای از فضائلی که برای منتظران قدوم، حضرت بقیه الله الأعظم بر شمرده شده، اشاره می کنیم:

۱ــ۳. امام سجاد علیه السلام منتظران را برترین مردم همه روزگاران برمی شمارند:

... إنّ أهلَ زَمانِ غَيبَتِهِ القائِلونَ بِإمامَتِهِ المُنتَظِرونَ لِظُهُورِهِ أفضَلُ مِن كُلِّ أهلِ زَمانٍ.(۱)

آن گروه از مردم عصر غیبتِ امام دوازدهم که امامت او را پذیرفته و منتظر ظهور او هستند برترین مردم همه روزگاران هستند.

۲ــ۳. شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن

۱- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۲۲، ح۴.

حضرت به نقل از پدران بزرگوارشان ــ که بر آن ها درود باد ــ فرمود:

اَلْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنا کَالْمُتِشَحِّطِ بِدَمِهِ فی سَبیلِ اللّهِ.(۱)

منتظر امر (حکومت) ما، بسان آن است که در راه خدا به خون خود غلتیده باشد.

۳ـ۳. در همان کتاب به نقل از امام صادق علیه السلام روایت دیگری به این شرح در فضیلت منتظران وارد شده است:

طُوبی لِشیعَهِ قائِمِنا الْمُنْتَظِرینَ لِظُهُورِهِ فی غَیْبَتِهِ وَ الْمُطیعینَ لَهُ فی ظُهُورِهِ أُولئِکَ أَوْلِیاءُ اللّهِ الَّذینَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ.(۲)

خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبتش چشم به راه ظهور او هستند و در هنگام ظهورش فرمانبردار او، آنان اولیاء خدا هستند، همان ها که نه ترسی برایشان هست و نه اندوهگین شوند.

۴ـ۳. در روایت دیگری مرحوم المجلسی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که:

مَنْ ماتَ مِنْکُمْ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ لِهذَا الْأَمْرِ کَمَنْ هُوَ مَعَ الْقائِمِ فی فُسْطاطِهِ. قالَ: ثُمَّ مَکَثَ هَنیئَهً، ثُمَّ قالَ: لا بَلْ کَمَنْ قارَعَ مَعَهُ بِسَیْفِهِ. ثُمَّ قالَ: لا وَ اللّهِ کَمَنِ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولُ اللّهِ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ(۳).

هر کس از شما بمیرد در حالی که منتظر این امر باشد همانند کسی است که با حضرت قائم علیه السلام در خیمه اش بوده باشد. سپس حضرت چند لحظه ای درنگ کرده، آنگاه فرمود: نه، بلکه مانند کسی است که در خدمت آن حضرت شمشیر بزند. سپس فرمود: نه، به خدا همچون کسی است که در پیشگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله شهید شده باشد.

چرا این همه فضیلت؟

چرا این همه فضیلت؟

با مشاهده روایات یاد شده ممکن است برای بسیاری این پرسش پیش آید که

۱- ابوجعفر محمدبن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۴۵، ح۶ .

۲- ابوجعفر محمدبن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۵۷، ح۵۴ .

۳- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ص۱۲۶، ح۱۸.

چرا انتظار از چنین فضیلت برجسته ای برخودار است؟ برای رسیدن به پاسخ مناسبی برای این پرسش چند نکته اساسی را باید مورد توجه قرار داد:

۱. انتظار حلقه اتصال شیعه با امام معصوم: چنانکه می دانید «ولایت» و «امامت» رکن اساسی مکتب تشیع است و اعتقاد به ضرورت وجود حجت خدا و امام معصوم در هر عصر و زمان از مهمترین نقاط تمایز این مکتب از سایر مکتب هاست. از دیدگاه شیعه پذیرش ولایت معصومین علیهم السلام و به طور کلی تسلیم در برابر امام و حجت عصر، سرآمد همه فضیلت ها و شرط اساسی قبولی همه اعمال عبادی است. با توجه به این نکات درمی یابیم که «انتظار» در زمان غیبت و عدم حضور ظاهری امام در جامعه به نوعی اعلام پذیرش ولایت و امامت آخرین امام از سلسله امامان شیعه است و همین انتظار موجب می شود که ارتباط شیعیان با امامشان، اگر چه به صورت ارتباط قلبی و معنوی، حفظ شود و آن ها در همه اعصار از فیض وجود امامشان برخوردار باشند.

در روایتی که از امام سجاد علیه السلام نقل شده، آن حضرت ضمن پیش بینی دوران غیبت دوازدهمین امام از سلسله جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسانی را که در زمان غیبت، امامت این امام را پذیرا می شوند و در انتظار او به سر می برند، برترین مردم همه زمان ها معرفی می کنند و دلیل این برتری را این می دانند که برای آن ها غیبت و حضور هیچ تفاوتی نداشته و همان وظایفی را که در زمان حضور باید انجام دهند در زمان غیبت انجام می دهند:

ثُمَّ تَمتَدُّ الغَیبَهُ بِوَلیِّ اللّه ِ _ عَزَّوَجَلَّ _ اَلثانِیَ عَشَرَ مِن أَوصیاءِ رَسولِ اللّه ِ _ لّی اللّه ُعَلیهِ وَ آلِهِ _ وَالأَئِمَّهِ مِن بَعدِهِ. یا أَبا خالِدِ! إِنَّ أَهلَ زَمانِ غَیبَتِهِ، القائِلینَ بِإِمامَتِهِ وَالمُنتَظِرینَ لِظُهورِهِ أَفضَلُ مِن أَهلِ کُلِّ زَمانٍ؛ لأَنّ اللّه َ _ تَبارکَ و تَعالی _ أَعطاهُم مِنَ العُقولِ وَالأَفهامِ وَالمَعرِفَهِ ما صارَت بِهِ الغَیبَهُ عِندَهُم بِمَنزِلَهِ المُشاهَدَهِ وَ جَعَلَهُم فِی ذلکَ الزَمانِ بِمَنزِلَهِ الُمجاهِدینَ بَینَ یَدَیِ رَسولِ اللّه ِ _ لَّی اللّه ُعَلَیهِ و آلِهِ _ بِالسَّیفِ.

أولئِکَ الْمخلِصونَ حَقّا وَ شَیعَتُنا صِدقا وَالدُّعاهِ إِلی دینِ اللّه ِ ــ عَزَّوَجَلَّ ــ سِرّا وَ جَهْرا.(۱)

غیبت دوازدهمین ولی خداوند ــ صاحب عزت و جلال ــ از سلسله جانشینان رسول خدا ــ که درود خدا براووخاندانش باد ــ واامامان بعد از او، به درازا می کشد.

ای اباخالد! آن گروه از مردم که در زمان غیبت او امامتش را پذیرفته و منتظر ظهور اویند برترین مردم همه زمان ها هستند؛ زیرا خداوند ــ که گرامی و بلندمرتبه است ــ چنان خِرَد، درک و شناختی به آن ها ارزانی داشته که غیبت [و عدم حضور امام]برای آن ها همانند مشاهده [و حضور امام]است.

خداوند مردم این زمان را به مانند کسانی قرار داده که با شمشیر در پیشگاه رسول خدا ــ که درود خدا و او بر خاندانش باد ــ جهاد می کنند. آن ها مخلصان واقعی، شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان به سوی دین خدا در پنهان و آشکار هستند.

بنابراین اگر «انتظار» را از مکتب شیعه بگیریم تفاوت چندانی میان این مکتب و دیگر مکاتب باقی نخواهد ماند؛ البته انتظار به همان مفهوم درست آن؛ یعنی امید به ظهور و قیام عدالت گستر دوازدهمین امام معصوم از خاندان پیامبر اکرم، لّی اللّه علیه وآله؛ همو که در حال حاضر حجت خدا، واسطه فیض الهی، زنده و شاهد و ناظر اعمال شیعیان خود و فریادرس آن ها در گرفتاری ها و ناملایمات است.

۲. انتظار، معیار ارزش انسان ها: آرزوها و آمال انسان ها معیار خوبی برای سنجش میزان رشد، کمال و تعالی آن هاست؛ تا آنجا که برخی می گویند: «بگو چه آرزویی داری تا بگویم کیستی.» آرزوهای بلند، متعالی و ارزشمند حکایت از کمال روح و رشد شخصیت انسان ها و بلندای همت آن ها می کند. به عکس آرزوهای خرد، حقیر و بی ارزش نشان از بی همتی و رشدنیافتگی افراد دارد.

---

۱ - ۱.محمدبن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۲۰؛ محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۲۲، ح۴.

آرزوها انسان را به حرکت وامی دارد و به طور طبیعی هر چه همت، بلندتر و آرزو، ارزشمندتر باشد حرکت و تلاش انسان نیز از ارزش بیشتری برخوردار خواهد بود.

امام علی علیه السلام در همین زمینه می فرماید:

قَدْرُ الرَّجُلِ عَلی قَدْرِ هِمَّتِهِ.(۱)

ارزش مرد به اندازه همت اوست.

و در جای دیگر می فرماید:

قِیمَهُ کُلِّ امرِئٍ ما یُحسنُهُ.(۲)

مرد را آن بهاست که در دیده اش زیباست.

پس از این مقدمه می توان گفت که چون انسان منتظر برترین و ارزشمندترین آمال و آرزوهای ممکن را داراست، به طور طبیعی از بهترین و والاترین ارزش ها نیز برخوردار است.

توضیح اینکه آرزوی نهایی انسان منتظر، حاکمیت نهایی دین خدا و مذهب اهل بیت علیهم السلام بر سراسر جهان، استقرار حکومت صالحان و مستضعفان در سراسر گیتی، کوتاه شدن دست ظالمان و مستکبران از گوشه گوشه جهان، برقراری نظام قسط و عدالت بر پهنه زمین و گسترش امنیت و رفاه در جای جای کره خاک است؛ یعنی آرزویی که از ابتدای تاریخ تاکنون و در زمان هیچ پیامبری محقق نشده است. قطعا چنین آرزوی بلندی از ارزش و فضیلتی وصف ناپذیر برخوردار است. البته به شرط آنکه «منتظر» به تناسب آرزوی بلند خود از تلاش و کوشش برای تحقق هر چه زودتر این آرزو کوتاهی نکند.

۱- نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، باب گزیده سخنان حکمت آمیز امیر مؤمنان علیه السلام ش۴۷، ۳۶۹.

۲- نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، باب گزیده سخنان حکمت آمیز امیر مؤمنان علیه السلام ش۸۱، ص۳۷۳.

۳. انتظـار عامـل پویـایی و سازنـدگی فرد و اجتمـاع: چنانکه از مطالب بعـدی و در بحث از «وظایف منتظران» و «نقش سازنـده انتظـار» روشن خواهـد شـد، انتظار نقش مهمی در سازنـدگی، پویایی و اصـلاح فرد و جامعه در زمان غیبت دارد، و اگر انسان منتظر به وظایفی که برای او برشـمرده شده عمل کند به الگوی مطلوب انسان دیندار دست می یابد و از جایگاه و مرتبه والایی برخوردار می شود. به عبارت دیگر انسان منتظر با رعایت همه شـرایط انتظار به همان شأن و منزلتی که مورد انتظار دین اسـلام است، رسیده و به بالاترین نقطه کمال نائل می شود.

با توجه به نکات بالا به رمز فضائل بی شـماری که برای منتظران برشـمرده شـد واقف می شویم و بـدرستی درمی یابیم که چرا انسان منتظر از نظر اسلام از چنین مقام و مرتبه بلندی برخوردار است.

۴ وظایف منتظران

اشاره

۴ وظایف منتظران

در مورد وظایف و تکالیف شـیعیان در دوران غیبت سخن های بسیاری گفته شده است و حتی در بعضی از کتاب ها، از جمله کتـاب مکیـال المکارم فی فوائـد الـدعاء للقائم تا هشـتاد وظیفه برای منتظران قـدوم خاتم اوصـیاء حضـرت بقیه اللّه، ارواحنا له الفداء، بر شمرده شده است.(۱)

اما، از آنجا که تبیین همه وظایفی که شـیعیان در عصـر غیبت بر عهـده دارنـد در این محـدوده نمی گنجـد، به تعـدادی از مهم ترین این وظایف اشاره می کنیم:

۱_۴. شناخت حجت خدا و امام عصر علیه السلام

۱_۴. شناخت حجت خدا و امام عصر علیه السلام

اولین و مهم ترین وظیفه ای که هر شـیعه منتظر بر عهـده دارد کسب معرفت نسبت به وجود مقدس امام و حجت زمان خویش است. این موضوع تا بدان درجه از اهمیت قرار دارد که در روایات بسیاری که به طریق شیعه و اهل سنّت از پیامبر

۱- ر.ک: میرزامحمدتقی الموسوی الاصفهانی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاءللقائم، ج۲، ص۱۰۴ به بعد.

گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده، آمده است:

مَنْ ماتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ إمامَ زَمانِهِ ماتَ میتَةً جاهِلِیَّةً.(۱)

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.

و در روایت دیگری که مرحوم الکلینی از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند آمده است:

مَنْ ماتَ وَ لَیْسَ لَهُ إمامٌ فَمیتَتُهُ میتَةً جاهِلِیَّةً، وَ مَنْ ماتَ وَ هُوَ عارِفٌ لإِمامِهِ لَمْ یَضُرُّهُ، تَقَدَّمَ هذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ، وَ مَنْ ماتَ وَ هُوَ عارِفٌ لِإِمامِهِ کانَ کَمَنْ هُوَ مَعَ الْقائِمِ فی فُسْطاطِهِ.(۲)

هر کس در حالی که امامی نداشته باشد بمیرد، مردنش مردن جاهلیت است و هر آنکه در حال شناختن امامش بمیرد پیش افتادن و یا تأخیر این امر [دولت آل محمد علیهم السلام] او را زیان نرساند و هر کس بمیرد در حالی که امامش را شناخته همچون کسی است که در خیمه قائم [علیه السّلام]با آن حضرت باشد.

امام حسین علیه السلام نیز درباره معرفت امام می فرمایند:

أَیُّهَا النّاسُ! إنَّ اللّه، جَلَّ ذِکرُهُ، ما خَلَقَ العِبادَ إلّا لِیَعرِفوهُ فإذا عَرَفوهُ عَبَدوهُ فَإذا عَبَدوهُ استَغنَوا بِعِبادَتِهِ عَن عِبادَهِ ماسَواهُ. فَقالَ لَهُ رَجُلٌ: یابنَ رَسولِ اللّه بِأَبی وَ أَنتَ وَ أُمّی فَما مَعرِفَهُ اللّه ؟ قالَ: مَعرِفَهُ أَهلِ کُلِّ زَمانٍ إمامَهُمُ الَّذی یَجِبُ عَلَیهِم طاعَتُهُ.(۳)

هان ای مردم! همانا خداوند ــ بزرگ باد یاد او ــ بندگان را نیافرید مگر برای این که او را بشناسند. پس هرگاه او را بشناسند او را بپرستند و هرگاه او را بپرستند، با پرستش او از بندگی هر آنچه جز خداست بی نیاز گردند. مردی سؤال کرد: ای فرزند رسول خدا،

۱- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۸، ص۳۶۸ و ج۳۲، ص۳۲۱ و ۳۳۳؛ همچنین ر.ک: حافظ سلیمان بن ابراهیم القندوزی، ینابیع الموده، ج۳، ص۳۷۲.

۲- محمدبن یعقوب الکلینی، الکافی، ج۱، ص۳۷۱، ح۵ .

۳- ۳.فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، صص ۶۰۵-۶۰۴.

پـدر و مـادرم فـدایت، معرفت خـدا چیست؟ حضـرت فرمود: این است که اهـل هر زمانی، امامی را که بایـد از او فرمان برنـد، بشناسند.

آری، فلسـفه آفرینش انسـان، رسـیدن به مقـام معرفت خـداست. امـا این معرفت حاصـل نمی شود مگر به معرفت امام و حجت عصر علیه السلام ؛ چرا که امام آینه تمام نمای حق و واسطه شناخت خداست. چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

... نَحنُ العالِمونَ (القائِمونَ) بِأَمرِهِ وَالدّاعونَ إلی سَبیلِهِ، بِنا عُرِفَ اللّه وَ بِنا عُبِدَاللّه نَحنُ الأَدِلّاءُ عَلَی اللّه وَلولانا ما عُبِدَاللّه.(۱)

مـا دانایـان (برپا دارنـدگان) به امر خـدا و دعوت کننـدگان به راه او هستیم. به واسـطه ما خـدا شـناخته و پرستیـده می شود. ما راهنمایان به سوی خدا هستیم و اگر ما نبودیم خدا پرستیده نمی شد.

توجه به مفـاد دعاهـایی که خوانـدن آن هـا در عصـر غیبت مورد تأکیـد قرار گرفته است، نیز مـا را به اهمیت موضوع شـناخت حجت خدا رهنمون می سازد؛ چنانکه در یکی از دعاهای معروف و معتبری که شـیخ صدوق آن را در کتاب کمال الدین نقل کرده، می خوانیم:

أَللّهُمَّ عَرِّفْنی نَفْسَـکَ فَـإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنی نَفْسَـکَ لَمْ أَعْرِفْ نَـبِیَّکَ، أَللّهُمَّ عَرِّفْنی نَـبِیَّکَ فَـإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنی نَـبِیَّکَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَکَ، أَللّهُمَّ عَرِّفْنی حُجَّتَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنی حُجَّتَکَ، ضَـلَلْتُ عَنْ دینی. أَللّهُمَّ لا تُمِتْنی میتَهً جاهِلِیَّهً وَ لا تُزِغْ قَلْبی بَعْـدَ إِذْ هَدَیْتَنی...(۲).

بـار الهـا! خودت را به من بشـناسان که اگر خودت را به من نشـناسانی پیغمبرت را نخواهم شـناخت. بارالهـا! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را به من نشناسانی

۱- محمد باقر المجلسـی، بحارالانوار، ج۲۶، ص ۲۶۰، ح۳۸. همچنین ر.ک: محمد باقر المجلسـی، بحارالانوار، ج۲۶، ص۲۴۷، ح۱۴.

۲- ابوجعفر محمدبن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۵۱۲ .

حجت تو را نخواهم شناخت. بارالها! حجت خود را به من بشناسان که اگر حجتت را به من نشناسانی از دینم گمراه می گردم. خداوندا! مرا به مرگ جاهلیت نمیران و دلم را [از حق]پس از آنکه هدایتم فرمودی منحرف مگردان...

امام صادق علیه السلام در مورد کمترین حد معرفت امام می فرماید:

أَدْنى مَعْرِفَهِ الإِمامِ أَنَّهُ عِدْلُ النَّبِيِّ إلاّ دَرَجَهُ النُّبُوَّهِ وَ وارِثُهُ وَ أَنَّ طاعَتَهُ طاعَهُ اللّه ِ و طاعَهُ رَسُولُ اللّه ِ وَ التَّسْلیمُ لَهُ فی کُلِّ أَمْرٍ وَالرَّدُّ إِلَیْهِ وَالأَخْذُ بِقَوْلِهِ.

کمترین حد معرفت به امام آن است که [بدانی] امام مساوی با پیامبر، لّی اللّه علیه وآله، است مگر در درجه نبوت. امام، وارث پیامبر است و همانا اطاعت از او اطاعت از خدا و رسول خداست و باید در هر امری تسلیم او بود و به سخن و فرمان او عمل کرد...(۱)

مؤلف کتاب ارزشمند مکیال المکارم مراد و مقصود از «معرفت امام» را، که در روایت های یادشده بر آن ها تأکید شده است، چنین توضیح می دهند:

بدون تردید مقصود از شناختی که امامان ما _ که درودها و سلام های خداوند برایشان باد _ تحصیل آن را نسبت به امام زمانمان امر فرموده اند، این است که ما آن حضرت را آنچنانکه هست بشناسیم؛ به گونه ای که این شناخت سبب در امان ماندن ما از شبهه های ملحدان و مایه نجاتمان از اعمال گمراه کننده مدعیان دروغین باشد، و این چنین شناختی جز به دو امر حاصل نمی گردد: اول، شناختن شخص امام علیه السلام به نام و نسب، و دوم، شناخت صفات و ویژگی های او و به دست آوردن این دو شناخت از اهم واجبات است.(۲)

البته امر دومی که در کلام یادشده بدان اشاره شده، در عصر ما از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و در واقع این نوع شناخت است که می تواند در زندگی فردی و اجتماعی منتظران منشأ اثر و تحول باشد؛ زیرا اگر کسی بحقیقت به فات

۱- السیدهاشم الحسینی البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص۳۴، ح۳.

۲- میرزامحمدتقی الموسوی الإصفهانی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاءللقائم، ج۲، ص۱۰۷.

و ویژگی های امام عصر علیه السلام و نقش و جایگاه آن حضرت در عالم هستی و فقر و نیاز خود نسبت به او واقف شود، هرگز از یاد و نام آن حضرت غافل نمی شود.

نکته ای که در اینجا باید در نظر داشت این است که شناخت امام زمان علیه السلام از شناخت دیگر امامان معصوم علیهم السلام جدا نیست و اگر کسی به طور کلی به شأن و جایگاه ائمه هدی واقف شد، صفات و ویژگی های آن ها را شناخت و به مسئولیت خود در برابر آن ها پی برد، قطعا نسبت به امام عصر علیه السلام نیز به شناختی شایسته می رسد.

بهترین راه برای پی بردن به مراتب و مقامات بلند امامان معصوم شیعه به طور کلی و امام عصر علیه السلام به طور خاص، مطالعه و تأمل در کتاب هایی است که در این زمینه نگاشته شده است که از جمله می توان به کتاب های زیر اشاره کرد:

۱. الکافی، محمدبن یعقوب الکلینی (ج۱، کتاب الحجه)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

۲. معرفت حجت خدا (شرح دعای أللّهمّ عرّفنی نفسک)، لطف اللّه الصافی الگلپایگانی، چاپ اول: قم، حضرت معصومه، ۱۳۷۵.

۳. معرفت امام عصر علیه السلام، سیدمحمد بنی هاشمی، چاپ اول: تهران، نیک معارف، ۱۳۷۵.

۴. ولایت کلیّه، سیدحسن میرجهانی طباطبایی، تحقیق و تصحیح سیدمحمد لولاکی، چاپ اول: قم، الهادی، ۱۳۸۲.

خواندن زیارت «جامعه کبیره» و تأمل و تدبّر در اوصافی که در این زیارت برای ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده نیز در حصول معرفت نسبت به مقام و جایگاه امام در عالم هستی بسیار مؤثر است.

البته باید توجه داشت که شناخت و معرفت حقیقی نسبت به حجت خدا تنها با مطالعه کتاب حاصل نمی شود و در این راه باید از عنایات حضرت حق

نیز مدد جوییم و ــ همچنانکه در دعایی که پیش از این بدان اشاره کردیم، ملاحظه شد ــ از درگاه الهی نیز توفیق شناخت حجتش را درخواست کنیم، تا بدین وسیله از گمراهی و سرگردانی نجات یابیم. این موضوع را از روایتی که مرحوم الکلینی از «محمد بن حکیم» نقل کرده، می توان استفاده کرد. در این روایت آمده است:

قُلْتُ: لِأَبیعَبْدِاللّهِ علیه السلام اَلْمَعْرِفَهُ مِنْ صُنْعِ مَنْ هِیَ؟ قالَ: مِنْ صُنْعِ اللّهِ، لَیْسَ لِلْعِبادِ فیها صُنْعٌ.(۱)

از ابی عبدالله (امام جعفر صادق) علیه السلام پرسیدم: معرفت ساخته کیست؟ فرمود: از ساخته های خداوند است و برای بندگان نقشی در حصول معرفت نیست.

شاید بتوان گفت که شناخت نشانه ها و علائم ظهور نیز یکی از فروع شناخت امام عصر علیه السلام است؛ زیرا شناخت دقیق نشانه ها و علائم ظهور موجب می گردد که انسان فریب مدعیان دروغین مهدویت را نخورد و در دام شیّادانی که ادعای «مهدی» بودن دارند نیفتد.

توضیح اینکه برای ظهور منجی آخرالزمان نشانه ها و علائم حتمی و تردیدناپذیری برشمرده شده که با مشاهده آن ها می توان به حقانیت آن منجی و اینکه او واقعا همان امام منتظر؛ یعنی امام مهدی علیه السلام است پی برد.

بنابراین بر همه منتظران لازم است که پس از شناخت کامل امام عصر علیه السلام به مطالعه و شناسایی علائم و نشانه های ظهور نیز بپردازند.

برای آشنایی با نشانه های ظهور می توان به کتاب های زیر مراجعه کرد:

۱. نوائب الدهور فی علائم الظهور، سیدحسن میرجهانی، دو جلد در چهار مجلد، کتابخانه صدر، ۱۳۶۹.

۱- محمدبن یعقوب الکلینی، الکافی، ج۱، ص۱۹۴، ح۱.

۲. عصر ظهور، ترجمه کتاب عصر الظهور، علی کورانی، مترجم عباس جلالی، چاپ پنجم: تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.

۳. روزگار رهایی (یوم الخلاص)، کامل سلیمان، ترجمه علی اکبر مهدی پور، ۲جلد، ترجمه علی اکبر مهدی پور، چاپ سوم: تهران، آفاق ۱۳۷۶.

۴. نشانه های ظهور او، محمد خادمی شیرازی، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۸.(۱)

۲_۴. پیراستگی از بدی ها و آراستگی به خوبی ها

۲_۴. پیراستگی از بدی ها و آراستگی به خوبی ها

وظیفه مهم دیگری که هر شیعه منتظر بر عهده دارد پیراستن خود از خصایص ناپسند و آراستن خود به اخلاق نیکو است، چنانکه در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده، آمده است:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَکُونَ مِنْ أَصْحابِ الْقائِمِ، فَلْیَنْتَظِرْ، وَلْیَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحاسِنِ الْأَخْلاقِ، وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ...(۲).

هر کس دوست می دارد از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، در حالی که منتظر است.

امام عصر علیه السلام نیز با توجه به ناگهانی بودن امر ظهور همه شیعیان را در زمان غیبت به انجام اعمال پسندیده و دوری از اعمال ناپسند فراخوانده، می فرماید:

فَلْیَعْمَلْ کُلُّ امْرِی ءٍ مِنْکُمْ بِما یَقْرَبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنا وَ لیَتَجَنَّبْ (لیَجْتَنِبْ) ما یُدْنیهِ مِنْ کَرَاهَتِنا وَ سَخَطِنا، فَإِنَّ أَمْرَنا بَغْتَهٌ فُجْاءَهٌ حینَ لا تَنْفَعُهُ تَوْبَهٌ وَ لا یُنْجیهِ مِنْ عِقابِنا نَدَمٌ عَلی

۱- محمدبرای آشنایی بیشتر با منابع مطالعاتی موضوع نشانه های ظهور ر.ک: پیشگویی ها و آخرالزمان: مجموعه مقالات، گردآوری واحد پژوهش و تحقیق مؤسسه فرهنگی موعود، مقاله «آخرالزمان شناسی در آثار اسلامی»، ابراهیم شفیعی سروستانی، چاپ سوم: تهران، موعود عصر علیه السلام، ۱۳۸۳.

۲- محمدبن ابراهیم النعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۰، ح۱۶.

حَوْبَةٍ.(۱)

پس هر یـک از شـما بایـد آنچه را که موجب دوستی مـا می شود، پیشه خود سازد و از هر آنچه موجب خشم و ناخشـنودی ما می گردد، دوری گزینـد؛ زیرا فرمـان مـا به یکبـاره و ناگهـانی فرامی رسـد و در آن زمـان توبه و بازگشت برای کسـی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر ما نجات نمی بخشد.

موضوع تهذیب نفس و دوری گزیدن از گناهان و اعمال ناشایست، به عنوان یکی از وظایف منتظران در عصـر غیبت، از چنان اهمیتی برخوردار است که در توقیع(۲) شـریفی که از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر به مرحوم شیخ مفید، رضی اللّه عنه، صادر گردیده، اعمال ناشایست و گناهانی که از شـیعیان آن حضـرت سـر می زند، یکی از اسباب و یا تنها سبب طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از لقای آن بدر منیر شمرده شده است:

... فَما یَحْبِسُنا عَنْهُمْ إِلاّ ما یَتَّصِلُ بِنا مِمّا نُکْرِهُهُ، وَ لا نُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ.(۳)

... پس تنها چیزی که ما را از آنان (شـیعیان) پوشـیده می دارد، همانا چیزهای ناخوشاینـدی است که از ایشان به ما می رسد و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی رود.

۱- احمدبن علی بن ابی طالب الطبرسی، الإحتجاج، ج۲، ص۵۹۹؛ محمدباقرالمجلسی، مراه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج۵۳، ۱۷۶.

۲- «توقیع» در لغت به معنای نشان گذاشـتن، امضاء کردن حاکم بر نامه و فرمان، جواب مختصـر که کاتب در نوشته به پرسش ها می دهد، دستخط فرمانروا و نوشتن عبارتی در ذیل مراسله آمده است. و در اصطلاح علم حدیث به معنای پاسخ پرسش ها، یا اطلاعیه هایی است که به صورت کتبی از طرف امام برای آگاهی شـیعیان فرسـتاده شـده است. چنانکه توقیعاتی از حضـرت امام علی النقی و امام حسن عسـکری علیهم السـلام، نقل شده است. امّا معمولاً توقیع به نامه های حضرت حجه بن الحسن امام زمان، عجّل اللّه تعالی فرجه، گفته می شود که توسط چهار تن نایبان خاص ایشان در زمان غیبت صـغری به دست شـیعیان می رسیده است. ر.ک: رکنی، محمدمهدی، نشانی از امام غایب، عجّل اللّه تعالی فرجه، بازنگری و تحلیل توقیعات.

۳- محمدباقرالمجلسی، مراه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج۵۳، ص۱۷۷.

بایـد توجه داشت که ما تنها زمانی می توانیم خود را منتظر امام عـدالت گستر و پیرو او بدانیم که در زندگی فردی و اجتماعی خود، راه و روش مورد نظر او را اجرا کنیم. چنانکه در نامه امیرالمؤمنین علی علیه السـلام خطاب به عثمان بن حنیف، فرمانـدار بصره آمده است:

أَلا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُوم إِماما يَقْتَدِى بِهِ وَ يَسْتَضيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ، أَلا وَ إِنَّ إمامَكُمْ قَدِ اكْتَفى مِنْ دُنْياهُ بِطِمْرَيْهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصَيْهِ. أَلا وَ إِنَّكُمْ لا تَقْدِرُونَ عَلى ذلِكَ، وَ لكِنْ أَعِيُنُونی بِوَرَعٍ وَ اجْتِهادٍ، وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ...(۱).

آگاه باش که هر پیروی را پیشوایی است که پی وی را پوید و از نور دانش او روشنی جوید، بدان که پیشوای شما بسنده کرده است از دنیـای خود به دو جامه فرسوده و دو قرصه نان را خوردنی خویش نموده. بدانیـد که شـما چنین نتوانیـد کرد. لیکن مرا یاری کنید به پارسایی و کوشیدن و پاکدامنی و درستی ورزیدن.

در اینجـا ممکن است پرسیده شود: از کجا می توان فهمیـد که امام زمان علیه السـلام از ما چه می خواهنـد و چه کاری را می پسندند؟

در پاسخ این پرسش لازم است که دو نکته را یادآور شویم:

امـام زمان علیه السـلام ادامه دهنـده راه پیامبر صـلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السـلام است: از آنجا که به اعتقاد ما همه امامان معصوم علیهم السـلام مفسـران کتاب خدا و بیان کنندگان سـنت رسول خدا صـلی الله علیه و آله هستند، رضایت و خشـنودی امـام زمان علیه السـلام در چیزی جز آنچه که در کتاب خـدا آمـده یا در کلمات رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و دیگر امامـان معصوم علیهم السـلام به آن اشـاره شـده نیست. به بیان دیگر اگر کسـی به همه تکالیف و وظایفی که در قرآن و روایات معصومین علیهم السلام به آن ها امر شده عمل کند و از همه محرمات و گناهانی که در این دو منبع

۱- نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، نامه ۴۵، ص۳۱۷.

الهی از آن ها نهی شده، دوری جوید خواهد توانست که رضایت امام عصر علیه السلام را چنان که باید و شاید به دست آورد. بنابراین هیچ لزومی ندارد که ما حتما از زبان امام زمان علیه السلام بشنویم که ایشان از چه رفتار و گفتاری خشنود و از چه

رفتار و گفتاری ناخشنود می شوند بلکه چنانکه پیش از این نیز گفته شد ما می توانیم با مراجعه به دعایی مانند «دعای مکارم الاخلاق» ــ که از امام سجاد علیه السلام نقل شده ــ نیز به خصال و ویژگی هایی که امام زمان علیه السلام از ما انتظار دارند واقف شویم.

۲. امام زمان علیه السلام به عوامل خرسندی و ناخرسندی خود اشاره کرده اند: در احادیث، زیارت ها و دعاهایی که در طول دوران غیبت صغرا و پس از آن به صورت توقیع یا به صورت های دیگر از امام مهدی علیه السلام برای ما به یادگار مانده است به صراحت تمام آنچه که موجب خرسندی یا ناخرسندی آن حضرت می گردد بیان شده و چگونه عمل کردن، چگونه سخن گفتن و چگونه اندیشیدن به ما آموخته شده است. از این رو با مراجعه به مجموعه ارزشمند یادگارهای آن حضرت و تأمل و تدبر در آن ها می توان به راحتی هدایت را از گمراهی و صراط مستقیم را از کژراهه ها باز شناخت.

گفتنی است که مجموعه سخنان و رهنمودهای امام عصر علیه السلام توسط برخی نویسندگان جمع آوری و در قالب کتاب منتشر شده است که از آن جمله می توان به این کتاب ها اشاره کرد:

۱. مجموعه سخنان، توقیعات و ادعیه حضرت بقیه اللّه علیه السلام محمد خادمی شیرازی، چاپ دوم: قم، رسالت، ۱۳۷۷.

۲. کلمه الإمام المهدی علیه السلام سیدحسن شیرازی، مترجم سید حسن افتخارزاده سبزواری، چاپ اول: تهران، آفاق، ۱۴۰۷ق.

۳. المختار من کلمات الإمام المهدی علیه السلام ۳ج، محمد الغروی، چاپ اول: قم، مؤلف، ۱۴۱۴ق.

برای روشن تر شدن موضوع، خوب است که نگاهی داشته باشیم به یکی از این یادگارهای گرانقدر امام عصر علیه السلام ؛ یعنی دعای معروفی که با جمله «أللّهمّ ارزقنا توفیق الطاعه...» شروع می شود و در اوایل مفاتیح الجنان نیز آمده است.

دراین دعای کوتاه و مختصر، امام مهدی علیه السلام همه آنچه را که شایسته است ما خود را بدانها آراسته یا از آن ها پیراسته سازیم در قالب درخواست. از خدا بیان کرده و به صورت غیرمستقیم به ما فهمانده اند که به عنوان حجت خدا، چه انتظاری از ما دارند و چگونه شیعه ای را برای خود می پسندند.

با هم قسمت هایی از این دعا را می خوانیم:

أَللّهُمَّ ارْزُقْنا تَوفیقَ الطاعَهِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِیَهِ وَ صِدْقَ النیَّهِ وَ عِرْفانَ الْحُرمَهِ وَ أَکْرِمْنا بِالْهُدی والإِسْتِقامَهِ وَ سَدِّدْ أَلْسِنَتَنا بِالصَّوابِ وَ الحِکْمَهِ وَ املَاء قُلُوبَنا بِالْعِلمِ وَالْمَعْرِفَهِ وَ طَهِّر بُطُونَنا عَنِ الْحَرامِ وَ الشُّبْهَهِ وَ اکفُفْ أَیْدِیَنا عَنِ الظُّلْمِ وَ السِّرقَهِ واغْضُضْ أَبْصارَنا عَنِ الفُجُورِ وَ الْخِیانَهِ وَاسْدُد أَسْماعَنا عَنِ اللَّغوِ وَالْغِیبه.(۱)

بار خدایا! توفیق فرمانبرداری، دوری از گناهان، درستی و پاکی نیت و شناخت حرام ها را، روزی ما فرمای. و ما را به راهنمایی و پایداری گرامی دار و زبان ما را در درست گویی و گفتار حکیمانه استوار ساز و دل ما را از دانش و معرفت سرشار کن و درون ما را از حرام و مال شبهه ناک پاکیزه گردان و دست ما را از ستمگری و دزدی بازدار و چشم ما را از فجور و خیانت بپوشان و گوش ما را از شنیدن سخن بیهوده و غیبت بربند و... .

در ادامه این دعا، امام عصر علیه السلام صفات و ویژگی هایی را که شایسته عالمان،

۱- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای امام زمان علیه السلام .

دانش پژوهـان، پیران، جوانان، زنان، توانگران، تنگدسـتان، جنگ جویان، حکمرانان و... است برمی شـمارند و از خداونـد می خواهند که به هر یک از این گروه ها و اقشار اجتماعی صفات و ویژگی هایی را که شایسته آن هاست عطا فرماید.

بیاییـد یک بار این دعا را با دیـد کسـی که می خواهـد بدانـد امامش از او چه انتظاری دارد مرور کنید تا ببیند آیا می توانید با استفاده از این دعا بفهمید که امام عصر علیه السلام به طور خاص از شما چه توقع و انتظاری دارند؟!

۳_۴. پیوند با مقام ولایت

۳_۴. پیوند با مقام ولایت

حفظ و تقویت پیونـد قلبی با امام عصـر علیه السـلام و تجدیـد دایمی عهد و پیمان با آن حضـرت یکی دیگر از وظایف مهمی است که هر شـیعه منتظر در عصـر غیبت بر عهـده دارد. بـدین معنـا که یـک منتظر واقعی حضرت حجت علیه السـلام با وجود غیبت ظاهری آن حجت الهی هرگز نباید احساس کند که در جامعه رها و بی مسـئولیت رها شده و هیچ تکلیفی نسـبت به امام و مقتدای خود ندارد.

این موضوع در روایات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است که در این مجال به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

در روایتی که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده آن حضرت در تفسیر این کلام خدای تعالی:

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُوا اللّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ.(۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید، شـکیبا باشـید و دیگران را به شـکیبایی فرا خوانید و مراقب و مواظب باشـید و از خدا بترسـید، باشد که رستگار شوید.

می فرمایند:

إِصْبِرُوا عَلی أَداءِ الْفَرائِضِ وَ صابِرُوا عَدُوَّکُمْ وَ رابِطُوا إِمامَکُمُ [الْمُنْتَظَرُ].(۲)

۱- سوره آل عمران ۳، آیه ۲۰۰.

۲- محمـدبن ابراهیم النعمانی، کتاب الغیبه، ص۱۹۹؛ همچنین ر.ک: السـیدهاشم الحسـینی البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص۳۳۴، ح۴.

بر انجام واجبات صبر کنید و با دشمنانتان پایداری کنید، و پیوند خود را با امام منتظرتان مستحکم نمایید.

همچنین امام صادق علیه السلام در روایت دیگری که در تفسیر آیه مزبور وارد شده می فرمایند:

إِصْبِرُوا عَلَى الْفَرائِضِ وَ صابِرُوا عَلَى الْمَصائِبِ وَ رابِطُوا عَلَى الْأَئِمَّهِ.(۱)

بر واجبات صبر کنید و یکدیگر را بر مصایب به صبر وادارید و خود را بر پیوند با امامان [و یاری آن ها]ملتزم سازید.

روایات دیگری نیز به همین مضمون از امام جعفر صادق و امام موسی کاظم، علیهماالسلام، وارد شده است که به جهت رعایت اختصار از ذکر آن ها خودداری می کنیم.(۲)

این که می بینیم در روایت های متعددی، امامان ما شیعیان خود را به تجدید عهد و بیعت با امام زمان خود سفارش کرده و از آن ها خواسته اند که در آغاز هر روز و حتی بعد از هر نماز واجب، دعای عهد بخوانند، همه نشان از اهمیت پیوند دائمی شیعیان با مقام عظمای ولایت و حجت خدا دارد.

یکی از مشهورترین دعاهای عهد، دعایی است که مرحوم سید بن طاووس آن را در کتاب ارزشمند مصباح الزائر به نقل از امام صادق علیه السلام روایت کرده و در ابتدای آن آمده است که:

مَنْ دَعا إِلَى اللّهِ تَعالى أَرْبَعينَ صَباحا بِهذَا الْعَهْدِ كانَ مِنْ أَنْصارِ قائِمِنا، فَإِنْ ماتَ

۱- السید هاشم الحسینی البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص۳۳۴، ح۲.

۲- السید هاشم الحسینی البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص۳۳۴، ح۲.

قَبْلَهُ أَخْرَجَهُ اللّهُ تَعالی مِنْ قَبْرِهِ، وَ أَعْطاهُ بِكُلِّ كَلِمَهٍ أَلْفَ حَسَنَهٍ، وَ مَحا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَهٍ.(۱)

هر کس چهل بامداد خدا را با این عهد بخواند، از یاوران قائم ما خواهد بود، پس اگر پیش از [ظهور] قائم از دنیا برود، خداوند تعالی او را از قبرش خارج می سازد [تا قائم را یاری دهد]. و خداوند به شماره هر کلمه [از آن]هزار حسنه به او عطا کند و هزار بدی را از او برطرف می سازد.

به دلیل اهمیت و اعتبار مضمون این دعای شریف در اینجا بخشی از آن را نقل می کنیم:

أَللّهُمَّ إِنّی أُجَدِّدُ لَهُ فی صَبیحَهِ یَوْمی هذا وَ ما عِشْتُ مِنْ أَیّامِ حَیاتی عَهْدا وَ عَقْدا وَ بَیْعَهً لَهُ فی عُنُقی لا أَحُولُ عَنْها وَ لا أَزُولُ أَبَدا، أَللّهُمَّ اجْعَلْنی مِنْ أَنْصارِهِ وَ أَعْوانِهِ وَ الذّابّینَ عَنْهُ وَ الْمُسارِعینَ إِلَیْهِ فی قَضاءِ حَوائِجِهِ وَ الْمُمْتَثِلینَ لِأَوامِرِهِ وَ نَواهیهِ وَ الْمحامینَ عَنْهُ وَ السّابِقینَ إِلی إِرادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهَدینَ بَیْنَ یَدَیْهِ.(۲)

بار خدایا! من در بامداد این روز و تمام دوران زندگانیم، عهد و عقد و بیعتی را که از آن حضرت بر گردن دارم با او تجدید می کنم، که هرگز از آن عهد و بیعت برنگردم و بر آن پایدار بمانم. بار خدایا! مرا از انصار و یاران آن حضرت و از مدافعان [حریم مقدس] او، و شتابندگان در پی انجام مقاصد او واطاعت کنندگان ازدستورات و نواهی او و حمایت کنندگان از [وجود شریف] او و سبقت جویان به سوی خواسته او و شهید شدگان در حضور او قرار ده.

دقت در عبارت های بالا می تواند تصویری روشن از مفهوم عهد و پیمان با امام و حجت زمان به ما ارایه دهد؛ عهد و پیمانی ناگسستنی برای یاری و نصرت امام زمان خود و اطاعت مخلصانه و تا پای جان از اوامر و نواهی او.

آیا اگر هر شیعه منتظر در آغاز هر روز، با حضور و توجه، چنین عهد و

۱- ابن طاووس، علی بن موسی، مصباح الزائر، ص۴۵۵؛ محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۱۰۲، ص۱۱۱.

۲- ابن طاووس، علی بن موسی، مصباح الزائر، ص۴۵۵؛ محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۱۰۲، ص۱۱۱.

پیمانی را با امام و مقتدای خود تجدید نماید، هرگز به رکود، ذلت و خواری و ظلم و بی عدالتی تن خواهد داد؟

آیا هرگز حاضر خواهد شد که به رضای مولا و سرور خود بی اعتنایی کند و تن به گناه و معصیت دهد؟ مسلما خیر. بدون هیچ تردیدی اگر در جامعه ای چنین فرهنگی حاکم شود و همه تنها در پی رضای امام زمان خود باشند، آن جامعه هرگز دچار بحران فرهنگی، از خودبیگانگی، یأس و نومیدی و انحطاط نخواهد شد. این نکته نیز مسلم است که اگر همه شیعیان با همدلی و همراهی دست بیعت و یاری به سوی مولا و سرور خود دراز کنند و بر نصرت او متفق شوند دیری نخواهد پایید که فرج مولایشان را درک خواهند کرد و برای همیشه از ظلم ها و ذلت ها رهایی خواهند یافت. چنانکه در توقیع شریفی که پیش از این نیز به بخشی از آن اشاره شد آمده است:

لَوْ أَنَّ أَشْیاعَنا، وَفَّقَهُمُ اللّهُ لِطاعَتِهِ، عَلی إجْتِماعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِی الْوَفاءِ بِالْعَهْدِ عَلَیْهِمْ لَما تَأَخَّرَ عَنْهُمُ الْیُمْنُ بِلِقائِنا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعادَهُ بِمُشاهَدَتِنا عَلی حَقِّ الْمَعْرِفَهِ وَ صِدْقِها مِنْهُمْ بِنا.(۱)

اگر شیعیان ما، که خداوند آنان را در اطاعتش یاری دهد، در وفای پیمانی که از ایشان گرفته شده یکدل و مصمم باشند، نعمت لقای ما از آنان به تأخیر نمی افتد و سعادت دیدار ما برای آن ها با معرفت کامل و راستین نسبت به ما تعجیل می گردد.

شیعیان منتظر علاوه بر دعای عهد می توانند با بهره گیری از دعاها و زیارت های دیگری که مرتبط با امام عصر علیه السلام است، پیوند و ارتباط دائمی خود را با آن امام برقرار سازند که از آن جمله می توان به دعای ندبه، دعای فرج، دعای زمان غیبت، استغاثه به امام زمان علیه السلام زیارت آل یاسین، زیارت امام عصر در روز

۱- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۷۷.

جمعه، نماز امام زمان و... اشاره کرد. دعا به امام زمان علیه السـلام در قنوت و تعقیب نمازهای پنجگانه نیز می توانـد در ایجاد ارتباط و انس بیشتر با آن حضـرت مؤثر باشـد. چشم انتظاران امام عصـر علیه السـلام همچنین می توانند با حضور در مساجد و مکان های مقدسـی که منسوب به امام عصـر علیه السـلام است همچون مسجد جمکران در قم، مسجد سهله در نجف، سرداب مقدس سامرا و... پیوند خویش را با آن حضرت روز به روز مستحکم تر نمایند.

۴_۴. کسب آمادگی برای ظهور حجت حق

۴_۴. کسب آمادگی برای ظهور حجت حق

یکی دیگر از وظایفی، که به تصـریح روایات، در دوران غیبت بر عهده شـیعیان و منتظران فرج قائم آل محمد صـلی الله علیه و آله است کسب آمادگی های نظامی و مهیا کردن تسـلیحات مناسب هر عصـر برای یاری و نصرت امام غائب است. چنانکه در روایتی که النعمانی از امام صادق علیه السلام نقل کرده، آمده است:

لَیعِدَنَّ أَحَدُکُمْ لِخُرُوجِ الْقائِمِ علیه السلام وَ لَوْ سَهْما فَإِنَّ اللّهَ تَعالی إِذا عَلِمَ ذلِکَ مِنْ نِیَّتِهِ رَجَوْتُ لِأَنْ یَنْسِیَ فی عُمْرِهِ حَتّی یُدْرِکَهُ [فَیَکُونَ مِنْ أَعْوانِهِ وَ أَنْصارِهِ].(۱)

هر یک از شـما بایـد برای خروج حضـرت قائم علیه السـلام [سـلاحی]مهیا کنـد. هر چنـد یک تیر باشد؛ خدای تعالی هر گاه بدانـد کسـی چنین نیتی دارد امیـد آن است که عمرش را طولانی کنـد تا آن حضـرت را درک کنـد [و از یاران و همراهانش قرار گیرد].

در روایت دیگری مرحوم الکلینی از امام ابوالحسن [موسی کاظم علیه السلام]نقل می کند که:

... مَنِ ارْتَبَطَ دابَّةً مُتِوَقِّعا بِهِ أَمْرَنا وَ یَغیظُ بِهِ عَدُوَّنا وَ هُوَ مَنْسُوبٌ إِلَیْنا أَدَّرَ اللّهُ

۱- محمدبن ابراهیم النعمانی، کتاب الغیبه، ص ۳۲۰، ح ۱۰.

رِزْقَهُ، وَ شَرَحَ صَدْرَهُ وَ بَلَّغَهُ أَمَلَهُ وَ كانَ عَوْنا عَلى حَوائِجِهِ.(۱)

... هر كس اسبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن دشمنان ما را خشمگين سازد، در حالی كه او منسوب به ماست، خداوند روزيش را فراخ گرداند، به او شرح صدر عطا كند، او را به آرزويش برساند و در رسيدن به خواسته هايش ياری كند.

همچنين مرحوم الكلينی در الكافی از «ابوعبداللّه جعفی» روايتی را نقل می كند كه توجه به مفاد آن بسيار مفيد است:

قالَ لی أَبُوجَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بنِ عَلیٍّ، عَلَيْهِمَاالسَّلامُ: كَمِ الرِّباطُ عِنْدَكُمْ؟ قُلْتُ: أَرْبَعُونَ. قالَ عَلَيْهِ السَّلامُ، لكِنْ رِباطَنَا الدَّهْرُ.(۲)

حضرت ابوجعفر محمدبن علی (امام باقر) عليهماالسّلام، به من فرمودند: منتهای زمان مرابطه (مرزداری)(۳) نزد شما چند روز است؟ عرضه داشتم: چهل روز فرمودند: ولی

۱- محمدبن يعقوب الكلينی، الكافی، ج۶، ص۵۳۵، ح۱.

۲- محمدبن يعقوب الكلينی، الكافی، ج۸، ص۳۸۱، ح۵۷۶ .

۳- «مرابطه» چنانكه فقها در كتاب جهاد گفته اند، اين است كه شخص مؤمن برای جلوگيری از هجوم و نفوذ مشركان و كافران در مرزهای كشور اسلامی و يا هر موضعی كه از آن احتمال بروز حمله ای عليه مسلمانان می رود، به حال آماده باش و در كمين به سر برد.ر.ك: محمدحسن النجفی، جواهرالكلام فی شرح شرائع الاسلام، ج۲۱، ص۳۹.اين عمل در زمان غيبت امام معصوم عليهم السلام مستحب بوده و فضيلت های بسياری برای آن بر شمرده شده است، چنانكه در روايتی كه به طريق اهل سنت از رسول گرامی اسلام صلی الله عليه و آله نقل شده آمده است: رِباطُ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ خَيْرٌ مِنْ صِيامِ شَهْرٍ وَ قِيامِهِ، وَ إِنْ ماتَ مُرابِطا جَرَی عَلَيْهِ عَمَلُهُ وَ أَجْری عَلَيْهِ رِزْقُهُ وَ اَمِنَ مِنَ الْفُتّانِ. يك شبانه روز مرابطه (مرزداری) در راه خدا از اينكه شخص يك ماه روزها روزه باشد و شب ها به عبادت قيام نمايد ثوابش بيشتر است. پس هر گاه در اين راه بميرد عملی كه انجام می داده بر او جريان خواهد يافت، و روزيش بر او جاری خواهد شد و از فرشته ای كه در قبر مرده ها را امتحان می كند ايمن خواهد ماند. (علاءالدين علی المتقی البرهان، كنزالعمّال فی سنن الأقوال و الأفعال، ج۴، ص۲۸۴، ح۱۰۵۰۹) اما در مورد اينكه حداقل و حداكثر زمان مرابطه چه اندازه است بايد گفت كه: حداقل زمان مرابطه سه روز و حداكثر آن چهل روز است؛ زيرا اگر از اين مقدار بيشتر شود ديگر بر آن صدق مرابطه نكرده و جهاد شمرده می شود و شخص هم از ثواب جهادكنندگان برخوردار می شود. ر. ك: النجفی، محمد حسن، جواهرالكلام فی شرح شرائع الاسلام، ج۲۱، ص۴۱_۴۲

مرابطه ما مرابطه ای است که همیشه هست....

علامه المجلسی در شرح این فرمایش امام علیه السلام می فرماید:

اَیْ یَجِبُ عَلَی الشّیعَهِ أَنْ یَرْبِطُوا أَنْفُسَهُمْ عَلی طاعَهِ إِمامِ الْحَقِّ، وَ إِنْتِظارِ فَرَجِهِ وَ یَتَهَیَّاؤُا لِنُصْرَتِهِ.(۱)

بر شیعیان واجب است که خود را بر اطاعت امام بر حق و انتظار فرج او ملتزم سازند و برای یاری نمودنش مهیا باشند.

شیخ محمدحسن نجفی نیز در کتاب جواهرالکلام در شرح روایت مزبور می فرماید:

وَ هُوَ مَحْمُولٌ عَلی إِرادَهِ تَرَقُّبِ الْفَرَجِ ساعَهً بَعْدَ ساعَهٍ کَما جائَتْ بِهِ النُّصُوصُ لاَ الرِّباطُ الْمُصْطَلَحُ.(۲)

مرابطه در این روایت به معنای اراده انتظار فرج در تمام ساعات شبانه روز است، همچنانکه در بعضی از روایات نیز به این معنا اشاره شده است، نه مرابطه مصطلح در فقه.

شاید بتوان گفت که کلام صاحب جواهر نیز در نهایت به همان کلام علامه المجلسی بر می گردد که فرمود: مرابطه در روایت مزبور به معنای آمادگی و مهیا بودن برای یاری امام منتظر است.

رمز اینکه شیعه باید هر لحظه آماده یاری امام خود باشد این است که زمان ظهور برای ما مشخص نیست و هر آن که اراده خداوند تعلق گیرد ممکن است ظهور واقع شود. بنابراین شیعیان باید همواره در حال آماده باش به سر برند تا در موقع لزوم به فرمان امام خود برای مقابله با مستکبران و ظالمان جهان به پا

۱- محمدباقرالمجلسی، مراه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج۲۶، ص۵۸۲ .

۲- محمدحسن النجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج۲۱، ص۴۳.

خیزند.

با نگاهی به تاریخ شیعه می توانیم به عمق باور مردم به موضوع ظهور و آمادگی همیشگی آن ها برای این موضوع پی بریم. «ابن بطوطه» در سفرنامه خود می نویسد:

ندبه شیعیان حِلّه برای امام زمان ... در نزدیکی بازار بزرگ شهر، مسجدی قرار دارد که بر در آن، پرده حریری آویزان است و آنجا را «مسجد احب الزمان» می خوانند. شب ها پیش از نماز عصر، صد مرد مسلح با شمشیرهای آخته ... اسبی یا استری زین کرده می گیرند و به سوی مسجد احب الزمان روانه می شوند. پیشاپیش این چارپا، طبل و شیپور و بوق زده می شود. سایر مردم در طرفین این دسته حرکت می کنند و چون به مسجد صاحب الزمان می رسند، در برابر در ایستاده و آواز می دهند که:

«بسم اللّه، ای صاحب الزمان، بسم اللّه بیرون آی که تباهی روی زمین را فراگرفته و ستم فراوان گشته، وقت آن است که برآیی، تا خدا به وسیله تو حق را از باطل جدا گرداند ...» و به همین ترتیب به نواختن بوق و شیپور و طبل ادامه می دهند تا نماز مغرب فرا رسد...(۱)

باید توجه داشت که نحوه آمادگی و مهیّا بودن برای ظهور بستگی به شرایط زمان و مکان دارد و اگر در بعضی از روایات سخن از آماده کردن اسب و شمشیر برای ظهور ولیّ امر علیه السلام به میان آمده، و برای آن فضیلت بسیار برشمرده شده است، به این معنا نیست که این ها موضوعیت دارند، بلکه با قدری تأمل روشن می شود که ذکر این موارد تنها به عنوان تمثیل و بیان لزوم آمادگی رزمی برای یاری آخرین حجت حق است و مسلما در این عصر بر شیعیان لازم است

۱- ابن بطوطه، سفرنامه، ج۱، ص۲۷۲ به نقل از: محمد حکیمی، در فجر ساحل، ص ۵۵.

که با فراگرفتن فنون رزمی و مسلح شدن به تجهیزات نظامی روز، خود را برای مقابله با دشمنان قائم آل محمد علیهم السلام آماده سازند. البته در حال حاضر به دلیل حاکمیت دولت شیعی و حکومت فقیه جامع الشرایط بر سرزمین اسلامی ایران این وظیفه در درجه اول بر عهده حکومت اسلامی است که در هر زمان قوای مسلح کشور را در بالاترین حد آمادگی نظامی قرار دهند تا به فضل خدا در هر لحظه که اراده الهی بر ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی، عجّل اللّه تعالی فرجه، قرار گرفت بتوانند به بهترین نحو در خدمت آن حضرت باشند.

امام راحل، قدّس سرّه، با وسعت دیدی که داشتند «کسب آمادگی برای ظهور» را بسیار فراتر از آنچه گفته شد مطرح می کردند و معتقد بودند که ما باید از هم اکنون برای گسترش قدرت اسلام در جهان تلاش کنیم تا زمینه ظهور چنانکه باید فراهم شود. ایشان در این زمینه می فرمودند:

همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاءالله تهیه شود.(۱)

۵_۴. ارتباط با فقها و مراجع تقلید

۵_۴. ارتباط با فقها و مراجع تقلید

ما از یک سو می دانیم که در دوران غیبت هیچیک از احکام اسلام تعطیل نشده و باید تا آمدن امام عصر علیه السلام به همه آنچه اسلام از ما خواسته است عمل کنیم. و از سوی دیگر می دانیم که امکان دسترسی به امام معصوم علیهم السلام و فراگرفتن مستقیم احکام دین از ایشان، برای ما وجود ندارد. حال در این شرایط چه باید کرد؟ آیا دست روی دست بگذاریم و به هیچیک از احکام اسلام عمل نکنیم یا به هر آنچه خود احتمال می دهیم درست باشد عمل کنیم؟ قطعا هیچیک از این دو راه ما را به مقصود نمی رساند. امّا آیا امامان معصوم علیهم السلام فکری برای شیعیان خود در

۱- صحیفه نور مجموعه رهنمودهای امام خمینی، ج۷، ص۲۵۵.

زمان غیبت نکرده اند؟ در پاسخ این پرسش باید گفت که: ائمه علیهم السلام تکلیف ما را در زمان غیبت و عدم دسترسی به امام معصوم مشخص کرده و به ما امر فرموده اند که به فقهای جامع الشرایط مراجعه کنیم. چنانکه در روایتی که امام حسن عسکری علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل می کند چنین می خوانیم:

فَأَمّا مَنْ کانَ مِنَ الْفُقَهاءِ صائِنا لِنَفْسِهِ، حافِظا لِدینِهِ، مُخالِفا عَلی هَواهُ، مُطیعا لِأَمْرِ مَوْلاهُ، فَلِلعَوام أَنْ یُقَلِّدُوهُ وَ ذلِکَ لا یَکُونُ إِلاّ بَعْضُ فُقَهاءِ الشّیعَهِ لا کُلُّهُمْ.(۱)

... امّا هر یک از فقها که نفس خود را بازدارنده، دین خود را نگهدارنده، هوای خود را پس زننده و اوامر مولای خود را اطاعت کننده بود، بر عوام (مردم) لازم است که از او پیروی کنند و تنها بعضی از فقهای شیعه هستند که از این صفات برخوردارند نه همه آن ها.

امام عصر علیه السلام نیز در یکی از توقیعات خود در پاسخ «اسحاق بن یعقوب» می فرماید:

وَ أَمَّا الْحَوادِثُ الْواقِعَهُ فَارْجِعُوا فیها إِلی رُواهِ حَدیثِنا فَإِنَّهُمْ حُجَّتی عَلَیْکُمْ وَ أَنَا حُجَّهُ اللّهِ عَلَیْهِمْ.(۲)

... و امّا در رویدادهایی [که در آینده] پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آن ها حجت بر شما هستند و من حجت خدا برایشان.

چنانکه می دانید در طول ۶۹ سال غیبت صغری؛ یعنی از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ق. چهار تن از بزرگان شیعه به عنوان «نواب خاص» واسطه بین امام مهدی علیه السلام و مردم بودند. آن ها پرسش های علما و بزرگان شیعه و حتی برخی از مردم معمولی را با آن حضرت مطرح می کردند و ایشان نیز پاسخ آن ها را می دادند. امّا با پایان

۱- محمد بن الحسن الحرّ العاملی، وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه، ج۱۸، ص۹۵، ح۲۰.

۲- ابوجعفر محمدبن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۸۳، ح۴.

دوران غیبت صغری و آغاز دوران غیبت کبری دیگر کسی به عنوان نایب خاص معرفی نشد و مردم موظف شدند برای یافتن پاسخ پرسش های دینی خود به راویان احادیث اهل بیت علیهم السلام که همان فقهای جامع الشرایط بودند مراجعه کنند. از آن زمان به بعد فقها به عنوان نواب عام امام عصر علیه السلام مطرح شدند و رسالت هدایت شیعه را در عصر غیبت بر عهده گرفتند.

بنابراین بر همه منتظران امام عصر علیه السلام لازم است که بنا به فرموده امامان خود با پیروی از فقها و مجتهدان واجد شرایط، اعمال دینی خود را انجام دهند.

در زمینه امور اجتماعی و سیاسی نیز وظیفه مردم اطاعت از فقیهی است که از سوی بزرگان شیعه به عنوان «ولی فقیه» انتخاب شده است.

۶_۴. دعا برای تعجیل فرج

۶_۴. دعا برای تعجیل فرج

یکی از وظایف مهمی که بنا به تصریح حضرت صاحب الامر علیه السلام بر عهده همه منتظران گذاشته شده، دعا برای تعجیل فرج است.

امام عصر علیه السلام در توقیعی که خطاب به «اسحاق بن یعقوب» صادر شده، می فرمایند:

وَ أَکْثِرُوا الدُّعاءَ بِتَعْجیلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذلِکَ فَرَجُکُمْ.(۱)

برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که فرج شما همان است.

امام حسن عسکری علیه السلام نیز دعا برای تعجیل فرج را شرط رهایی از فتنه های دوران غیبت دانسته، می فرماید:

وَ اللّهِ لَیَغیبَنَّ غَیْبَهً لا یَنْجُو فیها مِنَ الْهَلَکَهِ إِلاّ مَنْ ثَبَّتَهُ اللّهُ عَلَی الْقَولِ بِإِمامَتِهِ وَ وَفَّقَهُ [فیها]لِلدُّعاءِ بِتَعْجیلِ فَرَجِهِ.(۲)

۱- ابوجعفر محمدبن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۸۳، ح۴؛ ابوجعفر محمدبن الحسن الطوسی شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص۱۷۶.

۲- ابوجعفر محمدبن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۸۴.

به خدا سوگند [او] غیبتی خواهد داشت که در آن تنها کسانی از هلاکت نجات می یابند که خداوند آن ها را بر قول به امامتش ثابت قدم داشته و در دعا برای تعجیل فرجش موفق کرده است.

دعا برای تعجیل فرج از چنان اهمیتی برخوردار است که امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَنْ قالَ بَعْدَ صَلوهِ الْفَجْرِ وَ بَعْدَ صَلوهِ الظُّهْرِ: «أَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ» لَمْ یَمُتْ حَتّی یُدْرِکَ الْقائِمَ.(۱)

هر کس بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: «خداوندا! بر محمد و خاندان او درود فرست و در فرج ایشان تعجیل کن» نمیرد تا قائم [علیه السلام] را دریابد.

در روایت دیگری نیز آمده است که هر کس چنین کند خداوند شصت حاجت او را برآورده می سازد؛ سی حاجت از حوائج دنیا و سی حاجت از حوائج آخرت.(۲)

بنابراین همه شیعیان باید در طول شبانه روز، در اوقات نماز و در همه ایامی که در آن ها دعا سفارش شده، دعا برای تعجیل فرج را به عنوان یک تکلیف و وظیفه مهم عصر غیبت فراموش نکنند. بلکه این دعا را بر همه دعاهای خود مقدم کنند تا خداوند به برکت این دعا آن ها را از همه فتنه ها و آشوب های زمان غیبت در امان نگهدارد و همه گرفتاری ها و غم و غصه های آن ها را برطرف سازد.

۱- ابوجعفر محمدبن الحسن الطوسی شیخ طوسی، مصباح المتهجّد، ص۳۲۸.

۲- ابراهیم بن علی الکفعمی، المصباح، ص۴۲۱.

۷_۴. بزرگداشت یاد و نام حضرت مهدی علیه السلام

مؤمنان بایـد نام همه معصومین علیهم السـلام را بزرگ بدارنـد و جز با تعظیم و احترام از آن ها یاد نکنند. اما در این میان امام مهدی علیه السلام جایگاه و شأن ویژه ای دارند؛ زیرا:

۱. ایشان امام عصر و زمان ما و حجت حیّ و حاضر و ناظر خداوند هستند؛

۲. آن حضرت وارث همه فضایل و شایستگی هایی هستند که در خاندان رسالت وجود داشته است؛

۳. آن امام احیاکننده مکتب اهل بیت علیهم السلام بلکه احیاکننده دین و دین باوری در سراسر جهان هستند؛

۴. ایشان، در بین امامان پیش از خود نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار بودند. تا آنجا که امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که از ایشان می پرسد: «آیا قائم علیه السلام متولد شده است» می فرماید:

لا وَ لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَیّامَ حَیاتی.(۱)

خیر، امّا اگر او را دریابم در همه ایّام زندگانی ام خدمتگزارش خواهم بود.

امّا بزرگداشت یاد و نام امام مهدی علیه السلام مصادیق مختلفی دارد که ما در اینجا به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱_۷_۴. برپاخاسـتن به هنگـام شـنیدن نام های آن حضـرت: بر همه ارادتمنـدان حضـرت مهـدی علیه السـلام لازم است که به هنگام شنیدن نام ها و القاب آن حضرت، بویژه نام مبارک «قائم» از جا برخیزند و نسبت به امام خود ادای احترام کنند.

روایت شده است که روزی در مجلس حضـرت صادق علیه السلام نام مبارک حضرت صاحب الامر علیه السلام برده شد، امام ششم به منظور تعظیم و احترام نام آن حضرت از جای خود برخاسته قیام فرمود.(۲)

۱- محمدبن ابراهیم النعمانی، کتاب الغیبه، ص۲۴۵، ح۴۶.

۲- میرزاحسین نوری، نجم الثاقب، ص۵۲۳ .

همچنین نقل شده است: زمانی که «دعبل خزاعی» قصیده معروف خود در وصف اهل بیت علیهم السلام را در پیشگاه امام رضا علیه السلام می خواند، آن امام با شنیدن نام حضرت حجت علیه السلام از جای برمی خیزد، دست خود را به نشانه تواضع بر سر می گذارد و برای تعجیل در فرج آن حضرت دعا می کند.(۱)

برخاستن به هنگام شنیدن نام امام مهدی علیه السلام می تواند به معنای اعلام آمادگی برای یاری و نصرت آن حضرت و همچنین اعلام درک حضور و شهود آن حضرت باشد.

۲_۷_۴. نکوداشت روزهای منسوب به آن حضرت: شیعیان باید در روزهایی مانند اعیاد چهارگانه اسلامی (فطر، قربان، غدیر و جمعه)، شب و روز نیمه شعبان به طور ویژه به یاد امام غایب خود باشند و با خواندن زیارت آن حضرت و خواندن دعاهایی مانند دعای ندبه، عهد، فرج و... پیمان خود را با امامشان تجدید کنند.

۳_۷_۴. آغاز کردن هر روز با سلام به پیشگاه آن حضرت: منتظران امام مهدی علیه السلام باید که در آغاز هر روز و در تعقیب نماز صبح، سلام به مولای خود را فراموش نکنند و بسته به فرصت و وقتی که دارند با یکی از زیارت های وارد شده و یا دعای عهد به امام خود عرض ارادت کنند تا هرگز یاد و نام آن حضرت از دل هایشان زایل نگردد.

با توجه به آنچه گفته شد اگر بخواهیم مفهوم انتظار در مکتب تشیع را در چند جمله بیان کنیم می توانیم بگوییم که انتظار در مکتب تشیع حالت انسانی است که ضمن پیراستن وجود خویش از بدی ها و آراستن آن به خوبی ها، در ارتباطی مستمر با امام و حجت زمان خویش همه همت خود را صرف

۱- لطف الله الصافی الگلپایگانی، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام، ص۵۰۶و۵۰۸ .

زمینه سازی ظهور مصلح آخرالزمان نموده و در جهت تحقق وعده الهی نسبت به برپایی دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام با تمام وجود تلاش می کند.

۵ نقش سازنده انتظار

اشاره

۵ نقش سازنده انتظار

انتظار منجی موعود از سویی عاملی برای پایداری و شکیبایی در برابر سختی ها و مشکلات عصر غیبت و از سویی دیگر عاملی برای پویایی، تحرک و آماده باش همیشگی شیعیان است. براساس تعالیم ائمه معصومین علیهم السلام منتظر باید هر لحظه آماده ظهور باشد و زندگی خود را چنان سامان دهد که هر زمان اراده خدا به ظهور تعلق گرفت بتواند با سربلندی در پیشگاه حجت خدا حاضر شود.

با توجه به این نگرش، انتظار نقشی سازنده در فرد و جامعه داشته و در ورت شناخت دقیق و درست آن می تواند مبنای نظری مستحکمی برای تحول مادی و معنوی جامعه اسلامی باشد.

برای روشن ترشدن نقش سازنده انتظار در فرد و جامعه، در اینجا از دو زاویه به تحلیل این موضوع می پردازیم: ۱. از زاویه مفهوم انتظار؛ ۲. از زاویه متعلَّق انتظار.

۱_۵. از زاویه مفهوم انتظار

۱_۵. از زاویه مفهوم انتظار

برای درک درست نقش سازنده انتظار و امید به آینده در فرد و جامعه لازم است که ارکان و پایه های اساسی آن را بررسی کنیم.

هر کس با مراجعه به خود و بررسی مصادیق مختلف انتظار درمی یابد که این مفهوم سه پایه اساسی دارد:

۱. ناخوشنودی از وضع موجود یا قانع نبودن به آن؛

۲. امید و باور به آینده مطلوب؛

۳. تلاش در جهت تحقق آینده مطلوب.

بدون تردید، انتظار، چه در معنای عام و چه در معنای خاص آن، زمانی فعلیت می یابد که سه رکن یاد شده محقق شود. کسی

که هیچ احساس

ناخوشایندی نسبت به وضع موجود خود و شرایطی که در آن به سر می برد ندارد، یا آینده روشنی پیش روی خود نمی بیند و از باور درستی نسبت به امکان تغییر شرایط موجود برخوردار نیست، یا هیچ تلاشی در راه تحقق آینده ای که آن را مطلوب می داند و رسیدن به هدفی که چشم انتظار رسیدن آن است، نمی کند، هرگز نمی تواند در زمره منتظران باشد.

حال اگر بخواهیم با توجه به سه رکن اساسی انتظار، به تحلیل مفهومی انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام بپردازیم و مشخص کنیم که چه زمانی می توان فردی را واقعا منتظر ظهور دانست، باید به سه نکته اساسی اشاره کنیم:

۱. آگاهی نسبت به شرایط موجود و معرفت نسبت به شرایط عصر موعود؛

۲. باور به تحقق وعده الهی در مورد آینده جهان و حاکمیت نهایی دین خدا بر سراسر زمین؛

۳. حرکت و تلاش در راه زمینه سازی و یا تحقق جامعه موعود.

نخستین شرط انتظار این است که انسان به آن حد از آگاهی و شناخت برسد که بفهمد وضع موجود جهان و مناسبات حاکم بر آن به هیچ وجه خشنود کننده نیست و شرایطی که در آن زندگی می کند تناسبی با عظمت وجودی انسان و شأن او ندارد. این شناخت تنها در صورتی حاصل می شود که آدمی ابتدا شرایط موجود جامعه خود و شرایط جامعه موعود را به درستی بشناسد و آنگاه به مقایسه آن ها پرداخته و به داوری بنشیند که واقعا کدامیک از این شرایط، شایسته مقام انسان به عنوان اشرف مخلوقات است.

شرط دوم باور به سعادتمند شدن جهان و رستگاری بشر در پایان تاریخ است. باور به این حقیقت که جهان بالاخره طعم خوش حقیقت، عدالت و معنویت را خواهد چشید و ریشه هر چه دروغ، ستم، فساد و تباهی است از زمین برکنده خواهد شد.

بدون تردید تحقق شرایط یاد شده مستلزم تلاش فراگیر فردی و اجتماعی در حوزه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است. تلاشی که اگر به واقع محقق شود، فرد و جامعه مصداق روایاتی خواهند شد که در آن ها منتظران ظهور را با یاوران امام مهدی علیه السلام و حاضران در صحنه های نبرد عصر ظهور مقایسه کرده و اجر و ثواب و شأن و مرتبه آن ها را یکسان دانسته اند.

کلام خود را با ذکر روایتی از امام صادق علیه السلام به پایان می بریم؛ روایتی که با تأمل در آن می توان همه بایسته های انتظار فرج را دریافت:

إنَّ لَنا دَولَةً یَجِیی ءُ اللّه ُبِها إذا شاءَ. ثُمَّ قالَ: مَن سَرَّهُ أن یَکُونَ مِن أَصحابِ القائِمِ فَلیَنتَظِر وَلیَعمَل بِالوَرَعِ وَ مَحاسِنِ الأخلاقِ، وَ هُوَ مُنتَظِرٌ، فَإن ماتَ وَ قامَ القائِمُ بَعدَهُ کانَ لَهُ مِنَ الأَجرِ مِثلُ أَجرِ مَن أدرَکَهُ، فَجِدُّوا وَانتَظِرُوا، هَنِیئا لَکُم أَیَّتُهَا العِصابَهُ المَرحُومَهُ.(۱)

برای ما دولتی است که هر زمان خداوند بخواهد، آن را محقق می سازد. و آنگاه [امام] فرمود: هر کس دوست می دارد از یاران حضرت قائم، باشد باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، در حالی که منتظر است، پس چنانچه بمیرد و پس از مردنش قائم، به پا خیزد، پاداش او همچون پاداش کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده است، پس کوشش کنید و در انتظار بمانید، گوارا باد بر شما [این پاداش] ای گروه مشمول رحمت خداوند!

۲_۵. از زاویه متعلَّق انتظار

۲_۵. از زاویه متعلَّق انتظار

آنچه درباره نقش سازنده انتظار گفته شد تنها زمانی مفهوم خود را به درستی باز می یابد که بدانیم در مذهب شیعه «منجی موعود» تنها به عنوان انسان برتری که در آخرالزمان زمین را از عدالت پر می سازد و انسان های در بند را رهایی

۱- محمدبن ابراهیم النعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۰، ج۱۶؛ محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰.

می بخشد مطرح نیست؛ بلکه در این مذهب او به عنوان تداوم بخش رسالت انبیا، وارث اولیای الهی و در یک کلام «حجت خدا»(۱) بر روی زمین نیز مطرح است. حجتی که زنده، شاهد و ناظر بر اعمال آدمیان است و بنابراین نقش او در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها تنها به آخرالزمان و زمان ظهور منحصر نمی شود و وجود او در لحظه لحظه زندگی ساکنان زمین نقش دارد.

به اعتقاد شیعه حجّت خداوند بر روی زمین از طرفی دلیل و راهنمای آشکار مردم به سوی صراط مستقیم و از طرف دیگر ملاک و معیاری است که انسان ها می توانند با رجوع به او میزان انطباق خود را با دین خدا بسنجند.

با توجه به این مفهوم آنکه در انتظار ظهور حجّت است خود را مکلف می کند که تا همه مناسبات فردی و جمعی اش انعکاس انتظارش باشد؛ زیرا در غیر این ورت انتظار مفهوم خود را از دست می دهد و به لقلقه زبان تبدیل می شود. منتظر نمی داند حجت خدا کدامین روز می آید؛ اما می داند بایستی چنان زندگی کند که هر زمانی ایشان ظهور کرد اعمال و شیوه زندگیش را بپذیرد.

به بیان دیگر تنها کسانی در زمان «ظهور» سربلندند که در زمان «غیبت» در جهت تأمین رضایت مولایشان تلاش کرده باشند.

این معنا را بصراحت می توان از قرآن و روایات استفاده کرد. در یکی از آیات قرآن کریم آمده است:

۱- «حجّت» در لغت به معنای دلیل، برهان و راهنماست. به عبارت دیگر «آنچه را که به آن دعوی یا مطلبی را ثابت کنند» حجت گویند. (ر.ک: احمد بن محمد الفیّومی، المصباح المنیر، ص ۱۲۱؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۵۳ ؛ سعید الجوزی الشرتونی اللبنانی، أقرب الموارد فی فصح العربیه والشوارد، ج ۱، ص ۱۶۴؛ خلیل جُر، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طبیبان، ج ۱، ص ۸۰۸ ؛ حسن عمید، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۷۷۹). راغب اصفهانی نیز حجت را این گونه معنا کرده است: «راهنمایی آشکار به راه مستقیم و آنچه که به آن می توان به درستی یکی از دو نقیض پی برد» (ابوالقاسم الحسین بن محمد الراغب الإصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن فی غریب القرآن، ص۱۰۷.)

یَوْمَ یَأتی بعضُ آیاتِ رَبِّکَ لایَنْفَعُ نَفْسا إیمانُها لَمْ تَکُنْ امَنَتْ مِنْ قَبْلُ أوْ کَسَبَتْ فی إیمانِها خَیْرا قُلِ انْتَظِرُوا إنّا مُنْتَظِرُونَ.(۱)

روزی که برخی نشانه های خدا آشکار شود، ایمان کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا به هنگام ایمان کار نیکی انجام نداده است، برای او سودی نخواهد داشت. بگو چشم به راه باشید، ما نیز چشم به راهیم.

در ذیل آیه یادشده، روایات متعددی به طریق شیعه و اهل سنّت نقل شده که در آن ها «روزی که برخی نشانه های خدا آشکار شود» به زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده است.(۲)

از جمله در روایتی که از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه مزبور وارد شده، چنین آمده است:

ألآیاتُ هُمُ الأَئِمَّهُ، وَالآیَهُ الْمُنْتَظَرَهُ هُوَ الْقائِمُ علیه السلام فَیَوْمَئِذٍ لایَنْفَعُ نَفْسا إیمانُها لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبلِ قیامِهِ بِالسَّیْفِ وَ إنْ آمَنَتْ بِمَنْ تَقَدَّمَهُ مِن آبائِهِ، عَلَیْهُمُ السَّلامُ.(۳)

مراد از نشانه ها امامان هستند و آن نشانه ای که انتظار کشیده می شود، قائم علیه السلام است. در آن زمان ایمان کسی که پیش از قیام آن حضرت با شمشیر، ایمان نیاورده برای او سودی نخواهد داشت، اگرچه به پدران آن حضرت که پیش از او بودند، ایمان آورده باشد.

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری آیه یادشده را چنین تفسیر می کنند:

یَعْنی خُرُوجُ القائِمِ الْمُنْتَظَرِ مِنّا ثُمَّ قالَ علیه السلام یا أبابَصیرِ طُوبی لِشیعَهِ قائِمِنا الْمُنْتَظِرینَ لِظُهُورِهِ فی غَیْبَتِهِ وَ الْمُطیعینَ لَهُ فی ظُهُورِهِ، أُولئِکَ أوْلیاءُ اللّه ِ الَّذینَ لا خَوفٌ عَلَیْهِم وَ

۱- سوره انعام ۶، آیه ۱۵۸.

۲- ر.ک: السید هاشم البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۲۱ _ ۱۲۳؛ مؤسسه المعارفالاسلامیه، معجم أحادیث الإمام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۱۰۰ _ ۱۰۹.

۳- ابوجعفر محمدبن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۱۸.

لا هُمْ یَحْزَنُونَ.(۱)

[مراد از آن روز] زمان خروج قائم ماست که انتظارش کشیده می شود، آنگاه فرمود: ای ابابصیر! خوشا به حال پیروان قائم ما که در زمان غیبت او چشم به راه ظهور اویند و در زمان ظهورش او را پیروی می کنند. آن ها دوستان خدا هستند که نه بیمناک می شوند و نه اندوهگین می گردند.

در زیارت «آل یاسین» نیز که از ناحیه مقدسه امام عصر علیه السلام نقل شده، با اشاره به آیه مذکور، خطاب به ائمه معصومین علیهم السلام آمده است:

... و أنَّ رَجْعَتَکُمْ حَقٌّ لارَیْبَ فیها، یَوْمَ لایَنْفَعُ نَفسا ایمانُها لَمْ تَکُنْ امَنَتْ مِنْ قَبْلُ أوْ کَسَبَتْ فی ایمانِها خیرا.(۲)

... رجعت شما [امامان] حق است و هیچ تردیدی در آن نیست، روزی که ایمان کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا به هنگام ایمان کار نیکی انجام نداده است، برای او سودی نخواهد داشت.

با توجه به این نکته که «رجعت» از رویدادهای مقارن با عصر ظهور امام مهدی علیه السلام است بروشنی می توان نتیجه گرفت که آیه یادشده نیز در زمان ظهور تحقق می یابد.

نکته ای که از آیه و روایات یادشده استفاده می شود این است که هر کس باید تا پیش از آشکار شدن حجّت خداوند چنان زندگی کند و خود و جامعه اش را چنان بسازد که بتواند به هنگام ظهور در پیشگاه آن حضرت پاسخگو باشد؛ چراکه در آن روز دیگر توبه و پشیمانی سودی ندارد.

در روایتی که پیش از این از حضرت صاحب الامر علیه السلام نقل کردیم، دیدیم که آن

۱- ابوجعفر محمدبن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۵۷، ح ۵۴ .

۲- شیخ عباس، قمی، مفاتیح الجنان.

حضـرت همه شـیعیان را دعـوت می کننـد که در زمـان غیبت آنچه را که موجب دوسـتی و محبت ایشـان می شود، پیشه خود سازنـد و از هر آنچه که موجب خشم و ناخشـنودی ایشـان می گردد، دوری گزیننـد؛ زیرا امر فرج به یکباره و ناگهانی فرا می رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر ایشان نجات نمی بخشد.

با توجه به آنچه گفته شـد در می یابیم که انتظار «حجت» انتظاری است زنـده و پویا که در لحظه لحظه حیات آدمی جاری می شود و زندگی فردی و اجتماعی او را متحول می سازد. به بیان دیگر انتظار «حجت» تنها به زمان «آینده» مربوط نمی شود بلکه زمان «حال» را هم در بر می گیرد و می تواند منشأ تحولی اساسی در زندگی منتظر باشد.

فصل دوم : بایدها و نبایدهای ترویج انتظار

اشاره

فصل دوم : بایدها و نبایدهای ترویج انتظار

مقدمه

در چند سال گذشته شور و شوق ظهور منجی موعود در سراسر جهان و در میان همه اقوام، ملل و مذاهب رشدی شتابان داشته و مباحث مربوط به آخرالزمان شناسی و منجی گرایی با سرعتی باورنکردنی گسترش یافته است. پیروان اهل بیت علیهم السلام در سرزمین اسلامی ایران نیز به مدد انفاس قدسی حضرت بقیه اللّه الأعظم ــ أرواحنا له الفداء ــ توجه روزافزونی نسبت به موضوع مهدویت و انتظار پیدا کرده و عاشقان مهدی علیه السلام گوشه، گوشه این سرزمین را تبدیل به مجالس ذکر یاد و نام آن عزیز سفر کرده نموده اند.

امروزه در کشور ما کم تر مرکز علمی، آموزشی و فرهنگی دیده می شود که در آن محفل، انجمن، کانون، گروه یا نشریه ای با هدف تبلیغ و ترویج باور مهدوی و یا تحقیق و پژوهش در این زمینه شکل نگرفته باشد. اما حساسیت ها و ظرافت های باور مهدوی، از یک سو، و آسیب هایی که ممکن است در این میان از سوی دشمنان دانا یا دوستان نادان متوجه این باور شود، از سوی دیگر، ضرورت توجه به رسالت ها و وظایف مبلغان و مروّجان باور مهدوی را دو چندان ساخته است.

با توجه به آنچه گفته شد در این فصل تلاش شده که ضمن تبیین مهم ترین

بایـدها و نبایـدهای ترویـج فرهنگ انتظار و ارائه راهکارهایی برای تعمیق و گسترش هرچه بیشتر این گونه فعالیت ها، برخی از آسیب ها و آفت هایی که فعالیت های تبلیغی و ترویجی در حوزه مباحث مهدوی را تهدید می کنند، نیز بررسی شود.

با امید به این که مورد توجه شما عزیزان واقع شود.

۱ ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام

۱ ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام

در فرهنگ اسـلامی کسـی که نقش دعوت کننده (داعی) مردم را به عهده می گیرد، رسالت و مسـئولیت سنگینی دارد و لازم است خود بیش از هر کس دیگر به آنچه مردم را به آن فرا می خوانـد پای بند باشد؛(۱) زیرا سخن آنگاه بر دل می نشیند که از دل برآمده باشد و تنها سـخنی از دل برمی آید که از مرحله ادای زبانی فراتر رفته و به عمق جان راه یافته باشد. روشن است که انسان تا چیزی را با همه وجود نپذیرد و در عمل بدان پای بند نباشد به عمق جانش راه نمی یابد.

بـا توجه به آنچه گفته شـد کسـی که می خواهـد جـامعه پیرامون خود را به سوی امـام زمـان علیه السـلام فراخوانـد و آن ها را دعوت به توجه و انس و التفـات بیش تر نسـبت به آن حضـرت کنـد، قطعـا بایـد خود بیش و پیش از دیگران با امام زمان علیه السلام رابطه معنوی برقرار کند و در زندگی فردی و اجتماعی خود یاد و نام آن حضرت را همواره درنظر داشته باشد.

۱- با توجه به همین موضوع است که امام علی علیه السـلام به نقل از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «...إنّ أشـدّ أهل النار نـدامه و حسره رجل دعا عبـدا إلی اللّه فاستجاب له و قبل منه فأطاع اللّه فأدخله اللّه الجنّه و أدخل الـداعی النار بترکه علمه و اتباعه الهوی و طول الأمل»؛ از میان اهل آتش کسـی که پشـیمانی و حسرت او از همه بیشتر است مردی است که بنـده ای را به سوی خـدا دعوت کرده و او هم دعوتش را پـذیرفته و اطاعت خـدا را پیش گرفته و خـدا هم او را داخل بهشـت کرده است امـا آن دعوت کننـده را به دلیـل ترک علمش و پیروی از هوی و درازی آرزو داخـل جهنم نموده است. محمـدبن یعقوب الکلینی، الکافی، ج۱، ص۴۴، ح۱.

افزون بر ایـن، انس و ارتبـاط معنـوی بـا امـام عصـر علیه السـلام از جهت دیگری نیز برای مروجـان و مبلغـان فرهنـگ مهـدوی ضروری است و آن به دست آوردن پشـتوانه لازم در فعـالیت تبلیغی و ترویجی است. توضـیح آنکه: به دلیـل شـرایط فرهنگی خـاص حاکم بر برخی از محیط ها، فعالیت تبلیغی و ترویجی چنـدان ساده نیست و قطعا مسائل و مشـکلاتی را به همراه خواهد داشت؛ از این رو اگر مروج و مبلغ این فرهنگ از ظرفیت و تحمل بالایی برخوردار نباشـد چه بسا که پس از مـدتی دچار یأس و دلسردی شود. در این شرایط تنها چیزی که می تواند ظرفیت و تحمل لازم را به فعالان در این حوزه ببخشد و پشتوانه لازم را برای آن هـا فراهم کنـد ارتبـاط معنوی بـا امـام عصـر علیه السـلام است. در صورت وجود این ارتبـاط معنوی، ظرفیت و تحمل محدود ما در پیوند با ظرفیت و تحمل نامحدود آن امام وسـعت و گسترش می یابد و توان تحمل سختی ها و مشکلات این راه را پیدا می کنیم.

در اینجا ممکن است پرسـیده شود: چگونه می توان با امام مهـدی علیه السـلام رابطه معنوی برقرار کرد؟ در پاسـخ باید گفت: این کـار بسـیار سـاده است. البته به شـرط آن که از همان ابتـدا به دنبال دست یافتن به جایگاه های بسـیار بالایی چون تشـرف خدمت آن حضرت نباشید، بلکه قدم به قدم و به تدریج این رابطه معنوی را گسترش داده و تعمیق بخشید.

نخستین قـدم هـا برای ایجـاد ارتباط معنوی با امام عصـر علیه السـلام می توانـد با انجام یک یا چنـد مورد از کارهای زیر آغاز شود: خواندن دعای عهد در هر صـبحگاه؛ عرض سلام خدمت آن حضرت در آغاز و پایان هر روز؛ خواندن زیارت آل یاسین یا دعای نـدبه در هر روز جمعه؛ دعا برای سـلامتی آن حضـرت در مواقعی چون قنوت نماز و تعقیب نمازهای روزانه؛ خواندن نماز امام زمان؛ توسل به آن حضرت در مواقع سختی و مشکلات و... .

همـانطور که گفته شـد لازم نیست همه این کارهـا را به یکبـاره و همزمـان آغـاز کنیـد، یکی دو مورد از کارهای یادشـده را انتخاب و سعی کنید به طور مرتب و مستمر آن را انجام دهید و به تدریج کارهای دیگر را نیز به برنامه خود اضافه کنید.

گفتنی است که کتـاب هـا و آثـار مختلفی در زمینه وظـایف و تکـالیف منتظران و راه های افزایش انس و پیونـد معنوی با امام عصر علیه السلام تألیف شده که در اینجا به دو مورد از آن ها اشاره می کنیم:

۱. پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی (تکالیف الأنام فی غیبه الإمام، علیه الصلوه والسلام)، دبیرالدین صدرالإسلام علی اکبر همدانی (در گذشته به سال ۱۳۲۶ق.) چاپ اول: تهران، بدر، ۱۳۶۱.

در این کتاب پس از مقدمه مؤلف، تکالیف منتظران در زمان غیبت، در شصت عنوان مستقل مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. مکیـال المکارم فی فوائـد الـدعاء للقائم علیه السـلام (۱) سـیدمحمد تقی موسوی اصـفهانی (۱۳۴۸-۱۳۰۱ق.)، ۲ج، ترجمه سیدمهدی حائری قزوینی، چاپ دوم: تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۴۱۲ق.

گفتنی است که این کتاب در سال ۱۳۸۰ با اصلاحاتی از سوی انتشارات برگ شقایق به چاپ رسیده است.

مرحوم سـید محمـدتقی اصـفهانی در مقـدمه کتاب مکیال المکارم یادآور می شود که این کتاب را براساس سفارشـی که امام مهدی علیه السلام در خواب به او نموده بود تألیف کرده است.

کتاب یادشده که یکی از منابع ارزشمند در زمینه شناخت ادعیه و زیارت های

۱- ترجمه نام کتاب چنین است: «پیمانه های خوبی ها، درباره فواید دعا برای قائم علیه السلام ».

مرتبط با امام عصر علیه السلام و وظایف شیعیان در برابر آن حضرت است در پنج بخش، به شرح زیر سامان یافته است:

۱_۲. شناخت امام زمان علیه السلام واجب است؛

۲_۲. اثبات امامت حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام ؛

۳_۲. در بیان قسمتی از حقوق و مراحم آن حضرت نسبت به ما؛

۴_۲. درجات و خصوصیات امام زمان علیه السلام که موجب دعا برای آن جناب می باشد؛

۵_۲. بیان نتایج خوب از دعا برای فرج؛

۶_۲. اوقات و حالات تأکید شده برای دعا؛

۷_۲. چگونگی دعا برای تعجیل فرج و ظهور امام؛

۸_۲. تکالیف عصر غیبت.

همچنین شما می توانید با بهره برداری از کتاب های زیر، بیش از پیش با دعاها، زیارت ها، نمازها و صلوات و توسلات مرتبط با امام عصر علیه السلام آشنا شوید:

۱. صحیفه المهدی، جواد قیّومی اصفهانی، چاپ سوم: قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷.

۲. صحیفه مهدّیه: مجموعه مهمی از نمازها، دعاها و زیارت هایی که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام صادر شده و یا...، سید مرتضی مجتهدی، ترجمه محمدحسین رحیمیان، چاپ سوم: قم، الماس، ۱۳۸۱.

۳. راز و نیاز منتظران: دعاها، زیارت ها و نمازهای ویژه حضرت احب الزمان، چاپ اول: تهران، موعود، ۱۳۸۰.

این نخستین قدم در راه ایجاد ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام است و قطعا با مواظبت بر انجام کارهایی که از آن ها یاد شد، رفته رفته روح انتظار در شما زنده تر شده، پیوند معنوی شما با امام مهدی علیه السلام مستحکم تر می شود و با آن

حضـرت انس و الفتی بیشتر پیدا می کنید. اما پس از این مرحله باید تلاش نمایید که حضور امام عصـر علیه السـلام را بیش از پیش در زندگی فردی و اجتماعی خود احساس کنید. احساس حضور امام به این است که شـما آن حضرت را شاهد و ناظر بر رفتـار، گفتار و پنـدار خود بدانیـد و هر آنچه را که خشـنودی امام زمان علیه السـلام در آن است انجام دهیـد و از هر آنچه موجب ناخشنودی آن امام می شود دوری گزینید. این حداقل وظیفه ای است که ما در برابر حجت خدا داریم و در روایتی که پیش از این بیان شد دیدیم که آن حضرت نیز به صراحت انجام این وظیفه را به عهده همه ما گذاشته اند.(۱)

۲ شناخت دیدگاه های موجود در زمینه باور مهدوی

اشاره

۲ شناخت دیدگاه های موجود در زمینه باور مهدوی

براسـاس روایـات قطعی و تردیدناپـذیری که پیش از این از آن هـا یـاد شـد بر هر مسـلمانی واجب است که امـام زمان خود را بشناسد.(۲) با توجه به این موضوع هر یک از ما وظیفه داریم که در حـد توان، امام و حجت عصـر خود؛ یعنی امام مهدی علیه السـلام را ــ که دوازدهمین امام از سلسـله امامان شـیعه و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است ــ بشناسیم. قطعا به همان میزان که ما امام زمان علیه السـلام را بشناسـیم به همان میزان هم از تیرگی، تباهی و گمراهیِ عصـر جاهلی دور و به روشنایی، سعادت و رستگاری نزدیک می شویم.

نکته ای که در اینجـا بایـد بـدان توجه داشت این است که به دلیـل گستردگی و ژرفـای شخصـیت امـام مهـدی علیه السـلام و تأثیرات گوناگونی که این امام بر ابعاد مختلف حیات بشـر دارند، در طول تاریخ دیدگاه های مختلفی در زمینه شـناخت ایشان و

۱- ر. ک: همین کتاب، ص ۳۲.

۲- ر. ک: همین کتاب، ص ۲۸ ــ ۲۶.

همچنین شـناخت بـاور مهـدوی و فرهنـگ انتظـار به وجود آمـده که آشـنایی با آن ها برای مروجان و مبلغان فرهنگ مهـدوی ضروری است. مهم ترین دیدگاه هایی که در اینجا می توان به آن ها اشاره کرد عبارتند از:

۱. دیدگاه کلامی(اعتقادی) _ تاریخی؛

۲. دیدگاه فرهنگی _ اجتماعی.

پیش از آن که به بررسـی هر یـک از دیـدگاه ها بپردازیم، لازم است یادآوری کنیم که این دو دیـدگاه، مکمل یکدیگرنـد و بدون شک نمی توان بدون شـناخت درست کلامی _ تاریخی از امام مهدی علیه السلام به شناخت فرهنگی _ اجتماعی از آن حضرت دست یافت.

۱_۲. دیدگاه کلامی _ تاریخی

۱_۲. دیدگاه کلامی _ تاریخی

در این دیدگاه به طور عمده دو بعد از ابعاد شخصیت و زندگانی امام مهدی علیه السلام مورد توجه قرار می گیرد: نخست این که آن حضـرت، حجت خدا، تداوم بخش سلسله حجت های الهی و دوازدهمین امام معصوم از تبار امامان معصوم شیعه علیهم السـلام است که در حال حاضر در غیبت به سر می برند ؛ دوم این که ایشان شخصیتی است تاریخی که در مقطع زمانی معینی از پـدر و مـادر مشخصـی به دنیـا آمـده، حوادث متعـددی را پشت سـر گذاشـته، بـا انسـان های مختلفی درارتباط بوده و منشأ رویدادها و تحولات مختلفی در عصر غیبت صغرا بوده اند.

براین اساس در بیشتر کتاب هایی که با دیدگاه کلامی _ تاریخی به بررسـی شخصـیت و ابعاد وجودی امام مهدی علیه السلام پرداخته اند با سرفصل های مشابهی روبرو می شویم که برخی از مهم ترین آن ها به قرار زیر است:

۱. لزوم وجود حجت الهی در هر عصر؛

۲. اثبات ولادت؛

۳. دلایل امامت؛

۴. ویژگی های شخصی؛

۵. فلسفه غیبت؛

۶. نواب خاص؛

۷. راز طول عمر؛

۸. معجزات؛

۹. توقیعات (پیام ها)؛

۱۰. نشانه های ظهور آن حضرت و... .

قطعا پرداختن به همه کتاب هایی که از قرن ها پیش تاکنون با دیدگاه یادشده به رشته تحریر درآمده اند، در گنجایش این مقاله نیست، پس به ناچار تنها به ذکر عناوین، نویسندگان و سرفصل های برخی از مهم ترین این کتاب ها ــ که در واقع مصادر اصلی باور مهدوی شیعی به شمار می آیند ــ به ترتیب تاریخ بسنده می کنیم.

شایان ذکر است که برخی از این کتاب ها در زمره مجموعه کتاب های حدیثی یا تاریخی شیعه اند که بخشی از آن ها به بررسی ابعاد اعتقادی و تاریخی باور مهدوی اختصاص یافته است:

۱. الکافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب الکلینی (درگذشته به سال ۳۲۸ یا ۳۲۹ ق)، ۸ج، چاپ چهارم: تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.

همانطور که می دانید کتاب الکافی جزء کتاب های چهارگانه (کتب اربعه) روایی شیعه است. این مجموعه ۸ جلدی در مجموع بین ۱۶ تا ۱۸ هزار روایت را در خود جمع کرده و شامل سه بخش کلی اصول (جلد ۱ و ۲)، فروع (جلد ۷-۳) و روضه (جلد ۸) است. «اصول کافی» در بردارنده روایات اعتقادی، «فروع کافی» در بردارنده روایات فقهی و عبادی و «روضه کافی» شامل روایات

اخلاقی و موضوعات متفرق دیگر است.

شایان ذکر است که جلد اول و دوم کتاب الکافی که مباحث اعتقادی را دربردارد، با عنوان اصول کافی در چهارجلد ترجمه شده و در دسترس همه علاقه مندان به معارف شیعی قرار گرفته است.(۱)

بخش عمده ای از جلد اول (متن عربی) این کتاب (صص ۱۶۸ _ ۵۵۴) با عنوان «کتاب الحجّه» به مباحث مختلف مرتبط با موضوع امامت، اعم از مباحث نظری و تاریخی اختصاص یافته است. برخی از موضوعاتی که در ابواب مختلف این کتاب بدانها پرداخته شده به شرح زیر است:

۱_۱. وجود حجت خدا در عالم هستی؛

۲_۱. ویژگی های امامان معصوم علیهم السلام ؛

۳_۱. دلایل امامت هر یک از امامان شیعه از جمله امام مهدی علیه السلام ؛

۴_۱. اسامی کسانی که در دوران غیبت امام مهدی علیه السلام را دیده اند؛

۵_۱. ویژگی های عصر غیبت؛

۶_۱. نهی از تعیین وقت برای ظهور و...

در ادامه همین کتاب با عنوان «ابواب التاریخ» شاهد تاریخ زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام هستیم.

گفتنی است که در جلد هشتم الکافی نیز به صورت متفرق، احادیثی در زمینه برخی ویژگی های آخرالزمان، نشانه های ظهور و... آمده است.(۲)

عزیزانی که علاقه مندند مباحث یادشده را در متن ترجمه شده جست وجو کنند می توانند به جلد اوّل این کتاب (صص ۲۳۶- ۳۹۵) و جلد دوم آن مراجعه

۱- مترجم این کتاب سید جواد مصطفوی و ناشر آن دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام است.

۲- ر.ك: محمدبن یعقوب الکلینی، الکافی، ج۸، صص۳۶، ۲۱۲، ۲۲۱، ۲۴۱، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۵، ۳۰۶، ۳۱۰ و ۳۳۱.

کنند.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ابی جعفرمحمد بن علی بن الحسین، معروف به ابن بابویه و شیخ صدوق (در گذشته به سال ۳۸۱ ق)، ۲ج، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، مترجم منصور پهلوان، چاپ اول: قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰.

چنانکه مرحوم شیخ صدوق در مقدمه این کتاب آورده است، امام مهدی علیه السلام در رؤیایی صادقه دستور تألیف کتاب یادشده را به ایشان داده اند.

کتاب کمال الدین و تمام النعمه که یکی از مصادر منحصر به فرد موضوع مهدویت به شمار می آید، مشتمل بر یک مقدمه و ۵۸ باب است. در مقدمه این کتاب به پاسخ برخی شبهات در مورد امام مهدی علیه السلام پرداخته شده و در ابواب کتاب موضوعات متنوعی مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از موضوعاتی که در این ابواب بررسی شده به شرح زیر است:

۱_۲. احوال کسانی که عمرهای طولانی داشته اند؛

۲_۲. دلایل نیاز مردم به امام؛

۳_۲. روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام معصوم علیهم السلام در مورد غیبت امام دوازدهم وارد شده است؛

۴_۲. میلاد امام مهدی علیه السلام ؛

۵_۲. کسانی که آن حضرت را دیده اند؛

۶_۲. توقیعاتی که از امام مهدی علیه السلام رسیده است و... .

۳. کتاب الغیبه، ابن ابی زینب، محمّد بن ابراهیم بن جعفر، معروف به النعمانی (از علمای قرن چهارم هجری قمری)، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، مترجم محمد جواد غفاری، چاپ دوم: تهران، صدوق، ۱۳۷۶.

کتاب یادشده مشتمل بر یک مقدمه و ۲۶ باب است. نویسنده در مقدمه

نسبتاً طولانی این کتاب، به بیان دلایل و انگیزه تألیف کتاب پرداخته و در ابواب مختلف آن موضوعات گوناگونی را بررسی کرده که مهم ترین آن ها به شرح زیر است:

۱_۳. ضرورت شناخت امام علیه السلام ؛

۲_۳. غیبت امام زمان علیه السلام ؛

۳_۳. ویژگی ها و خصائل حضرت صاحب علیه السلام ؛

۴_۳. علائم پیش از ظهور؛

۵_۳. وضع شیعه هنگام قیام قائم علیه السلام و... .

۴. الإرشاد فی معرفه حجج اللّه علی العباد، محمدبن محمدبن نعمان، معروف به شیخ مفید (درگذشته به سال ۴۱۳ق)، ۲ج، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، علمیه اسلامیه، بی تا.

این کتاب مجموعه کاملی از تاریخ زندگانی و شرح احوال و اوصاف امامان شیعه است که در یک مقدمه و ۴۰ باب سامان یافته است. باب ۳۵ تا ۴۰ این کتاب به امام مهدی علیه السلام اختصاص دارد و در آن موضوعات مختلف مرتبط با آن امام بررسی شده است که از آن جمله می توان به این موضوعات اشاره کرد:

۱_۴. تاریخ ولادت؛

۲_۴. ادله امامت؛

۳_۴. معجزات؛

۴_۴. نشانه های ظهور و... .

شایان ذکر است که شیخ مفید رحمه الله رساله های مستقلی نیز در باب غیبت امام عصر و پاسخ به سؤالات و شبهات مطرح در این زمینه دارند که از آن جمله می توان به الرساله فی الغیبه(۱) (چهار رساله مستقل) و الفصول العشره فی الغیبه(۲)

۱- ر.ک: مصنفات الشیخ المفید، ج ۷.

۲- ر.ک: مصنفات الشیخ المفید، ج ۳.

اشاره کرد.

۵. کتاب الغیبه، ابی جعفر محمدبن الحسن الطوسی، معروف به شیخ طوسی (درگذشته به سال ۴۶۰ ق.)، تحقیق عبادالله الطهرانی و علی احمد ناصح، چاپ دوم: قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷ق.

این کتاب که در مجموعه معارف مهدوی شیعه جایگاه خاص و قابل توجهی دارد، از دیرباز مورد توجه علما و اندیشمندان بوده و بسیاری از کسانی که در سده های اخیر به تألیف کتاب در این زمینه پرداخته اند، از آن بهره برداری کرده اند.

چنانکه شیخ طوسی رحمه الله در مقدمه کتاب آورده است، ایشان این کتاب را برای بررسی مباحث مختلف مرتبط با غیبت حضرت صاحب الزمان علیه السلام دلیل آغاز غیبت و علت استمرار آن و همچنین پاسخ به شبهات و سؤالاتی که در این زمینه ها از سوی مخالفان مطرح می شده، به رشته تحریر درآورده اند.

برخی از مهم ترین موضوعاتی که در این کتاب بدانها پرداخته شده به شرح زیر است:

۱_۵. امامت امام عصر علیه السلام در زمان غیبت و دلایل موجود در این زمینه؛

۲_۵. اثبات تولد آن حضرت؛

۳_۵. برخی از توقیعاتی که از سوی آن حضرت صادر شده؛

۴_۵. معرفی برخی از کسانی که در دوران غیبت صغرا توفیق وکالت و نمایندگی از سوی امام مهدی علیه السلام را داشته اند؛

۵_۵. بیان برخی نشانه های ظهور و... .

کتاب یاد شده توسط «شیخ محمد رازی» ترجمه و با نام تحفه قدسی در

علائم ظهور مهدی موعود علیه السلام در سال ۱۳۵۰ از سوی انتشارات کتابفروشی اسلامیه منتشر شده است.

۶. إعلام الوری بأعلام الهدی(۱)، أبی علی الفضل بن الحسن الطبرسی معروف به امین الاسلام طبرسی (۴۶۸_۵۴۸ ق.)، ۲ج، تحقیق مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث، چاپ اول: قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحیاء الثرات، ۱۴۱۷ق.

این کتاب دربردارنده تاریخ زندگانی، دلایل و معجزات و فضائل و مناقب پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. در بخش پایانی کتاب یادشده مباحث مختلف مرتبط با امام دوازدهم شیعیان در ضمن پنج باب به شرح زیر بررسی شده است:

۱_۶. نام، کنیه، لقب، محل تولد، نام مادر امام دوازدهم و کسانی که آن حضرت را دیده اند؛

۲_۶. روایاتی که در زمینه امامت امام دوازدهم از پدران آن حضرت رسیده است؛

۳_۶. چگونگی استدلال به روایات برای اثبات امامت آن حضرت، دلایل و نشانه هایی که در دوران غیبت صغرا از آن حضرت آشکار شده و دلالت بر امامت ایشان می کنند، برخی از توقیعات (نامه ها و پیام هایی) که از آن حضرت رسیده است، کسانی که آن حضرت را دیده اند و یا وکیل ایشان بوده اند؛

۴_۶. نشانه های سال و روز قیام قائم علیه السلام سیره آن حضرت در زمان ظهور و خصال ظاهری آن حضرت؛

۵_۶. پاسخ به شبهات و پرسش هایی که مخالفان مطرح می کنند.

۷. کشف الغمّه فی معرفه الأئمّه، أبی الحسن علی بن عیسی بن أبی الفتح

۱- ترجمه نام این کتاب این است: «شناساندن پیشوایان نشانه های هدایت به مردمان».

الإربلی (در گذشته به سال ۶۹۳ق.)، ۳ج، چاپ دوم: بیروت، دارالأضوا، ۱۴۰۵ق.

کتاب یادشده که دوره کامل تاریخ زندگی و فضائل و مناقب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی ایشان است از دیرباز مورد توجه اهل تحقیق بوده و به دلیل نیکویی روش، روشنی عبارات، امانت در نقل و استناد به مصادر مورد قبول شیعه و اهل سنت ستایش شده است.(۱)

بخش عمده ای از جلد سوم این کتاب (از ص۲۳۳ تا ۲۶۳) به شرح حال امام دوازدهم اختصاص یافته و در آن این موضوعات بررسی شده است:

۱_۷. تاریخ زندگی؛

۲_۷. دلایل امامت؛

۳_۷. نشانه های ظهور؛

۴_۷. ویژگی های ظاهری؛

۵_۷. معجزات؛

۶_۷. توقیعات و... .

۸. إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، محمد بن الحسن الحُرّالعاملی (در گذشته به سال ۱۱۰۴ق.)، ۷ج، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، مترجم احمد جنتی، چاپ اول: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۶.

این کتاب براساس گفته مؤلف آن دربردارنده بیش از بیست هزار حدیث و دلیل نقلی در زمینه اثبات نبوت خاصه حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و امامت ائمه اطهار علیهم السلام است.

از مهم ترین ویژگی های کتاب یادشده این است که در بررسی زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و هر یک از ائمه اهل بیت علیهم السلام روایاتی که در کتاب های معروف و معتبر

۱- ر.ک: کشف الغمّه فی معرفه الأئمّه، ج ۱، مقدمه به قلم رضا استادی.

شیعه و اهل سنت درباره این بزرگواران وارد شده به تفکیک، نقل و بررسی شده است.

بخش پایانی کتاب إثبات الهداه که دربردارنده قسمتی از جلد ششم (ص ۲۲۹-۲۵۹) و تمامی جلد هفتم این کتاب است، به امام دوازدهم حضرت احب الزمان علیه السلام اختصاص یافته و در آن موضوعات زیر مطرح شده است:

۱_۸. نصوصی که از طریق شیعه و اهل سنت بر امامت صاحب الزمان علیه السلام وارد شده است؛

۲_۸. معجزات صاحب الزمان علیه السلام ؛

۳_۸. صفات امام مهدی علیه السلام و نشانه های خروج آن حضرت؛

۴_۸. رد اندیشه های غلات و... .

۹. بحارالأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، محمد باقر المجلسی معروف به علامه المجلسی (۱۰۲۷_۱۱۱۱ق). ۱۱۰ج، چاپ سوم: بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

کتاب یادشده یکی از بزرگ ترین مجموعه های روایی شیعه به شمار می آید و دربردارنده روایات بسیاری در زمینه های مختلف اعتقادی، اخلاقی، فقهی، تاریخی و... است. سه جلد از این کتاب؛ یعنی جلدهای ۵۱ تا ۵۳ با عنوان «تاریخ الحجه» به بررسی ابعاد مختلف زندگی امام عصر علیه السلام از تولد تا غیبت و از غیبت تا ظهور اختصاص یافته و در آن بخش عمده ای از روایاتی که در هر یک از این زمینه ها از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده، جمع آوری گردیده است.

مجلدات یادشده که دربردارنده مطالب جلد ۱۳ از چاپ های قدیمی بحارالأنوار است به دفعات ترجمه شده و برای همه علاقه مندان قابل استفاده است. معروف ترین این ترجمه ها، ترجمه آقای علی دوانی است که با نام مهدی

موعود علیه السـلام از سوی انتشارات دارالکتب الاسـلامیه منتشـر شده است. اخیرا هم این کتاب با ترجمه حسن بن محمد ولی ارومیه ای از سوی انتشارات مسجد مقدس جمکران منتشر شده است.

برخی از مهم ترین موضوعاتی که در مجلدات سه گانه بحارالانوار بدانها پرداخته شده به شرح زیر است:

۱_۹. ولادت و احوال مادر امام مهدی علیه السلام ؛

۲_۹. اسامی، القاب و کنیه ها؛

۳_۹. نهی از تسمیه آن حضرت؛

۴_۹. صفات، علامات و نسب؛

۵_۹. آیاتی که به قیام قائم تأویل شده اند؛

۶_۹. اخباری که از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین درباره آن حضرت رسیده است (به تفکیک)؛

۷_۹. اخبار کسانی که در طول تاریخ عمرهای طولانی داشته اند؛

۸_۹. معجزات امام مهدی علیه السلام ؛

۹_۹. احوال سفرای آن امام در زمان غیبت صغرا؛

۱۰_۹. احوال کسانی که به دروغ ادعای بابیت و سفارت از سوی آن حضرت کرده اند؛

۱۱_۹. معرفی کسانی که آن حضرت را دیده اند؛

۱۲_۹. علت غیبت و چگونگی بهره مندی مردم از امام عصر علیه السلام در زمان غیبت؛

۱۳_۹. فضیلت انتظار و آنچه شایسته است در زمان غیبت بدان عمل شود؛

۱۴_۹. معرفی کسانی که در زمان غیبت کبرا آن حضرت را دیده اند؛

۱۵_۹. نشانه های ظهور؛

۱۶_۹. ویژگی های روز ظهور و چگونگی و مدت حکومت آن حضرت؛

۱۷_۹. سیره و اخلاق آن حضرت و یارانش؛

۱۸_۹. آنچه به هنگام ظهور اتفاق می افتد؛

۱۹_۹. رجعت؛

۲۰_۹. توقیعات و... .

گفتنی است که در پایان جلد ۵۳ بحارالأنوار، کتاب جنه المأوی اثر مرحوم حاج میرزا حسین نوری که در آن به احوال کسانی که در دوران غیبت کبرا توفیق تشرف خدمت امام عصر علیه السلام داشته اند، آمده است.

در سال های اخیر نیز کتاب های زیادی براساس دیدگاه کلامی _ تاریخی و با بهره گیری از مصادر اولیه مهدویت به رشته تحریر درآمده اند که برخی از آن ها به شرح زیر است:

۱۰. إلزام الناصب فی إثبات الحجّه الغائب علیه السلام شیخ علی یزدی حائری (در گذشته به سال ۱۳۳۳ق.)، ۲ج، چاپ دوم: قم، مکتبه الرضی، ۱۴۰۴ق.

جلد اول این کتاب شامل مباحث زیر است:

۱_۱۰. لزوم وجود حجت الهی در زمین؛

۲_۱۰. معرفت امام علیه السلام ؛

۳_۱۰. بشارت های الهی به ظهور امام مهدی علیه السلام در قرآن و دیگر کتاب های آسمانی؛

۴_۱۰. اخبار پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام به ظهور حجت علیه السلام ؛

۵_۱۰. آیاتی که به امام مهدی علیه السلام تفسیر شده اند؛

۶_۱۰. امکان غیبت و کسانی از انبیا و اولیا که غیبت داشته اند، فلسفه غیبت و... .

در جلد دوم این کتاب نیز این عناوین به چشم می خورد:

۷_۱۰. حکایت کسانی که در زمان غیبت کبرا ادعای رؤیت کرده اند؛

۸_۱۰. اخبار اهل سنت به وجود حجت علیه السلام ؛

۹_۱۰. نشانه های ظهور، حوادث عصر ظهور و رجعت و... .

شایان ذکر است که این کتاب توسط «سیدمحمد جواد مرعشی نجفی» ترجمه و با نام چهره درخشان امام زمان علیه السلام در سه جلد منتشر شده است.

۱۱. امامت و مهدویت، لطف الله الصافی الگلپایگانی، ۲ ج، چاپ اول: قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵.

این کتاب مجموعه ای از مقالات و کتاب هایی است که پیش از این به صورت مستقل چاپ و منتشر شده است. عناوین آثار منتشر شده در این مجموعه به شرح زیر است:

۱_۱۱. انتظار عامل مقاومت؛

۲_۱۱. فروغ ولایت؛

۳_۱۱. وابستگی جهان به امام زمان علیه السلام ؛

۴_۱۱. عقیده نجات بخش؛

۵_۱۱. اصالت مهدویت؛

۶_۱۱. معرفت حجت خدا؛

۷_۱۱. نوید امن و امان؛

۸_۱۱. پاسخ به ده پرسش.

۱۲. امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور (ترجمه الإمام المهدی علیه السلام من المهد إلی الظهور)، سیدمحمد کاظم قزوینی (۱۳۷۳-۱۳۰۸ش)، ترجمه حسین فریدونی، چاپ اول: تهران، آفاق، ۱۳۷۶.

کتاب یادشده که در زمره محدود کتاب های ارزشمند تألیف شده در سال های اخیر است، مشتمل بر ۲۴ فصل است که عناوین آن ها به این شرح

است:

۱۹_۱۲. چگونگی تسلیم شدن قدرت ها؛

۲۰_۱۲. چگونگی حکومت به هنگام ظهور؛

۲۱_۱۲. جامعه در عصر ظهور؛

۲۲_۱۲. شمار سال های زمامداری؛

۲۳_۱۲. پایان زندگی آن حضرت؛

۲۴_۱۲. پس از آن حضرت.

۱۳. روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص)، کامل سلیمان، ۲ ج، ترجمه علی اکبرمهدی پور، چاپ سوم: تهران، آفاق، ۱۳۷۶.

کتاب یادشده از نظر جامعیت مباحث، کثرت تتبع روایات، روانی و شیوایی نگارش و نگاهی جدید به برخی روایات قابل توجه است. عناوین فصول بیست گانه این کتاب به شرح زیر است:

۱_۱۳. مهدی منتظر کیست؟؛

۲_۱۳. سیمای حضرت مهدی علیه السلام ؛

۳_۱۳. میلاد مسعود؛

۴_۱۳. راز غیبت؛

۵_۱۳. استفاده از امام غائب؛

۶_۱۳. راز طول عمر؛

۷_۱۳. غیبت صغرا؛

۸_۱۳. غیبت کبرا؛

۹_۱۳. دوران حیرت؛

۱۰_۱۳. انتظار؛

۱۱_۱۳. یاران امام زمان علیه السلام ؛

۱۲_۱۳. روزگار رهایی؛

۱۳_۱۳. فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام ؛

۱۴_۱۳. دولت حق؛

۱۵_۱۳. نشانه ها؛

۱۶_۱۳. اهل آخرالزمان؛

۱۷_۱۳. نشانه های خارق العاده؛

۱۸_۱۳. آشوب های جهانی؛

۱۹_۱۳. آشوب های بیگانگان؛

۲۰_۱۳. انقلابی ها و شورشی ها.

در پایان چاپ فارسی این کتاب فهرست های ارزشمندی آمده که برای اهل تحقیق بسیار قابل استفاده است.

در پایـان این قسـمت از مقـاله برای آشـنایی عزیزانی که قصـد تحقیق و پژوهش در حوزه مبـاحث مهـدوی دارنـد دو مجموعه حدیثی و دو کتابنامه را نیز معرفی می کنیم:

۱۴. منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام لطف اللّه الصافی الگلپایگانی، ۳ ج، چاپ اول: قم، مکتب المؤلف، ۱۴۲۲ق.

این کتـاب که برای نخسـتین بـار در سـال ۱۳۳۳ (برابر بـا ۱۳۷۳ق.) به چاپ رسـیده دربردارنـده ۱۲۸۷ حـدیث در موضوعات مختلـف مرتبـط بـا امـام مهـدی علیه السـلام است که بـا بهره گیری از ۳۹۰ کتـاب از منـابع معتبر شـیعه و اهـل سـنت _ که در موضوعاتی چون تفسیر، حدیث، عقاید، فقه، رجال، تاریخ، لغت و... نوشته شده اند _ به رشته تحریر درآمده است.

کتاب یادشـده در یازده باب و ۹۴ فصـل تنظیم شـده است و در هر باب، احادیث مرتبط با یک یا چنـد موضوع مشـخص جمع آوری و دسته بندی شده اند. مهم ترین موضوعاتی که در ابواب یازده گانه کتاب بدانها پرداخته شده به شرح زیر است:

۱_۱۴. خلفـای دوازده گانه پیامبر صـلی الله علیه و آله و اینکه تعـداد آن ها به تعـداد نقبای بنی اسـرائیل و حواری عیسـی علیه السلام است؛

۲_۱۴. اسامی امامان دوازده گانه؛

۳_۱۴. ظهور مهدی علیه السلام اسماء، اوصاف، خصائص و شمائل آن حضرت؛

۴_۱۴. ولادت امام مهدی علیه السلام کیفیت و تاریخ آن و... ؛

۵_۱۴. حالات و معجزات امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت صغرا و ذکر کسانی که در این دوران به مقام سفارت رسیدند؛

۶_۱۴. حالات و معجزات امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت کبرا و ذکر کسانی که در این دوران موفق به زیارت آن حضرت شدند؛

۷_۱۴. نشانه های ظهوروآنچه قبل از ظهور اتفاق می افتد؛

۸_۱۴. آنچه پس از ظهور امام مهدی علیه السلام اتفاق می افتد؛

۹_۱۴. حالات اصحاب و یاران آن حضرت؛

۱۰_۱۴. مدت حکومت آن حضرت پس از ظهور و کیفیت زندگی او در میان مردم و...؛

۱۱_۱۴. فضیلت انتظارِ فرج، تکالیف شیعه، فضیلت کسانی که آن حضرت را درك و ایشان را اطاعت کنند، کیفیت تسلیم و صلوات بر ایشان، دعاهای آن حضرت و... .

در پایان معرفی کتاب منتخب الأثر لازم است دو نکته را یادآور شویم:

۱. مؤلف محترم این کتاب، چنان که خود در مقدمه جلد اول تصریح می کند، در صدد جمع آوری همه احادیث که در موضوعات مختلف مرتبط با امام مهدی علیه السلام وارد شده اند نبوده و در هر زمینه تنها به بیان نمونه یا نمونه هایی از احادیث موجود بسنده کرده است.

۲. این کتاب آثار و فوائد بسیاری دارد که از آن جمله می توان به اثبات وجود تواتر(۱) در زمینه بسیاری از موضوعات مرتبط با امام مهدی علیه السلام و اتفاق نظر

۱- «تواتر» [در لغت] یعنی یکی پس از دیگری و همراه با فاصله... و در اصطلاح، حدیث «متواتر» خبر جماعتی است که سلسله روات آن تا به معصوم در هر طبقه به حدی باشد که امکان توافق آن ها بر کذب به طور عادی محال می باشد و موجب علم گردد.» سیدرضا مؤدب، علم الحدیث: پژوهشی در مصطلح الحدیث با علم الدرایه، ص۲۳. همچنین ر.ك: کاظم مدیر شانه چی، علم الحدیث و درایه الحدیث، ج۲، ص۳۳. خبر متواتر به لفظی، معنوی و اجمالی تقسیم شده است. «متواتر لفظی خبری

است که همه ناقلین، مضـمون آن را یکسان و با الفاظ واحد ذکر نمایند و با هم تطابق لفظی دارند... متواتر معنوی خبری است که همه نـاقلین مضـمون واحـدی را بـا عبارات مختلف نقل می نماینـد» سـیدرضا مؤدب، علم الحـدیث: پژوهشـی در مصـطلح الحدیث با علم الدرایه، ص۲۷. «متواتر اجمالی و آن علم اجمالی به صحت یکی از چند حدیثی است که در یک موضوع وارد شده» کاظم مدیر شانه چی، علم الحدیث و درایه الحدیث، ج۲، ص۳۷.

شیعه و اهل سنت در زمینه بسیاری دیگر از این موضوعات اشاره کرد.

۱۵. معجم أحادیث الإمام المهدی علیه السلام مؤسسه المعارف الإسلامیه، تحت اشراف: علی کورانی، ۵ ج، چاپ اول: قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ق.

در این مجموعه پنج جلدی که با استفاده از ۴۰۸ کتاب از منابع تفسیری روایی، تاریخی و... شیعه و اهل سنت تدوین شده، مجموعا ۱۹۴۱ حدیث از احادیث پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام _ که در موضوع امام مهدی علیه السلام و مباحث مختلف مرتبط با آن حضرت وارد شده اند _ جمع آوری و دسته بندی شده است.

ناگفته نماند که در این کتاب در ذیل هر موضوع یک یا چند حدیث که در مصادر اولیه و متقدم ذکر شده اند، در متن آورده شده و در زیرنویس نیز به حدیث یا احادیث مشابهی که در همان موضوع در سایر مصادر یافت می شود، اشاره شده است، از این رو با احتساب احادیث مشابه تعداد روایات این مجموعه بسیار فراتر از رقم یادشده خواهد بود.

از آنجا که در این مجال اندک امکان معرفی همه موضوعات مطرح شده در کتاب مذکور وجود ندارد، تنها به معرفی اجمالی مجلدات پنجگانه این کتاب بسنده می کنیم:

۱_۱۵. جلد اول و دوم، این دو جلد به احادیث نقل شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله _ که غالبا از طریق اهل سنت روایت شده _ اختصاص یافته و در آن ها ۵۶۰

حدیث در ذیل نزدیک به ۱۰۰ عنوان دسته بندی و ارائه شده است.

۲_۱۵. جلد سوم و چهارم، این دو جلد دربردارنده نزدیک به ۸۷۶ حدیث از ائمه معصومین علیهم السلام است. گفتنی است که در این دو جلد احادیث هر یک از امامان به طور جداگانه دسته بندی و عنوان گذاری شده است.

۳_۱۵. جلد پنجم، در این جلد نیز ۵۰۵ حدیث که در تفسیر برخی آیات قرآن وارد شده و در آن ها برخی آیات که به امام مهدی علیه السلام و موضوعات مختلف مرتبط با ایشان تفسیر و تأویل شده اند، دسته بندی و ارائه شده است.

۱۶. در جست وجوی قائم: معرفی ۱۸۵۲ جلد کتاب پیرامون احوالات حضرت بقیه اللّه الأعظم امام زمان علیه السلام سید مجید پورطباطبائی، چاپ اول: قم، مسجد مقدس صاحب الزمان قم (جمکران)، ۱۳۷۰.

۱۷. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام : معرفی بیش از ۲۰۰۰ عنوان کتاب مستقل به زبان های مختلف، ۲ج، علی اکبر مهدی پور، چاپ اول: قم، مؤسسه چاپ الهادی، ۱۳۷۵.

۲_۲. دیدگاه فرهنگی _ اجتماعی

۲_۲. دیدگاه فرهنگی _ اجتماعی

این دیدگاه ضمن پذیرش همه مبانی و اصولی که در دیدگاه کلامی _ تاریخی در زمینه تولد، غیبت و ظهور آخرین حجت الهی، حضرت مهدی علیه السلام پذیرفته شده و براساس براهین و شواهد قطعی و تردیدناپذیر عقلی و نقلی به اثبات رسیده، در پی این است که موضوع مهدویت و انتظار را به عنوان مبنایی برای پی ریزی کلیه مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مسلمانان در عصر غیبت؛ طرحی برای رهایی جوامع اسلامی از تارهای درهم تنیده فرهنگ و مدنیت مغرب زمین و راهکاری برای گذر همه اهل ایمان از فتنه ها و آشوب های آخرالزمان مطرح سازد.

پیش از پرداختن به مهم ترین شاخصه های دیدگاه فرهنگی _ اجتماعی لازم

است به عنوان مقدمه نکاتی را یادآور شویم:

چنانکه در بررسی نقش سازنده انتظار گفته شد، در معارف شیعی، برخلاف دیگر ادیان و مذاهب، منجی موعود تنها به عنوان شخصیتی مربوط به آینده که در آخرالزمان زمین را از هرگونه بی عدالتی و نابرابری پیراسته می سازد، مطرح نیست؛ بلکه او شخصیتی است فرازمانی که سه زمان گذشته، حال و آینده را به هم پیوند می دهد.

امام مهدی علیه السلام از یک سو شخصیتی تاریخی و مربوط به گذشته است؛ چرا که او براساس قرائن و شواهد تاریخی انکارناپذیر در زمان و مکان مشخص و از نسل و تبار شناخته شده به دنیا آمده و حوادث و رویدادهای مختلف تاریخی را رقم زده است. این امام از دیگر سو، شخصیتی است مربوط به زمان حال؛ زیرا او به موجب نصوص فراوان، حجت خداوند بر بندگان در عصر حاضر و امام زمان شیعیان است و مردم در همین زمان حال نیز وظایف و تکالیف مشخصی در برابر او دارند. و بالاخره این امام؛ همچون موعود دیگر ادیان، شخصیتی مربوط به زمان آینده است؛ چرا که بنا بر روایات بی شماری که از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام نقل شده، او جهان را پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده از عدل و داد آکنده می سازد و آینده بشر را رنگ و بویی خدایی می دهد.

براین اساس می توان گفت: همچنان که محدود کردن شخصیت امام مهدی علیه السلام به زمان گذشته و تنها سخن از موضوعاتی مانند تاریخ غیبت صغرا و غیبت کبرا و نواب اربعه گفتن جفایی آشکار به این شخصیت است، محدود کردن آن حضرت به زمان آینده و معرفی کردن ایشان تنها به عنوان منجی موعود و کسی که فقط در آینده نامعلوم منشأ تحولاتی در جوامع انسانی خواهد بود، نیز ستمی بزرگ به حجت خدا و امام حیّ و شاهد و ناظر است. بنابراین تنها زمانی می توان به شناختی جامع از شخصیت امام مهدی علیه السلام و اندیشه مهدویت و انتظار

شیعی دست یافت که جایگاه و نقش این شخصیت و اندیشه را در سه زمان گذشته، حال و آینده بررسی کنیم و ضمن توجه به ریشه های تاریخی اندیشه مهدویت، رسالتی را که در عصر حاضر در برابر آن امام بزرگوار علیه السلام برعهده داریم به فراموشی نسپاریم و در عصر غیبت تمام تلاش خود را برای کسب رضایت آن حضرت و دوری از ناخشنودی ایشان، به کار بندیم.

شاید بتوان گفت معنای «معرفت امام زمان علیه السلام »، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام این همه در روایات بر آن تأکید کرده و دست نیافتن به آن را برابر با مرگ جاهلی دانسته اند، نیز چیزی غیر از این نیست؛ زیرا معرفت امام زمان علیه السلام آنگاه می تواند ما را از مرگ جاهلی برهاند که بتوانیم با شناسایی امام عصرِ خود از هدایت های او بهره مند شویم و اوامر و نواهی او را پاس داریم وگرنه رف این که بدانیم چه کسی در عصر حاضر امام ماست بی آنکه این امام تأثیری در زندگی و فعل و ترک ما داشته باشد، نمی تواند مایه نجات و رستگاری ما باشد.

با این نگاه به انتظار است که دیدگاه فرهنگی _ اجتماعی، شکل گرفته و نگاهی متفاوت را نسبت به آنچه تا کنون در زمینه فرهنگ مهدوی وجود داشته، مطرح کرده است.

در این قسمت از مقاله اگر بخواهیم به شاخص ترین اندیشمندانی که براساس دیدگاه فرهنگی _ اجتماعی به تحلیل و بررسی اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار پرداخته و تلاش کرده اند با طرح این اندیشه راهی برای خروج شیعیان از بن بست های عصر غیبت بیایند، اشاره کنیم، به جرأت می توانیم بگوییم در طول یازده قرنی که از آغاز غیبت کبرای امام عصر علیه السلام می گذرد، هیچ فقیه، متکلم، فیلسوف و مصلح اجتماعی به اندازه امام خمینی رحمه الله به این دیدگاه اهتمام نداشته و در این زمینه تأثیرگذار نبوده است.

امام راحل با طرح اندیشه تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت و تلاش

خستگی ناپـذیر در راه تحقق این اندیشه، به «انتظار» معنا و مفهوم تازه ای بخشـید و تعریفی نو از رسالت و تکلیف شـیعیان در برابر حجت خدا ارائه داد.

برای روشن تر شدن دیدگاه حضرت امام در این زمینه، به برخی از مهم ترین شاخصه های این دیدگاه اشاره می کنیم:

۱. ارائه برداشتی متفاوت از مفهوم حجت: ایشان با ارائه مفهومی عمیق و بدیع از «حجت بودنِ امام معصوم» اعلام می دارند که چون خداونـد در روز قیامت به سـبب وجود امام زمان و پـدران بزرگوارش علیهم السـلام بر بندگان احتجاج و نسـبت به عمل براساس سـیره، رفتار و گفتار این بزرگواران از مردم بازخواست می کنـد، بر آنان لازم است که همه تلاش خود را برای تحقق سیرت امامان معصوم علیهم السلام در جامعه به کار بندند و در این زمینه هیچ عذر و بهانه ای از آن ها پذیرفته نمی شود.

حضـرت امام در کتاب البیع خود به هنگام بررسـی ادله ولایت فقیه، ضـمن برشـمردن توقیع شـریف حضرت صاحب الامر علیه السلام که در آن آمده است:

... و أَمّا الحَوادِثُ الواقِعَهُ فَارجِعُوا فِیها إلی رُواهِ حَدِیثِنا فَإِنَّهُم حُجَّتی عَلَیکُم وَ أنَا حُجَّهُ اللّهِ عَلَیهِم.(۱)

... و اما در رویدادهایی که برای شما پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ چرا که آن ها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان هستم.

می فرماید:

مقصود از حجت خدا بودنِ امام معصوم این نیست که فقط بیان کننده احکام است؛ زیرا گفته بزرگانی چون زراره و محمد بن مسـلم نیز حجت است و هیـچ کس حق مردود دانسـتن و عمـل نکردن به روایـات ایشان را نـدارد و این امر بر همگان آشـکار است. بلکه منظور از حجت بودن امام زمان و پدران بزرگوارش، صلوات اللّه علیهم اجمعین، این

۱- محمدبن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۸۳، ح۴.

است که خداوند تعالی به سبب وجود ایشان و سیره و رفتار و گفتار آنان در تمام شئون زندگی شان، بر بندگان احتجاج می کند. از جمله شئون امامان، عدالت آنان در همه زمینه های حکومت است. به عنوان مثال، وجود امیرالمؤمنین علیه السلام برای تمام فرمانداران و حاکمان ستم پیشه حجت است؛ زیرا خداوند به واسطه سیرت آن بزرگوار، باب عذر و بهانه را بر همه آنان در تعدی از حدود الهی و تجاوز به اموال مسلمانان و سرپیچی از قوانین اسلامی بسته است. همین گونه اند سایر حجت های خداوند، به ویژه حضرت ولی عصر علیه السلام که عدل را در میان مردم می گستراند و زمین را از قسط پر می کند و بر اساس نظامی عادلانه بر مردم حکم می راند.(۱)

براساس همین نگاه به حجت خدا بود که ایشان خطاب به مسئولان جمهوری اسلامی ایران می فرمودند:

ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای اینکه اگر چنانچه موفق شدیم ان شاءاللّه به زیارت ایشان طوری باشد که روسفید باشیم پیش ایشان. تمام دستگاه هایی که الان به کار گرفته شده اند در کشور ما [...] باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی، سلام اللّه علیه.(۲)

۲. دگرگون ساختن مفهوم انتظار: امام خمینی مفهومی را که در طول قرون و اعصار از «انتظار» در اذهان بسیاری از شیعیان نقش بسته بود دگرگون ساخت و با همه دیدگاه هایی که انتظار را برابر با سکون، رکود و تن دادن به وضع موجود معرفی می کردند به مقابله جدی پرداخت:

۱- امام خمینی، کتاب البیع، ج۲، ص۴۷۴-۴۷۵؛ همو، شئون و اختیارات ولی فقیه ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع، ص۴۶.

۲- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج۱۲، ص۲۰۸_۲۰۹.

بعضـی ها انتظار فرج را به این می دانند که در مسجد، در حسینیه و در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان علیه السلام را از خدا بخواند [...] یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می گذرد، بر ملت ها چه می گذرد، بر ملت ما چه می گذرد، به این چیزها کار نداشته باشیم، ما تکلیف های خودمان را عمل می کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاءاللّه درست می کنند [...]یک دسته ای می گفتند که خوب! باید عالم پر معصیت بشود تا حضرت بیاید ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می خواهند بکنند، گناهان زیاد بشود که فرج نزدیک بشود [...]یک دسته ای از این بالاتر بودند و می گفتند باید دامن زد به گناهان، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از ظلم و جور شود و حضرت علیه السلام تشریف بیاورند [...]یک دسته دیگر بودند که می گفتند هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است.(۱)

ایشان ضمن ردّ همه دیدگاه های یادشده دیدگاه خود در باب انتظار فرج را این گونه بیان می کند:

همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاءاللّه تهیه شود.(۲)

همه انتظار داریم وجود مبارک ایشان را، لکن با انتظار تنها نمی شود،

۱- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج۱۹، ص۱۹۶-۱۹۷.
۲- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج۷، ص۲۵۵.

بلکه بـا وضـعی که بسیاری دارنـد، انتظار نیست. ما بایـد ملاحظه وظیفه فعلی شـرعی ـ الهی خودمان را بکنیم و باکی از هیچ امری از امور نداشته باشیم.(۱)

۳. تلاش برای تحقق عدالت در عصـر غیبت: حضرت امام، تلاش برای تحقق عدالت و جلوگیری از ظلم در عصر غیبت را یک تکلیف الهی دانسته و همه مسلمانان را دعوت می کردند که تا سر حد توان خود این تکلیف الهی را به انجام رسانند:

ما اگر دستمان می رسید، قدرت داشتیم باید برویم تمام ظلم ها و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست منتها ما نمی توانیم، این که هست این است که حضـرت عـالم را پر می کننـد از عـدالت، نه شـما دست برداریـد از این تکلیفتان، نه این که شما دیگر تکلیف ندارید.(۲)

البته این پر کردن دنیـا را از عـدالت، این را مـا نمی توانیم بکنیم. اگر می توانستیم می کردیم اما چون نمی توانیم بکنیم ایشان باید بیایند.(۳)

۴. زمینه سـازی برای ظهور منجی موعود: رهبر فقیـد انقلاب اسـلامی معتقـد بود که بایـد با گسترش اسـلام راستین در جهان و مبارزه با سلطه جهانخواران، راه را برای ظهور منجی موعود هموار ساخت:

ما با خواست خدا دست تجاوز و سـتم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکنیم و با صدور انقلابمان، که در حقیقت صدور اسـلام راستین و بیان احکام محمدی است، به سـیطره و سـلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلقه حق امام زمان، ارواحنا فداه، هموار

۱- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج۱۹، ص۱۵۴.

۲- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج۱۹، ص۱۹۸.

۳- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج۲۰، ص۱۹۷.

می کنیم.(۱)

۵. حرکت در جهت تحقق حکومت جهانی اسلام: امام راحل به جدّ بر این باور بود که انقلاب اسلامی ایران، نقطه شروع انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام است و از این رو پیوسته به مسئولان نظام توصیه می کردند که هرگز از آرمان عظیم انقلاب اسلامی که تشکیل حکومت جهانی اسلام است غافل نشوند:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت، ارواحنا فداه، است _ که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد _ مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه ای مسئولین را از وظیفه ای که برعهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمام سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، و این بدان معنا نیست که آن ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.(۲)

در سال های اخیر گروهی از فرزندان انقلاب اسلامی و وفاداران به آرمان های امام خمینی تلاش کردند که با الهام از اندیشه های این پیر فرزانه ابعاد و زوایای دیگری از دیدگاه فرهنگی _ اجتماعی را تبیین کنند. این گروه با درک عمیق از موقعیت کنونی انقلاب اسلامی در جهان، نیازهای فرهنگی جامعه اسلامی ایران و شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حاکم بر جهان معاصر، تبلیغ و ترویج باور مهدوی و فرهنگ انتظار را سر لوحه فعالیت های خود قرار داده و پرداختن به

۱- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج ۲۰، ص۱۹۷.

۲- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج۲۱، ص۱۰۸. برای مطالعه بیشتر زمینه جایگاه انتظار در اندیشه امام خمینی ر.ک: ابراهیم شفیعی سروستانی، شناخت زندگی بخش، ص ۱۵۱ _ ۱۷۱. مقالات «احیای اندیشه انتظار» و «امام خمینی و رسالت جهانی انقلاب اسلامی».

امور زیر را در عصر حاضر ضروری می دانند:

۱. شناسایی و نقد بنیادین وجوه مختلف فرهنگ و تمدن مغرب زمین، به عنوان فرهنگ و مدنیتی که در تقابل جدی با آرمان «حقیقت مدار»، «معنویت گرا» و «عدالت محور» مهدوی قرار دارد؛ زیرا انسان های عصر غیبت تنها زمانی می توانند به ریسمان ولایت مهدوی چنگ زنند و به تمام معنا در سلک منتظران موعود قرار گیرند که باطل زمان خویش را به درستی بشناسند و با تمام وجود از آن بیزاری جویند؛

۲. شناخت و نقد جدی مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جوامع اسلامی؛ مناسباتی که عمدتا به تقلید از الگوهای توسعه غربی و تحت تأثیر اندیشه های عصر مدرنیته در این جوامع شکل گرفته است؛ چرا که این جوامع بدون شناخت جدی از وضع موجود خود نمی توانند به راهکارهای مبتنی بر آموزه های دینی برای خروج از فتنه های فراگیر عصر غیبت دست یابند؛

۳. تلاش در جهت تدوین استراتژی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی جوامع اسلامی در عصر غیبت و تا رسیدن به عصر طلایی ظهور، براساس اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار؛

۴. بازشناسی وجوه مختلف اعتقادی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار با بهره گیری از منابع متقن و مستدل و استفاده از همه توان مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی در زمینه مباحث، کلامی، فلسفی، عرفانی، اخلاقی، علوم اجتماعی و سیاسی و...؛

۵. تلاش در جهت پالایش اندیشه ناب مهدوی از هرگونه شائبه جعل و تحریف و زدودن این اندیشه از زنگارهای جهل و خرافه، سخنان سست و بی اساس و هرگونه دیدگاه انحرافیِ مبتنی بر افراط یا تفریط؛

۶. پاسخگویی عالمانه و متناسب با نیازهای روز به شبهات، پرسشها و

ابهام های موجود در زمینه منجی گرایی شیعی؛

۷. احیا و گسترش فرهنگ انتظار و تلاش برای شناساندن نقش سازنده این فرهنگ در پایداری و پویایی جوامع اسلامی؛

۸. تبیین وظایف و تکالیف مردم در برابر حجت خدا و امام عصر علیه السلام نهادینه ساختن این وظایف و تکالیف در فرد و اجتماع و آماده ساختن جامعه اسلامی برای استقبال از واقعه مبارک ظهور؛

۹. مقابله جدی با کلیه جریان های سیاسی ـ فرهنگی که در قالب کتاب، نشریه، فیلم، نرم افزارهای رایانه ای، پایگاه های اطلاع رسانی جهانی (اینترنت) و... به تقابل با اندیشه موعودگرایی شیعی می پردازند؛

۱۰. بررسی و نقد کلیه دیدگاه هایی که از سوی متفکران مغرب زمین در زمینه جهان آینده و آینده جهان مطرح شده است.

برخی از مهم ترین آثاری که می توان با استفاده از آن ها به شناختی نسبتا جامع از دیدگاه فرهنگی ـ اجتماعی رسید، به شرح زیر است:

۱. خورشید مغرب (غیبت، انتظار، تکلیف)، محمدرضا حکیمی، چاپ اول: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.

کتاب یادشده در زمره محدود آثار ارزشمندی است که در سال های اخیر در زمینه فرهنگ مهدوی نوشته شده است. نویسنده گرانمایه این کتاب در مقدمه خود بر این نکته تأکید می کند که «آرمان والا، در کار ابلاغ حقایق مذهبی، گسترش تربیت صحیح و برپایی قسط و عدالت بوده است، در همه شئون جامعه، به ویژه در امور اقتصادی و معیشتی برای همگان، که صورت نهایی آن در حکومت مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت» و بر همین اساس در فصول مختلف کتاب به ویژه از فصل یازدهم به بعد تلاش می کند که از جامعه ایده آل مهدوی پلی به جامعه امروز مسلمانان بزنند و راهی برای تحقق آن آرمان متعالی در

ص:۸۶

دوران غیبت بیابد؛ چرا که به گفته او: «خلقی که در انتظار ظهور مصلح به سر می برد، باید خود صالح باشد».

عناوین فصول این کتاب به شرح زیر است:

۱_۱. میلاد؛

۲_۱. شمایل و سیرت؛

۳_۱. غیبت؛

۴_۱. در کتاب های پیشینیان؛

۵_۱. در کتاب های مسلمین (اهل سنت)؛

۶_۱. در کتاب های مسلمین (شیعه)؛

۷_۱. در قرآن کریم؛

۸_۱. در سوره قدر؛

۹_۱. در علوم عقلی؛

۱۰_۱. در علوم تجربی؛

۱۱_۱. در فلسفه تربیتی و سیاسی؛

۱۲_۱. غیبت مقاومت نه غیبت تسلیم؛

۱۳_۱. انتظار؛

۱۴_۱. در طلب خورشید.

۲. درآمدی بر استراتژی انتظار؛ اسماعیل شفیعی سروستانی، ۲ج در یک مجلد، چاپ اول: تهران، موعود عصر، ۱۳۸۱.

چنانکه در مقدمه جلد اول این کتاب آمده است «در جلد اول این اثر نگارنده از دریچه «باور مهدوی» سعی در عرضه تحلیلی کلی از اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران اسلامی (طی دو دهه اخیر) دارد تا پس از آن از لابلای این اندیشه (و با توجه به شرایط ویژه تاریخی عصر حاضر) زمینه های گفت و گو از

«استراتژی انتظار» را فراهم آورد» و در جلد دوم این کتاب نیز نویسنده تلاش کرده است ضرورت تدوین استراتژی و ملزومات آن را تبیین و ثابت نماید که «گفت و گو از امام عصر علیه السلام و طرح استراتژی انتظار تنها طریق گذر از شرایط فعلی برای رسیدن به شهر امن منتظران و ورود به خیل طالبان و داعیان حضرت احب الزمان، ارواحنا له الفداء، است».

عناوین فصول جلد اول و دوم کتاب یاد شده به شرح زیر است:

۱_۲. چهار حرکت (چهار مرحله حیات انقلاب اسلامی ایران)؛

۲_۲. هفت غفلت (مهم ترین اموری که در سال های اخیر از آن ها غفلت شده است)؛

۳_۲. استراتژی انتظار؛

۴_۲. استراتژی و ملزومات آن؛

۵_۲. چرا باید از موعود و استراتژی انتظار گفت؟؛

۶_۲. حجت موّجه؛

۷_۲. عهد.

۳. شناخت زندگی بخش (گفتارهایی در شناخت آخرین حجت حق)، ابراهیم شفیعی سروستانی، چاپ اول: تهران، موعودعصر، ۱۳۷۸.

کتاب یادشده دربردارنده دوازده مقاله است که نویسنده در طول سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ در مجله موعود منتشر ساخته است. این کتاب، فرهنگ مهدوی را هم از دیدگاه اعتقادی _ تاریخی و هم از دیدگاه فرهنگی _ اجتماعی مورد بررسی قرار داده و خواننده خود را به اجمال با مبانی هر یک از این دو دیدگاه آشنا می سازد.

عناوین مقالات منتشر شده در این کتاب به شرح زیر است:

۱_۳. با مرزداران حریم تفکر شیعی؛

۲_۳. دعای شب و آه سحر؛

۳_۳. از تولد تا غیبت؛

۴_۳. چشمه سار جاری امامت؛

۵_۳. غیبت، مفهوم و علل آن؛

۶_۳. چشم به راه حجت، در آرزوی منجی؛

۷_۳. جامعه منتظر، جامعه پویا؛

۸_۳. جامعه موعود، الگوی جامعه مطلوب؛

۹_۳. نشانه های ظهور؛

۱۰_۳. یاران قائم؛

۱۱_۳. احیای اندیشه انتظار؛

۱۲_۳. امام خمینی و رسالت جهانی انقلاب اسلامی.

۴. ماهنامه فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی موعود.

این مجله که از سال ۱۳۷۶ تا کنون به طور مستمر منتشر شده است، در شماره های مختلف خود تلاش نموده است که ضمن پرداختن به مبانی اعتقادی فرهنگ مهدوی و بررسی تاریخی این موضوع، فرهنگ مهدوی را به عنوان یک موضوع جاری و ساری در متن اجتماع که نسبت به همه تحولات و رویدادهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی که در سطح ملی و بین المللی به وقوع می پیوندد بی تفاوت نبوده و نسبت به همه آن ها دارای موضع و دیدگاه مشخص است، مطرح سازد و این فرهنگ را به عنوان راهی برای خروج از بن بست های مختلف که جامعه ما در عرصه های مختلف با آن ها روبروست معرفی کند.

۳ رعایت اخلاص در عمل و پیراسته داشتن نیت

۳ رعایت اخلاص در عمل و پیراسته داشتن نیت

کلیه فعالیت هایی که با هدف احیا، گسترش و تعمیق اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار در جامعه صورت می گیرد از مصادیق

بارز «انتظار فرج» و در نتیجه از

جمله عبادات، بلکه از شایسته ترین آن ها، به شمار می آید. چنانکه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

أفضَلُ العِبادَهِ إنتِظارُ الفَرَجِ.(۱)

برترین عبادت ها انتظار فرج است.

از این رو در این گونه فعالیت ها چون هر عبادتی دیگر، نیت و اخلاص شرط اساسی بوده و بدون نیت خالصانه این فعالیت ها هیچ ثمری برای انجام دهندگان آن ها نخواهد داشت.

اما انجام فعالیت تبلیغی و ترویجی خالصانه برای امام عصر علیه السلام مستلزم درک چند مطلب اساسی است که در اینجا برخی از آن ها را یادآور می شویم:

۱_۳. مدیون بودن همه ما نسبت به امام عصر علیه السلام : استمرار هستی و بقای همه ما بسته به وجود آخرین حجت الهی است؛ چرا که به فرموده امام باقر علیه السلام :

لَوْ بَقِيتِ الأَرْضُ يَوما بِلا إمامٍ مِنّا لَساخَتْ بِأهلِها.(۲)

اگر زمین یک روز بدون امامی از ما بماند اهلش را در خود فرو می برد.

و همه نعمت ها و خیرات و برکاتی که در عالم هستی نصیب ما می شود، به واسطه امام عصر علیه السلام و به طفیل هستی ایشان است. چنان که در «دعای عدیله» می خوانیم:

بِبَقائِهِ بَقِيَتِ الدُّنيا وَ بِيُمنِهِ رُزِقَ الوَرى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَتَتِ الأَرْضُ و السَّماءُ.(۳)

به بقای او دنیا باقی است و به برکت وجود او مردم روزی داده می شوند و به واسطه وجود اوست که زمین و آسمان پابرجاست.

۱- محمدبن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۷۷، ح۱.

۲- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۲۳، ص۳۷، ح۶۴.

۳- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

از این رو می توان گفت که همه ما در زندگی خود مدیون و وامدار امام عصر علیه السلام هستیم و ایشان نسبت به همه ما حق حیات دارند و به همین دلیل اگر موفق شویم که قدمی در راه ترویج و تبلیغ نام و یاد آن حضرت برداریم جز ادای بخش بسیار ناچیزی از دین خود نسبت به ایشان کاری انجام نداده ایم.

۲_۳. خدمت به امام عصر علیه السـلام افتخار همه اولیاء و بزرگان: امام مهدی علیه السلام چنان جایگاه رفیعی در عالم هستی دارند که حتی ائمه معصومین علیهم السلام خدمت به ایشان را افتخار خود دانسته و آرزو می کردند که خداوند توفیق خدمت به آن حضـرت را نصـیبشان فرمایـد. چنان که وقتی از امام صادق علیه السـلام می پرسـند که: «آیا قائم به دنیا آمده است؟» می فرماید:

لا، وَلَو أدرَكْتُهُ لَخَدِمتُهُ أَیّامَ حَیاتی.(۱)

خیر، اما اگر او را درک کنم همه روزهای زندگی ام خدمتگزارش خواهم بود.

با توجه به این موضوع کسی که توفیق خدمت به آرمان ها و اهداف فرهنگ مهدوی را به دست می آورد، نه تنها منتی بر امام عصر علیه السلام ندارد، بلکه باید خدا را به خاطر توفیقی که نصیب او کرده شکر کند.

۳_۳. جاری شـدن برکت در زنـدگی خدمتگزاران به امام عصـر علیه السـلام : بدون تردید هرگونه فعالیتی که با هدف ترویج معـارف اهـل بیت علیهم السـلام گسترش فرهنـگ امـامت و ولاـیت در جـامعه و تعمیق عشق و ارادت مردم به خانـدان رسالت صورت گیرد مورد رضایت حضرت حق بوده و موجب نزول خیرات و برکات در زندگی انسان می شود.

با نگاهی اجمالی به زندگی کسانی که عمر خود را وقف خدمت به اهل بیت علیهم السلام

۱- محمـدبن ابراهیم النعمانی، کتاب الغیبه، ص۲۴۵؛ محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۵۱، ص۱۴۸، ح۲۲. شایان ذکر است که در برخی از کتاب ها این روایت به امام حسین علیه السلام استناد داده شده که ظاهرا صحیح نباشد.

نموده و در این راه از استعدادها، توانایی ها و امکانات مادی و معنوی خود حداکثر استفاده را کرده اند، نشان می دهد که این گونه افراد در زندگی خود از توفیق ها و برکت های الهی بیشتری برخوردار شده و در فعالیت های فردی و اجتماعی خود شاهد رشد و توسعه بیشتری بوده اند. رمز این مسئله نیز روشن است؛ چرا که به اعتقاد ما هرکس در راه امیر مؤمنان علی علیه السلام و خاندان او قدم بردارد و آن ها را در حد توان خود، یاری نماید، مشمول این دعای پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به یاری دهندگان اهل بیت عصمت و طهارت خواهد شد که:

أللّهُمَّ أنصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ أخذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.(۱)

خدایا یاری کن هر کس که او (علی علیه السلام) را یاری کند و خوار کن هر کس که او را خوار کند.

أللّهُمَّ أنصُرهُ وَ انتَصِر بِهِ لِدینِکَ وَ انصُر بِهِ أولیائَکَ وَ أَولِیائَهُ وَ شِیعَتَهُ وَ اجعَلنا مِنهُم.. وَ انصُر ناصِرِیهِ و اخذُل خاذِلِیهِ.(۲)

خدایا او را (مهدی علیه السلام) یاری کن به وسیله او دینت را، دوستانت را، دوستان او را و شیعیان و یاران او را یاری کن و ما را از ایشان قرار بده... و هرکس که او را یاری می کند یاری ده و هر کس که او را خوار می کند خوار کن.

توجه به نکات یادشده، مبلغ و مروج فرهنگ مهدوی را از هرگونه انگیزه و غرضی جز کسب رضایت حضرت ولی عصر علیه السلام و ادای وظیفه به ساحت مقدس آن حضرت فارغ می سازد و به او یاری می دهد که با نیت خالصانه، به دور از هرگونه انگیزه مادی و بدون توجه به مدح و ذم این و آن به فعالیت در این حوزه بپردازد.

۱- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۳۷، ص۱۲۶، ح۲۴.
۲- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

۴ توجه به جایگاه و شأن رفیع امام عصر علیه السلام

۴ توجه به جایگاه و شأن رفیع امام عصر علیه السلام

امام مهدی علیه السلام عصاره خلقت، خاتم اوصیا و وارث همه انبیا و اولیای پیشین است. چنان که در یکی از زیارات حضرت صاحب الامر علیه السلام خطاب به ایشان عرض می کنیم:

أَلسَّلامُ عَلی وارِثِ الأَنبِیاءِ وَ خاتَمِ الأَوصِیاءِ... المُنتَهی إِلَیهِ مَواریثُ الأَنبِیاءِ وَلَدَیْهِ مَوجُودٌ آثارُ الأَصْفِیاءِ.(۱)

سلام بر وارث پیامبران و خاتم اوصیا... آن که میراث تمام پیامبران بدو رسیده و آثار همه برگزیدگان در نزد او موجود است.

آن حضرت چنان مقامی در نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام دارند که خطاب به ایشان از تعبیر «پدر و مادرم به فدای او» استفاده کرده اند. از جمله در روایات زیر که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام نقل شده، آمده است:

بِأَبی وَ أُمّی سَمِیّی وَ شَبیهی وَ شَبیهُ مُوسَی بنِ عِمرانِ، عَلَیهِ جُیُوبُ (جَلابیبُ) النُّورِ یَتَوَقَّدُ مِن شُعاعِ القُدسِ.(۲)

پدر و مادرم به فدای او که همنام من، شبیه من و شبیه موسی پسر عمران است، بر او جامه هایی از نور است که از پرتو قدس روشنایی می گیرد.

بِأَبی اِبنَ خِیَرهِ الإِماءِ... .(۳)

پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزان... .

امام راحل نیز در بیان جایگاه و شأن بی مانند امام مهدی علیه السلام در عالم هستی می فرماید:

۱- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر به نقل از سیدبن طاووس.

۲- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۳۶، ص۳۳۷، ح ۲۰۰.

۳- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۵۱، ص۱۲۱.

من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان بگـذارم، بزرگ تر از این است. نمی توانم بگویم که شـخص اول است، برای اینکه دومی در کار نیست. ایشان را نمی توانیم با هیـچ تعبیری تعبیر کنیم، الّا همین که مهـدی موعود علیه السـلام است. آنی است که خدا ذخیره کرده است برای بشر.(۱)

بـا توجه به همین مقـام و مرتبت رفیع امـام عصـر علیه السـلام است که در روایات سـفارش شـده برای عرض سـلام و ارادت به پیشـگاه آن حضـرت از کلمات و عبارت های خاصـی اسـتفاده کنیم. از جمله در روایتی که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده، می خوانیم:

مَن أدْرَکَ مِنکُم قائِمَنا فَلیَقُلْ حینَ یَراهُ «اَلسَّلامُ عَلَیکُم یا أهْلَ بَیْتِ النُّبُوَهِ وَ مَعْدِنَ العِلْمِ وَ مَوضِعَ الرِّسالَهِ».(۲)

هر کس از شـما که قائم ما علیه السلام را دریابد، پس باید به هنگام دیدار با او بگوید: «سلام بر شما ای خاندان نبوت و معدن علم و جایگاه رسالت».

در روایت دیگری کیفیت سلام دادن مردم به آن حضرت در زمان ظهور چنین بیان شده است.

لا یُسَلِّمُ عَلَیهِ مُسَلِّمٌ إلاّ قالَ: «اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا بَقیَّهَ اللّهِ فی أَرْضِهِ».(۳)

هیچ سلام دهنده ای بر آن حضرت سلام نمی دهد، مگر این که می گوید: «سلام بر تو ای باقی مانده خدا در زمین».

مطـالعه سـیره و اقوال علما و بزرگان نیز نشان می دهـد که آن ها نهایت ادب و احترام را نسـبت به حضـرت صاحب الامر علیه السلام رعایت و از هر سخن و عملی که در

۱- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج۱۲، ص۲۰۸.

۲- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۱، ح۵.

۳- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۲۴، ص۲۱۲.

آن اندک شائبه بی توجهی به جایگاه و شأن آن حضرت وجود داشت، پرهیز می کردند. در این باره حکایت زیر که از مرجع عالی قدر حضرت آیه اللّه العظمی الصافی الگلپایگانی در زمینه ادب و احترام حضرت آیه اللّه العظمی بروجردی نسبت به امام عصر علیه السلام نقل شده، بسیار خواندنی است:

یک روز در منزلشان مجلسی بود، در آن مجلس شخصی با صدای بلند گفت: برای سلامتی امام زمان و آیه اللّه بروجردی، صلوات! در همان حال، ایشان که در حیاط قدم می زد، با شتاب و ناراحتی به طرف در بیرونی آمد و با عصا محکم به در زد، به طوری که آقایانی که در بیرون بودند، ترسیدند که نکند اتفاقی افتاده باشد. چندین نفر به طرف در اندرونی رفتند که ببینند چه خبر است. آیت اللّه بروجردی گفتند: «این که بود که اسم مرا در کنار نام مبارک امام زمان علیه السلام آورد؟ این مرد را بیرون کنید و به خانه راهش ندهید».(۱)

براساس آنچه گفته شد، بر همه مبلغان فرهنگ مهدوی، اعم از نویسندگان، سخنرانان، شاعران، مدیحه سرایان و... لازم است که در نوشته ها، گفته ها، سرودها و به تعبیر عام تر در کلیه فعالیت های تبلیغی و ترویجی خود، نکات زیر را مورد توجه جدی قرار دهند.

۱_۴. خودداری از به کار بردن کلمات و تعابیری که شایسته جایگاه و شأن رفیع امام عصر علیه السلام نیست؛

۲_۴. رعایت نهایت ادب و احترام به هنگام بر زبان راندن نام آن حضرت و یاد کردن از ایشان؛

۳_۴. ذکر سلام و صلوات پس از نام بردن از آن حضرت و برخاستن به هنگام بیان نام خاص ایشان؛

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ویژه بزرگداشت آیه اللّه بروجردی و شیخ شلتوت.

۴_۴. رعایت ساحت قدسی آن امام و پرهیز از تعمیم اوصاف و ویژگی های خاص ایشان به دیگران.

۵ دشمن شناسی و دوست شناسی

اشاره

۵ دشمن شناسی و دوست شناسی

در فرهنگ اسلامی، جهان عرصه تقابل و هماوری دو «ولایت» است؛ ولایت خدا و دوستان او از یک سو و ولایت شیطان (طاغوت) و پیروان او از سوی دیگر.

در این فرهنگ انسان ها یا در خط ولایت خدا و دوستان خدا هستند که خدا آن ها را از تاریکی های نادانی و گمراهی خارج و به روشنای دانایی و رستگاری داخل می کند و یا در خط ولایت شیطان و دوستان شیطان که اولیائشان آن ها را از روشنایی هدایت به تاریکی های ضلالت سوق می دهند:

اللّهُ وَلِیُّ الَّذِینَ امَنُوا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إلَی النُّورِ وَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَولِیائُهُم الطّاغُوتُ یُخْرِجُونَهُم مِنَ النُّورِ إلَی الظُّلُماتِ أُولئِکَ أَصْحابُ النّارِ هُمْ فِیها خالِدُونَ.(۱)

خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده اند. آنان را از تاریکی ها به سوی روشنایی به در می برد. و[لی]کسانی که کفر ورزیده اند، سرورانشان طاغوتند، که آنان را از روشنایی به سوی تاریکی ها به درمی برند، آنان اهل آتشند که خود، در آن جاودانند.

با توجه به این نگرش بوده است که در آموزه های اسلامی به نقش «ولایت» در زندگی انسان ها توجه ویژه ای شده و همه اهل ایمان موظف شده اند که از یک سو سر در گرو ولایت حق و پیروان آن داشته باشند و از سوی دیگر از ولایت شیطان و پیروان او بیزاری جویند.

و این همان حقیقت «تولّی»(۲) و «تبرّی»(۳) است که در مکتب تشیع این همه بر

۱- سوره بقره۲ آیه ۲۵۷؛ همچنین ر.ک: سوره جاثیه (۴۵)، آیه۱۹.
۲- «تولّی» بر وزن ترقّی مصدر باب تفعّل از ماده «ولی» و در لغت به معنای پذیرش ولایت و کسی را ولیّ خود قرار دادن است. «ولیّ» در زبان عرب به معنای دوست، یاور و سرپرست آمده است. چنانکه مصدر آن «ولایت» نیز به معنای دوستی، یاوری و سرپرستی استعمال شده است. بنابراین تولّی هم می تواند به معنای پذیرش دوستی و کسی را دوست خود قرار دادن باشد و هم می تواند به معنای پذیرش سرپرستی و کسی را سرپرست خود قرار دادن. اما با توجه به موارد استعمال این کلمه در آیات و روایات می توان گفت که دوستی و سرپرستی لازم و ملزوم یکدیگرند و پذیرش دوستی مقدمه پذیرش سرپرستی

است؛ چرا که دل سپردن مقدمه سرسپردن است و انسان تا به کسی دل نبندد نمی تواند سرسپرده او شود و چنانکه باید و شاید تسلیم او گردد. ر.ک: ابی الفصل جمال الدین محمد بن مکرم (ابن منظور، لسان العرب، ج۱۵، ص۴۰۷، ماده «ولی»؛ احمد بن محمد بن علی المقری الفیّومی،المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر، ص۶۷۳-۶۷۲؛ علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ج۵، ص۶۲۷۲، ماده تولی).

۳- «تبرّی» نیز بر همان وزن و از همان مصدر از ماده «برء» و به معنای بیزاری جستن، بیزار شدن و دوری گزیدن آمده است. ر.ک: احمد بن حمد بن علی المقری الفیومی، همان، ص۴۶-۴۷، ماده بری. علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ج۴، ص۵۷۵، ماده تبری. در مورد معنای اصطلاحی این دو کلمه نیز گفته اند: تولّی و تبرّی؛ یعنی انسان از لحاظ عاطفی، قلب خود را از محبت و علاقه خدا، پیامبران و ائمه معصومین و جانشینان به حق آنان (فقیهان) و مؤمنان پر کند و در عین حال، بغض و کینه دشمنان آن ها را به دل بگیرد و از نظر سیاسی و اجتماعی، سرپرستی، رهبری، دوستی و حکومت الهی را بپذیرد و از حکومت دشمنان اسلام دوری جوید. (ابوالفضل شکوری، فقه سیاسی اسلام، ص۴۲۹-۴۴۶).

آن تأکید شده است.

۱_۵. تولّی و تبرّی در آموزه های اسلامی

اگر چه «تولّی» و «تبرّی» در اصطلاح از فروع دین برشمرده شده اند، اما از مجموعه معارف اسلامی، به ویژه آموزه های مکتب اهل بیت علیهم السلام چنین برمی آید که این دو موضوع نه فرع دین بلکه همه دین و تمامیت ایمان اند و به بیان دیگر دین و ایمان چیزی جز دوستی ورزیدن و بیزاری جستن به خاطر خدا نیست.

«فضیل بن یسار» یکی از یاران امام صادق علیه السلام نقل می کند:

سَألتُ أبا عَبدِ اللّهِ علیه السلام مِنَ الحُبِّ وَ البُغْضِ أمِنَ الإیمانِ هُوَ؟ فَقالَ: وَ هَلِ الإیمانُ إلاَّ الحُبُّ وَ البُغضُ.(۱)

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا دوستی و دشمنی از ایمان است؟ فرمود: آیا ایمان جز دوستی و دشمنی است؟

همچنین از آن حضرت نقل شده است که:

۱- محمد بن یعقوب الکلینی، الکافی، ج۲، ص۱۲۵، ح۵.

قالَ رَسوُل اللّهِ صلی الله علیه و آله لِأَصحابِهِ: أَیُّ عُرَیِّ الإیمانِ أَوْثَقُ؟ فَقالُوا: اَللّهُ وَ رَسُولُه أَعْلَمُ وَ قالَ بَعْضُهُم: الصَّلاهُ وَ قالَ بَعْضُهُم: الزَّکاهُ وَ قالَ بَعْضُهُم: الصِّیامُ و قالَ بَعْضُهُم: اَلحَجُّ وَ العُمْرَهُ و قالَ بَعْضُهُم: الجِهادُ. فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله لِکُلٍّ ما قُلْتُمْ فَضْلٌ وَ لَیْسَ بِهِ وَ لکِنْ أَوْثَقَ عُرَیِّ الإیمانِ الحُبُّ فِی اللّهِ وَ الْبُغضُ فِی اللّهِ وَ تَوالِی (تَوَلّی) أَولِیاءَ اللّهِ وَ التَّبَرّیَّ مِنْ أَعداءِ اللّهِ.(۱)

رسول خدا، که درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد، به یارانش فرمود: استوارترین دستاویزهای ایمان کدام است؟ گفتند: خدا و رسولش بهتر می دانند. بعضی گفتند: نماز، بعضی گفتند: زکات؛ بعضی گفتند: روزه؛ بعضی گفتند: حج و عمره و بعضی گفتند: جهاد. پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای همه آنچه گفتید فضیلتی است، اما استوارترین دستاویزهای ایمان نیست، بلکه استوارترین دستاویز ایمان، دوستی در راه خدا، پیروی کردن از اولیای خدا و بیزاری جستن از دشمنان خداست.

این همه نیست مگر به دلیل آنکه دوستی ها و دشمنی های آدمی مبدأ همه کنش ها و واکنش ها و تأثیر و تأثرهای او و تعیین کننده منش و روش او در زندگی فردی و اجتماعی است و نجات و رستگاری یا سقوط و گمراهی هر انسانی بستگی تام و تمامی به این موضوع دارد که او در زندگی خود دل به چه کسی یا چه چیزی بسته و سر به ولایت که سپرده است.

بنابراین می توان گفت از آنجا که عصر حاضر، عصر امامت و ولایت امام مهدی علیه السلام است و ایشان حجت الهی در زمان هستند ما از یک سو وظیفه داریم که به ریسمان ولایت مهدوی چنگ زنیم و همه مناسبات فردی و اجتماعی خود را براساس خواست و رضایت او سامان دهیم و از سوی دیگر مکلفیم که از تمسک به ولایت دشمنان آن حضرت خودداری کنیم و از هر آنچه که در تقابل با این ولایت است بیزاری جوییم.

۱- محمد بن یعقوب الکلینی، الکافی، ج۲، ص۱۲۵-۱۲۶، ح۶.

بدون تردید امروز فرهنگ و تمدن برخاسته از «اومانیسم»، «سکولاریسم» و «لیبرالیسم» غربی ــ که با خوی استکباری و برتری طلبی خود در پی حاکمیت بخشیدن ولایت خود بر سراسر جهان است ــ در تقابل جدی با فرهنگ ولایت محور شیعی و آرمان «حقیقت مدار»، «معنویت گرا» و «عدالت محور» مهدوی قرار دارد و از این رو بر همه متمسکان به ولایت مهدوی لازم است که از این فرهنگ و تمدن بیزاری جویند و با سلطه طلبی آن مقابله کنند. سلطه طلبی ای که هر روز با شکل و چهره ای جدید رخ می نماید و تمامیت ایمان، استقلال و آزادگی ما را مورد حمله قرار می دهد. روزی در چهره استعمار و با بهانه متمدن ساختن ملل عقب مانده مشرق زمین و روزی در لباس آزادسازی کشورهای تحت ستم و صدور دمکراسی به این کشورها.

۲_۵. ضرورت دوست شناسی و دشمن شناسی

البته در اینجا باید به این نکته توجه داشت که شناخت دوستان و دشمنان اهل ایمان مقدمه دل بستن و درآویختن به یکی و بیزاری جستن و دوری گزیدن از دیگری است(۱) و از این رو برای همه کسانی که طالب هدایت و رستگاری اند، به ویژه برای کسانی که سر در گرو ولایت آخرین امام از سلسله اولیای خدا، حضرت مهدی علیه السلام دارند، دوست شناسی و دشمن شناسی ضروری است؛ چرا که اینان تا ولایت مهدوی را ــ که استمرار ولایت الهی، ولایت محمدی و ولایت علوی است ــ چنانکه باید نشناسند و از کسانی که در تقابل با جریان ولایت مهدوی هستند شناخت جدی نداشته باشند نمی توانند آنچنان که شایسته است به ریسمان ولایت مهدوی درآویزند و از دشمنان این ولایت بیزاری جویند.(۲)

۱- در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده آمده است «... والحبّ فرع المعرفه»؛ دوستی فرع حاصل معرفت است. محمد باقر المجلسی، بحارالانوار، ج۶۷، ص۲۲، ج۲۲.

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: ابراهیم شفیعی سروستانی، «اصلی ترین فروع»، مجله موعود، سال هشتم، شماره ۴۶، مرداد و شهریور۱۳۸۲.

بـا توجه به آنچه گفته شـد بر همه مبلغـان و مروجـان فرهنـگ مهـدوی به ویژه لازم است که همه تلاش خود را برای شـناخت توطئه هـا و نقشه هـایی که در عصـر حاضـر از سوی نظریه پردازان، استراتژیست هـا و سیاسـتمداران غربی برای مقابله با اصول گرایی اسـلامی و تحت سـلطه درآوردن کشورهـای اسـلامی مطرح می شود، به کار بندنـد و با جریان های خطرناک و سـلطه طلبی چون «مسـیحیت صـهیونیستی» که امروزه بـا حـاکمیت در کـاخ سـفید در پی نـابودی همه کشورهای اسـلامی گسترش و توسعه نفوذ اسراییل در اراضی مقدس مسلمانان است، بیش از پیش آشنا شوند.(۱)

۶ توجه به دیدگاه ها و نظرات مراجع عظام تقلید

۶ توجه به دیدگاه ها و نظرات مراجع عظام تقلید

در طول تاریخ پر فراز و نشـیب شـیعه افراط ها و تفریط های فراوانی در موضوع مهدویت صورت گرفته و جریان های انحرافی بسـیاری در این زمینه شـکل گرفته اند. اما در همه این زمان ها جریان قدرتمند فقاهت و مرجعیت شیعه به عنوان یکی از اصلی ترین شاخص های خط تعادل در انـدیشه شـیعی با همه این انحراف ها و کـج اندیشـی های مقابله کرده و همواره مبلغ و مروج انـدیشه نـاب برگرفته شـده از تعـالیم معصـومین علیهم السـلام بوده است. از این رو بر گروه هـا و تشـکل هـای فعـال در حوزه مباحث مهـدوی لازم است که برای در امان ماندن از هرگونه افراط و تفریط در فعالیت های خود، همواره دیدگاه ها و نظرات مراجع عالی قـدر تقلیـد و بزرگان حوزه علمیه را مـدّنظر داشته باشـند و از انجام هر نوع فعالیت مغایر با اندیشه و دیدگاه های ایشان پرهیز کنند؛ چرا که براساس فرمایش امام عصر علیه السلام آن ها حجت برهمه ما هستند:

... و أَمَّا الحوادِثُ الواقِعَهُ فَارجِعُوا فِيها إِلى رُواهِ حَدِيثِنا فَإِنَّهُمْ حُجَّتی عَلَيْكُم وَ أَنَا

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: مجله موعود، شماره ۳۹-۴۶.

حُجَّةُ اللّهِ عَلَيْهِم.(۱)

... و اما در رویدادهایی که [برای شما] پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ چرا که آن ها حجت بر شما هستند و من حجت خدا برایشان هستم.

از این رو می توان گفت هر فعالیت فرهنگی و تبلیغی، هر چند به نام مبارک امام عصر علیه السلام که در آن دیدگاه مراجع عظام تقلید نادیده گرفته شود نه تنها مورد رضایت آن حضرت واقع می شود، بلکه چه بسا ممکن است موجب دور شدن مردم از آرمان های واقعی امامشان و گرفتاری هر چه بیش تر در دام غفلت گردد.

۷ توجه به آفت ها و آسیب های اندیشه مهدوی

اشاره

۷ توجه به آفت ها و آسیب های اندیشه مهدوی

اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار نیز چون هر اندیشه و فرهنگی آفت ها و آسیب هایی دارد که اگر به آن ها توجه نشود و به موقع برای برطرف ساختن آن ها اقدام نگردد می تواند آثار منفی و مخربی داشته باشد. البته این آسیب ها می تواند در هر زمان متفاوت از زمان دیگر باشد، از این رو مقابله با آن ها نیازمند آسیب شناسی مستمر و روزآمد از سوی عالمان زمان شناس و مراکز فرهنگی و تحقیقاتی حوزوی و دانشگاهی است.

به نظر می رسد در حال حاضر فرهنگ مهدوی در جامعه ما با آسیب های مختلفی روبروست که می توان آن ها را در ذیل دو عنوان کلی دسته بندی کرد:

۱_۷. عوام زدگی و سطحی نگری

امروزه شاهد هستیم که گروهی از نویسندگان، سخنرانان و گردانندگان محافل و مجالس مذهبی برای جلب توجه عوام و جذب هر چه بیشتر آن ها به موضوعات و مباحث مهدوی، با به فراموشی سپردن فلسفه واقعی انتظار و کارکردهای اجتماعی آن، مردم را صرفا به نقل خواب و رؤیا و حکایت های ضعیف و

۱- محمدبن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۸۳، ح۴.

بی اساس مشغول داشته و با بستن باب هرگونه تعقل و تدبر در معارف مهدوی، برداشت های سطحی خود از روایات را ملاک تحلیل و بررسی پدیده ظهور قرار داده اند.

سخنرانی ها و آثار مکتوبی که از سوی این گروه ارائه می شوند، مخاطبان جوان خود را از رسالت سنگینی که در برابر حجت خدا، حضرت احب الامر علیه السلام و مسئولیت بزرگی که در برابر اجتماع خود دارند، غافل ساخته و آنان را به این اندیشه وامی دارد که تنها باید در خلوت خود در جست وجوی امام غائب بود و تلاش کرد که با به دست آوردن ادعیه، توسلات و ختوماتی راهی برای تشرف خدمت آن حضرت پیدا کرد.(۱) قطعا اگر این قبیل افراد به آرزوی خود دست نیابند و راهی برای ملاقات با امامشان پیدا نکنند دچار دل زدگی و ناامیدی شده و شاید به طور کلی از فرهنگ مهدوی روی گردان می شوند.

خطر دیگری که این قبیل سخنرانی ها و آثار دارد این است که اعتقاد به امام مهدی علیه السلام را در نزد کسانی که هنوز به حقایق شیعه و عمق اندیشه مهدوی پی نبرده اند، اعتقادی موهوم و آمیخته با خرافه جلوه می دهد.

۲_۷. روشنفکرزدگی و تأویل گرایی

گروهی دیگر از نویسندگان و سخنرانان که همه جهان پیرامون خود را تنها با عینک مدرنیسم می بینند و همه حقایق هستی را با ملاک علوم تجربی و انسانی غربی تجزیه و تحلیل می کنند، به ارائه برداشت های روشنفکرانه از قیام و انقلاب

۱- این سخن هرگز به معنای نفی فضیلت تشرف خدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام و ملاقات ایشان نیست؛ چرا که اگر دیدار آن حضرت فضیلت نداشت هرگز به ما سفارش نمی کردند که در هر بامداد و به هنگام تجدید عهد با امام عصر علیه السلام با خدای خود نجوا کنید که: «أللّهمّ أرنی الطلعه الرشیده»؛ بار خدایا آن چهره زیبای رشید را به من بنمای. بلکه این سخن ناظر به دیدگاه هایی است که ملاقات با امام زمان علیه السلام و تلاش برای رسیدن به آن را به عنوان اصلی ترین وظیفه منتظران مطرح می کند.

مهـدی پرداخته و شـاخصه هـای دموکراسـی لیبرال را ملاکی برای ارزیابی حکومت امام عصـر علیه السـلام قرار داده انـد. این گروه تلاش می کننـدکه روایات مربوط به ظهور و حوادث پس از آن رابه گونه ای تأویل و تفسـیر کنند که با چارچوب های به ظاهر علمی پذیرفته شده از سوی آن ها هیچ تهافتی نداشته باشد.

آثاری که براساس دیـدگاه های این گروه عرضه می شونـد، از یک سو انـدیشه مهدوی و فرهنگ انتظار را در اذهان مخاطبان خود در حـد یک انـدیشه اجتماعی، چون دیگر اندیشه های اجتماعی ــ که چه بسا در آن جای چون و چرا و نقض و ابرام نیز وجود دارد ــ تنزل داده و رفته رفته جوانان را نسـبت به حتمیت و قطعیت واقعه ظهور و کارآمـدی آن دچار تردیـد می کند. و از سوی دیگر این اندیشه را از همه پشـتوانه های غیبی و الهی خود تهی ساخته و امام مهدی علیه السـلام را در قالب رهبر یک جنبش اجتماعی که چون هر رهبر اجتماعی دیگر گرفتار سازوکارهای پذیرفته شده جوامع بشری است، مجسم می سازد.

چنان که گفته شـد هر یک از این دو دیـدگاه آثار و پیامـدهای مخربی برای انـدیشه مهدوی و فرهنگ انتظار داشـته و لطمات جبران ناپـذیری به کارکردهـا و آثـار این انـدیشه و فرهنـگ وارد می سازد. از این رو لازم است که مبلغان و مروجان فرهنگ مهدوی با درایت و تیزبینی از غلبه این قبیل دیدگاه ها بر فعالیت های خود جلوگیری و با آثار زیانبار آن ها مقابله کنند.(۱)

۸ زدودن مطالب ضعیف و باورهای نادرست

۸ زدودن مطالب ضعیف و باورهای نادرست

چنانکه می دانید وعده به ظهور امام مهدی علیه السـلام به عنوان عدالت گستر موعود از همان سال های آغازین ظهور اسـلام؛ یعنی عصـر پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله آغاز شد و در عصـر امامت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهماالسلام به اوج خود رسید. با

۱- برای مطالعه بیشتر در زمینه آسـیب شناسـی باور مهدوی ر.ک: «آسیب شناسی تربیتی مهدویت»، خسرو باقری، مجله انتظار، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۰.

توجه به این موضوع بود که رفته رفته مجموعه قابل توجهی از روایات در ارتباط با موضوع تولـد، غیبت و حوادث پیش و پس از ظهور امام مهدی علیه السلام شکل گرفتند که راویان و محدثان شیعه و اهل سنت سینه به سینه نقل یا در کتاب های خود ثبت نموده بودند. اما حوادث مختلف سیاسی، اجتماعی که در طول تاریخ اسلام و در عصر خلافت امویان و عباسیان رخ داد موجب شد که اولاً برخی از روایت های نقل شده از معصومین با دقت و صراحت کافی به ما منتقل نشوند و ثانیا گروه ها و اقشار مختلف از جمله: دستگاه خلافت و صاحبان قدرت و منصب، گروه های معارض و داعیه داران خلافت و حکومت، مخالفان شیعه، افراد متأثر از آموزه های یهودی و... با اغراض و انگیزه های مختلف به جعل(۱) (وضع)، تحریف(۲) و تدلیس(۳) در این مجموعه روایات ــ به ویژه روایات نقل شده

۱- «جعل» در لغت به معنای ساختن، قرار دادن، نهادن، مبدل ساختن، دیگرگون کردن و از حالتی به حالت دیگر درآوردن آمده است ر.ک: علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ج۵، ص۶۸۳۵ و در اصطلاح علم حدیث به معنای ساخت حدیث دروغین است، شایان ذکر است که در کتابهای «علم الحدیث» یا «علم الدرایه» به جای این واژه بیش تر از کلمه «وضع» استفاده می شود. به حدیث دروغین و حدیثی که راوی، خود آن را ساخته باشد، حدیث مجعول یا موضوع می گویند. (ر.ک: کاظم مدیر شانه چی، علم الحدیث و درایه الحدیث، ج۲، ص۸۹؛ سیدرضا مؤدب، علم الحدیث: پژوهشی در مصطلح الحدیث یا علم الدرایه، ص۱۱۳.

۲- معنای لغوی «تحریف» گردانیدن سخن و چیزی از جای خود است و معنای اصطلاحی آن کم و زیاد کردن در سند یا متن حدیث یا نهادن حرفی به جای حرف دیگر است. گاه به جای این اصطلاح از کلمه «تصحیف» استفاده می شود. شایان ذکر است که تحریف یا تصحیف گاه به صورت غیر عمدی و به دلیل اشتباه راوی یا کسانی که از کتاب های حدیثی نسخه برداری کرده اند رخ می دهد و گاه به صورت عمدی با هدف تغییر در معنای حدیث. به حدیثی که در آن تحریف و تصحیف رخ داده، محرَّف و مصَّحف می گویند. ر.ک: کاظم مدیر شانه چی، علم الحدیث و درایه الحدیث، ج۲، ص۶۵ و ۶۶؛ سیدرضا مؤدب، علم الحدیث: پژوهشی در مصطلح الحدیث یا علم الدرایه، ص۶۴ و ۶۵.

۳- «تدلیس» در لغت، پنهان کردن و پوشیدن عیب کالا ـ بر خریدار معنا می دهد. ر.ک: علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ج۴، ص۵۷۳۷ و در اصطلاح علمای حدیث به معنای پوشاندن و مخفی کردن عیب حدیث است. به این گونه که راوی در سند حدیث عملی انجام دهد که موجب اعتبار آن شود؛ مانند اینکه راویان ضعیف را از سند حدیث حذف کند، یا از کسی روایت کند که او را ندیده یا از او خبری نشنیده است. به حدیثی که در آن تدلیس صورت گرفته، حدیث «مدلَّس» می گویند (ر.ک: کاظم مدیر شانه چی، علم الحدیث و درایه الحدیث، ج۲، ص۸۵؛ سیدرضا مؤدب، علم الحدیث: پژوهشی در مصطلح الحدیث یا علم الدرایه، ص۱۰۵).

از طریق اهل سنت ـ دست بزنند تا بتوانند یا این روایات را بر خود منطبق کنند؛ یا به وسیله آن ها با جریان و خط اصیل امامت مقابله کنند؛ یا اینکه با ارائه چهره ای مخدوش، خونریز و خشونت طلب از امام مهدی علیه السلام مردم را از انتظار آن حضرت برحذر دارند.(۱)

از سوی دیگر جذابیت و گیرایی خاصی که در موضوع منجی گرایی و مباحث مربوط به آینده و آخرالزمان وجود دارد موجب شده که در طول تاریخ خرافات(۲) و اندیشه های موهوم بسیاری بر حول این باور و اعتقاد اصیل شکل گیرد که این روند در عصر حاضر نیز متوقف نشده و به دلیل گرایش شدید مردم به فرهنگ مهدوی، هنوز هم کسانی گاه ـ به گمان خودشان ـ با انگیزه های خیرخواهانه و گاه با انگیزه های سودجویانه، به ترویج خرافات و اندیشه های موهوم در میان مردم می پردازند.

با توجه به همین شرایط بود که چندی پیش حضرت آیه اللّه العظمی مکارم شیرازی، از مراجع عظام تقلید، در پایان درس خارج خود، با ابراز نگرانی از رواج خرافات در جامعه فرمودند:

اخیرا در محراب مسجد جمکران یک تشکیلات شیشه ای سبزرنگ و چراغ و... درست کرده اند که کم کم به صورت امامزاده ای درآمده است... مردم برای بوسیدن این شیشه صف می کشند به شیشه ها دست

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص۲۱۷_۲۲۶؛ محمد صادقی، «تأملی در روایت های علایم ظهور»، فصلنامه انتظار، ش۸ و ۹ و ۱۰، تابستان و پاییز و زمستان ۱۳۸۲؛ جمعی از نویسندگان حوزه، چشم به راه مهدی علیه السلام، مقاله «بررسی نشانه های ظهور» اسماعیل اسماعیلی، ص ۲۴۱ ـ ۳۱۳.
۲- «خرافه» در لغت به معنای سخن بیهوده، حدیث باطل و افسانه و اسطوره، کلام پریشان و بیهوده که قابل اعتماد نباشد، گفته ها یا عقاید بی بنیان و وهمی، سخن بیهوده، ر.ک: علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ج۶، ص۸۶۴۲؛ محمد معین، فرهنگ فارسی، ج۱، ص۱۴۵.

می کشند و به خودشان می مالند، کسانی هم هنگام دور شدن عقب عقب می روند مثل کاری که در حرم امامان و امامزاده ها می کنند... بعضی ها هم فاتحه می خوانند، عده ای تعظیم می کنند، بعضی از عوام هم می گویند اینجا قبر حضرت ولی عصر علیه السلام است... .

حتما چند سال دیگر هم فردی پیدا می شود و کتابی می نویسد که ۷۰ نفر از اوتاد در اینجا دفن شده اند... هر کس مرتکب این کار شده اشتباه کرده است، این ضربه ای به مسجد جمکران است... مسجد جمکران، مسجدی خالص از هرگونه خرافات بود، آمده اند آلوده اش کرده اند.(۱)

لازم به یادآوری است که در پی این تذکر روشنگرانه حضرت آیت اللّه العظمی مکارم شیرازی، تولیّت محترم مسجد مقدس جمکران اقدام به جمع آوری موارد یاد شده نمود و در حال حاضر این مسجد کاملاً از این مظاهر خرافه پاکسازی شده است.

با توجه به آنچه گفته شد بر همه مؤسسات، مراکز و کانون های فرهنگی مهدوی لازم است که با ژرف اندیشی و احاطه کافی بر معارف مهدوی، اولاً ـ این معارف را از هرگونه روایت ضعیف و احیانا مجعول و محرّف و همچنین از باورهای خرافی پالایش کنند و ثانیا در حد توان جلوی عرضه این گونه مطالب را بگیرند.

۹ توجه به کارکردهای مجالس و مراسم مهدوی

۹ توجه به کارکردهای مجالس و مراسم مهدوی

جشن ها و مراسمی که به نام امام عصر علیه السلام و برای بزرگداشت یاد ایشان برپا می شوند، فرصت مناسبی برای تجدید پیمان با آن امام، یادآوری تکالیف و رسالت های ما نسبت به آن حضرت، ترویج فرهنگ انتظار و آماده سازی جامعه

۱- هفته نامه ۱۹ دی، شماره ۲۶۶، یکشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۸۲.

برای ظهور یگانه منجی عالم بشریت است. اما متأسفانه در سال های اخیر بسیاری از این جشن ها و مراسم کارکرد اصلی خود را از دست داده و به مجالسی خنثی، بی محتوا و گاه ضد انتظار و مروج سکون و رکود تبدیل شده اند. حتی در مواردی دیده شده است که در این جشن ها و مراسم اعمالی صورت می گیرد که خلاف شرع آشکار و برخلاف خواسته حضرت بقیه اللّه الاعظم _ ارواحنا له الفداء _ است. اعمالی چون پخش موسیقی های مبتذل، اختلاط زن و مرد، اسراف و تبذیر، اجرای نمایش های سخیف و بی محتوا و... .

در این شرایط وظیفه گروه ها و تشکل های فعال در حوزه فرهنگ مهدوی دو چندان شده و بر آن ها لازم است که ضمن تلاش برای حفظ کارکرد اصلی مجالس و مراسم مهدوی از هر عملی که بر خلاف احترام و قداست این گونه مراسم و مغایر با خواسته های امام عصر علیه السلام است جلوگیری کنند.

توجه به بیانات حضرت آیه اللّه العظمی صافی گلپایگانی که خطاب به دومین همایش «مهدویت؛ جهان آینده و استراتژی انتظار» صادر شده در این زمینه راهگشاست. ایشان می فرماید:

از این برنامه ها که به عنوان جشن و مجالس چراغانی، شادباش، مدیحه سرایی، سخنرانی و همایش برگزار می شود، باید در جهت اهداف عالی آن وجود مقدس و حجه اللّه یگانه زمان، بهره برداری شود و پیرامون شخصیت منحصر به فرد آن ولیّ خدا و ابعاد و اطراف و خصائص مأموریت بزرگی که بر عهده آن حضرت است و در حقیقت مکمل بعثت همه انبیا و رسالات آسمانی است، تبلیغ کنند که همه این برنامه ها موجب خشنودی و رضایت خاطر آن حضرت است و نیز همگان را از کارها و اعمالی که باعث نگرانی و رنجش خاطر آن حضرت می شود، برحذر نمایند.(۱)

۱- مجله موعود، سال هفتم، شماره ۴۰، آذر و دی ۱۳۸۲.

بـا امیـد به این که خداونـد متعـال به همه ما توفیق فعالیت تبلیغی مهـدوی، همراه با معرفت و خلوص کامل و به دور از هرگونه افراط و تفریط عطا فرماید.

۱۰ گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی

۱۰ گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی

فراگیر شـدن شور و شوق انتظـار در جامعه ما و گرایش گروه های مختلف اجتماعی به ویژه اقشار فرهیخته و تحصـیل کرده به مبـاحث مهـدوی، ضـرورت پرداختن عالمانه و متناسب با خواست و نیاز گروه ها و اقشار مختلف اجتماعی به این مباحث را دو چنـدان سـاخته و رسـالت مراکز، نهادها و گروه های فعال در این حوزه را سـنگین تر نموده است. بـدیهی است که در شـرایط حاضـر نمی توان تنهـا بـا طرح مطالب و مباحث سـنتی مهـدوی آن هم در قالب ها و اشـکالی که پیش از این مرسوم بوده، نیاز روز افزون جـامعه به این مباحث را پاسـخ داد. از این رو بر مبلغان فرهنگ مهـدوی لازم است که با گشودن زوایای جدیـد در طرح مباحث مهـدوی و پرداختن به موضوعات مختلف اجتماعی از منظر فرهنگ انتظار، ارائه این گونه مطالب و مباحث را هم از نظر محتوا و هم از نظر قالب دچار تحول سازند.

امروزه می تـوان از منظر علـوم مختلـف انسـانی؛ از جمله جـامعه شناسـی، روان شناسـی، علوم سیاسـی، اقتصـاد و حـتی از منظر هنرهای تصویری چون سـینما به ارائه مباحث مهدوی پرداخت و با طرح موضوعات و مسائل جدیدی که تا کنون در این حوزه مطرح نبوده توجه مخاطبـان را جلب نمود. موضوعـات و مسـائلی چون آینـده جهـان و جهـان آینـده، اقتصـاد جهـانی، عـدالت اجتماعی، حکومت جهانی، جهانی شـدن، آثار روانی و تربیتی انتظار، آسـیب شناسـی اجتماعی انتظار، منجی گرایی در سـینما و... .

البته ورود به این حوزه نیازمند دقت، ژرف نگری و احاطه به مباحث مهدوی

از یـک سو و علم و اطلاـع کافی از مبانی علوم موردنظر از سوی دیگر است و همین رو لازم است کانون ها و مجامع مهـدوی که قصـد ورود به این حوزه را دارنـد، پیش ازهر اقـدامی با کارشـناسان شـناخته شده و مورد اطمینان مشورت نمایند، تا خدای نخواسته به دام التقاط یا ابتذال گرفتار نشوند.

۱۱ پرهیز از تعیین وقت برای ظهور

۱۱ پرهیز از تعیین وقت برای ظهور

در فصل اول این کتاب در بیان نقش سازنـده انتظار گفتیم که: انتظار منجی از سویی عاملی برای پایداری و شـکیبایی در برابر سختی هـا و مشـکلات عصـر غیبت و از سویی دیگر عـاملی برای پویایی و تحرک شـیعیان و آماده باش همیشـگی آنان است. براساس تعالیم ائمه معصومین علیهم السـلام منتظر بایـد هر لحظه آماده ظهور باشـد و زنـدگی خود را چنان سامان دهـد که هر زمان اراده خدا به ظهور تعلق گرفت بتواند با سربلندی در پیشگاه حجت خدا ظاهر شود.

به عبارت دیگر انتظار ظهور حجت در آینـده ای نامشـخص هم بیم دهنده و هم نویدبخش است. بیم دهنده است؛ زیرا منتظر با خود می گویـد شاید همین سال، همین ماه و یا همین روز ظهور رخ دهد پس باید آماده حضور در پیشـگاه حجت خدا و ارائه اعمـال خود به آن حضـرت بـاشم. و امیـدبخش است؛ چرا که منتظر می اندیشـد شایـد در آینـده ای نزدیک ظهور رخ دهـد و سختی ها و مشـکلات او به پایان برسد و لذا باید پایداری و مقاومت ورزید و تسلیم جریان هایی نشد که در پی غارت سرمایه های ایمانی و اعتقادی اند.

با توجه به مطالب یاد شده، می توان گفت که تعیین زمان برای ظهور برخلاف مفهوم و فلسفه انتظار است و چه بسا منتظر را به سستی و یـا ناامیـدی بکشـد؛ زیرا وقتی گفته شود که تا فلان زمان مشـخص، هر چنـد آینـده ای نه چنـدان دور، ظهور به وقوع نخواهـد پیوست، مـا به طور طبیعی دچـار سـکون و رکود می شویم و به این بهـانه که هنوز تا ظهور فاصـله داریم؛ از به دست آوردن آمادگی

لازم برای ظهور خودداری می کنیم.

از سویی دیگر اگر ظهور به هر دلیل در زمانی که به ما وعـده داده شده رخ ندهد ما دچار ناامیدی و یأس می شویم و چه بسا که در اصل اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان نیز دچار تردید شویم. این نکته ای است که در روایات نیز مورد توجه قرار گرفته است.

از جمله در روایتی که فضـیل بن یسار از امام محمد باقر علیه السـلام نقل کرده، آن حضرت در پاسخ این پرسش که «آیا برای این امر (برخاستن قائم علیه السلام)، وقت (مشخص) وجود دارد، فرمود:

کَذِبَ الوَقّاتُونَ، کَذِبَ الوَقّاتُونَ، کَذِبَ الوَقّاتُونَ، إِنَّ مُوسـی علیه السـلام، لَمّا خَرَجَ وافِدا إِلی رَبِّهِ واعَدَهُم ثَلاثینَ یَوما، فَلَمّا زادَهُ عَلی الثَّلاثینَ عَشْرا قالَ قَوْمُهُ: قَدْ أَخْلَفْنا مُوسی فَصَنَعُوا ما صَنَعُوا...(۱) .

کسانی که برای این امر وقت تعیین می کنند، دروغ می گویند (آن حضـرت سه مرتبه این سخن را تکرار کرد و آنگاه فرمود:) زمانی که موسـی علیه السلام قومش را برای رفتن به قراری که با پروردگارش داشت ترک کرد، به آن ها وعده داد که تا سی روز دیگر برمی گردد، اما زمانی که خداوند ده روز دیگر بر آن سـی روز افزود، قومش گفتند: موسـی خلاف وعده کرد پس آن کردند که کردند... .

داسـتان ارتـداد قوم یهود و گوسـاله پرست شـدن آن هـا در پی تـأخیر ده روزه حضـرت موسـی در تاریـخ مشـهور است و این هشداری است به همه کسانی که در پی تعیین وقت برای ظهورند.

آنچه در روایـات امام باقر علیه السـلام در مورد فلسـفه تعیین نشـدن وقت ظهور آمـده بود، به بیانی دیگر در روایتی که از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده، آمده است. آن

۱- محمد بن یعقوب الکلینی، الکافی، ج۱، ص۳۶۸-۳۶۹.

حضرت در این زمینه می فرماید:

فَلَوْ قیلَ لَنا: إنَّ هذَا الأَمْرَ لا یَکُونُ إلی مِائَتَی سَنَهٍ أَوْ ثَلاثَ مِأئَهِ سَنَهٍ لَقَسَتِ القُلُوبُ وَ لَرَجَعَ عامَّهُ النّاسِ عَنِ الإِسْلامِ، وَ لکِنْ قالُوا: ما أَسَرَعَهُ وَ مَا أَقْرَبَهُ تَأَلُّفا لِقُلُوبِ النّاسِ وَ تَقریبا لِلْفَرَجِ.(۱)

اگر به ما گفته می شد: این امر [ظهور قائم] تا دویست سال و یا سیصد سال دیگر واقع نمی شود؛ دل ها سخت می شد و بیشتر مردم از اسلام برمی گشتند. اما گفته اند: این امر چه با شتاب پیش می آید و چه نزدیک است! تا دل های مردم الفت گیرد و فرج نزدیک احساس شود.

بنابراین همه باید تلاش خود را متوجه اصل قضیه انتظار فرج، منتظر نگهداشتن مردم، حفظ شادابی و سرزندگی انتظار در آن ها و یادآوری وظایف منتظران کنند و از پرداختن به موضوع زیان ظهور و تعیین وقت برای تان خودداری نمایند.(۲)

۱۲ پرهیز از طرح مطالب سست، واهی و بی اساس

۱۲ پرهیز از طرح مطالب سست، واهی و بی اساس

مروری اجمالی بر صدها کتاب روایی، کلامی، تاریخی و... که محققان و دانشمندان شیعه و اهل سنت از سال ها پیش از تولد و غیبت امام دوازدهم تا کنون در این باره نگاشته اند(۳) و نگاهی گذرا به هزاران روایتی که از پیامبر اکرم

۱- محمد بن یعقوب الکلینی، الکافی، ج۱، ص۳۶۹، ح ۶.

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: ابراهیم شفیعی سروستانی، «زمزمه های ظهور»، موعود، سال سوم، شماره ۱۸، بهمن و اسفند ۱۳۷۸.

۳- تنها در کتاب الذریعه مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی افزون بر چهل کتاب و رساله با عنوان «الغیبه» معرفی شده که از سوی فقها، متکلمان و محدثان بزرگ شیعه در طی قرون متمادی به رشته تحریر درآمده است. در کتابنامه هایی هم که در سال های اخیر به چاپ رسیده نزدیک به دو هزار کتاب که در زمینه مباحث مهدوی نوشته شده اند معرفی شده است. ر.ک: علی اکبر مهدی پور، کتابنامه امام مهدی علیه السلام .

صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام در زمینه موضوعات مختلف مرتبط با امام عصر علیه السلام وارد شده،(۱) نشان می دهد که اعتقاد به امام مهدی علیه السلام به عنوان آخرین حجت الهی و منجی آخرالزمان، در معارف اسلامی از چنان مبانی و پایه های عقلی و نقلی استوار و خلل ناپذیری برخوردار است که راه هرگونه انکار و تردید را بر مخالفان این اندیشه می بندد و مدافعان این اندیشه را نیز از دست یازیدن به مطالب سست، واهی، خیالی و خواب و رؤیاهای بی اساس برای اثبات حقانیت این اندیشه بی نیاز می سازد.

حضرت آیت اللّه العظمی فاضل لنکرانی، از مراجع عظام تقلید، در پیامی به «دومین جشنواره برترین های فرهنگ مهدویت» در این زمینه می فرماید:

در اینجا تذکر این نکته را لازم می بینم که در این وادی اهل فکر و تحقیق باید معارف را به صورت ناب و خالص و به دور از هرگونه حشو و زواید در اختیار مردم قرار دهند. باید از بیان امور سست و واهی و چه بسا کذب که اساس اعتقاد مردم را متزلزل می کند اجتناب نمایند. در تثبیت حقیقت امامت هیچ نیازی به بیان رؤیاهای کاذبه و حوادث غیرصحیح نیست. باید در منابر از جذبه های واقعی ولایت و آثار و کرامت های مسلّم الثبوت و حقیقی آن استفاده نمایند و به بیان دیگر باید به دنبال تحکیم عقاید باشیم و نه فقط برانگیختن احساسات، که آن امری است غیر پایدار و گذرا.(۲)

تکیه بر مطالب سست و بی بنیادی چون خواب و رؤیا برای ترویج و تبلیغ

۱- چنان که پیش از این گفته شد در کتاب منتخب الاثر حضرت آیه اللّه صافی گلپایگانی، نزدیک به ۱۳۰۰ روایت و در کتاب معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام نزدیک به دو هزار روایت از طریق شیعه و اهل سنت در زمینه مباحث مختلف مرتبط با امام مهدی علیه السلام نقل شده است که البته این ارقام صرف نظر از روایات مشابه و تکراری است.

۲- مجله موعود، سال ششم، ش۳۲، تیر ۱۳۸۱.

فرهنگ مهدوی، نه تنها مردم را همواره در سطحی نازل از ایمان و آگاهی قرار می دهد، بلکه اعتقاد و باور آن ها را نیز بسیار شکننـده و آسیب پـذیر می سـازد؛ زیرا مردمی که تنهـا بـا بیان یک خواب و رؤیا جـذب فرهنگ مهـدوی می شونـد، با وقوع اندک خدشه ای در این نقل ها دچار تزلزل و سردرگمی می گردند.

با عنایت به مطالب یاد شـده بر همگان لازم است که در تبلیغ و ترویـج فرهنگ مهدوی، به نحو شایسـته ای به نکات زیر توجه کنند:

۱_۱۲. تلاش در جهت دفـاع عقلانـی از انـدیشه مهـدوی و فرهنـگ انتظـار و تبیین هر چه بهتر و دقیق تر مبـانی این انـدیشه و فرهنگ؛

۲_۱۲. دقت و مراقبت کامـل در نقـل مطـالب و مبـاحث مهـدوی، به ویژه حکـایت های مربوط به تشـرفات، و توجه به منابع و مستندات مطالب و مباحث نقل شده؛

۳_۱۲. پرهیز از مطرح سـاختن خواب و رؤیاهـایی که پایه و اساس محکم و متقنی ندارنـد، هر چنـد بسـیار جـذاب و اثرگـذار باشند.

۱۳ پرهیز از اغراض جناحی و گروهی

۱۳ پرهیز از اغراض جناحی و گروهی

در سـال هـای اخیر با گسترش فعالیت های مهـدوی در جامعه، خیل وسـیعی از مردم، از گروه ها و اقشار مختلف اجتماعی و با گرایش ها و تمایلات متفاوت سیاسـی، بیش از پیش به فرهنگ مهدوی روی آورده و به حضـرت مهدی علیه السـلام به عنوان پایان بخش همه ناامیدی ها و نامرادی ها و آخرین ذخیره شیعه برای رهایی همه جهان از تیرگی ها و پلیدی ها دل بسته اند. از این رو بر همه مراکز، مؤسـسات، هیـأت هـای مـذهبی و کـانون هـایی که به فعـالیت های مهـدوی مشـغولند، لازم است که در فعالیت های خود تنها رضایت حضـرت صاحب الامر علیه السـلام را در نظر داشته باشند و از درآمیختن این موضوع با هرگونه اغراض و گرایش های جناحی و گروهی خودداری کنند؛ زیرا در این شرایط هر حرکتی که در جهت

کسب منافع جناحی و گروهی و بهره برداری سیاسی و حزبی از این گرایش ناب و خالص مردمی ورت گیرد، موجب از دست رفتن آخرین امید مردم، بدبین شدن آن ها به فعالیت های مهدوی و در نتیجه پراکنده شدن آن ها از پیرامون مهم ترین محور وحدت امت اسلامی می شود که این خود خطایی جبران ناپذیر و گناهی نابخشودنی است.

۱۴ پرهیز از موضوعات و مباحث کم اهمیت یا بی اهمیت

۱۴ پرهیز از موضوعات و مباحث کم اهمیت یا بی اهمیت

چنانکه پیش از این نیز گفته شد در معارف اسلامی شناخت امام از جایگاه و اهمیت به سزایی برخوردار است تا آنجا که وقتی شخصی از امام حسین علیه السلام می پرسد:

یَابنَ رَسُولِ اللّهِ بِأَبی أَنْتَ وَ أُمّی فَما مَعرِفَهُ اللّهِ؟

ای فرزند رسول خدا، پدر و مادرم فدایت، معرفت خدا چیست؟

آن حضرت پاسخ می دهند:

مَعْرِفَهُ أهْلِ کُلِّ زَمانٍ إمامَهُمُ الَّذی یَجِبُ عَلَیْهِم طاعَتُهُ.(۱)

شناخت اهل هر زمان نسبت به امامی که باید از او فرمان برند.

حال این پرسش مطرح می شود که شناخت امام زمان ــ که همه ما موظف به کسب آن هستیم ــ چه محدوده ای دارد و چه موضوعاتی را شامل می شود؟ در پاسخ این پرسش می توان گفت: چنانکه از روایت یادشده نیز به دست می آید، شناخت امام عصر علیه السلام مقدمه ای برای اطاعت اوست و از این رو ما تنها موظف به شناخت آن دسته از موضوعات و مسائل مرتبط با امام عصر خود هستیم که ما را

۱- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج۲۶، ص ۲۶۰، ح۳۸.

به اطاعت او نزدیک تر و از مخالفت او دورتر می سازد یا بر آمادگی و شوق ما برای حاضر شدن در پیشگاه آن حضرت و اطاعت از اوامر و نواهی ایشان می افزاید. و شناخت هر آنچه که دانستن آن هیچ تأثیری در اطاعت ما نسبت به آن امام ندارد، در دایره تکلیف ما داخل نمی شود.

با توجه به آنچه گفته شد، مروجان و مبلغان فرهنگ مهدوی باید همه توان خود را صرف پرداختن به موضوعاتی چون: ویژگی ها و خصائص امام، ضرورت وجود امام و حجت الهی، جایگاه حجت در عالم هستی، مفهوم، ضرورت و فضیلت انتظار، وظایف منتظران، چگونگی تحقق ظهور، ویژگی های جهان پس از ظهور و... نمایند و از پرداختن به موضوعات و مسائل کم اهمیت یا بی اهمیتی که دانستن آن ها وظیفه و تکلیف مردم نیست و تأثیری هم در اطاعت آن ها نسبت به امام زمان علیه السلام ندارد، خودداری کنند و اذهان مخاطبان خود را درگیر این گونه موضوعات و مسائل نسازند. موضوعات و مسائلی از این دست که محل زندگی و اقامت عصر علیه السلام کجاست، آیا آن حضرت زن و فرزند دارد و آیا...؟

کتابنامه

کتابنامه

۱. ابن طاووس، السید علی بن موسی، إقبال الأعمال، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.

۲. ابن طاووس، السیدعلی بن موسی، مصباح الزائر، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، لإحیاءالتراث، ۱۴۱۷ق.

۳. ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمدبن مکرم، لسان العرب، ۱۵+۳ج، چاپ اول: بیروت، داراحیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۱۶ق.

۴. الاربلی، أبی الحسن علی بن عیسی بن أبی الفتح، کشف الغمّه فی معرفه الأئمه، ۳ج، چاپ دوم: بیروت، دارالأضوا، ۱۴۰۵ق.

۵. امام خمینی، سیدروح اللّه الموسوی، شئون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع)، چاپ اول: تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.

۶. امام خمینی، سیدروح اللّه الموسوی، کتاب البیع، نجف، مطبعه الآداب، ۱۳۹۴ق.

۷. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، چاپ هجدهم: قم، شفق، ۱۳۷۸.

۸. باقری، خسرو، آسیب شناسی تربیتی مهدویت، مجله انتظار، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.

۹. البحرانی الحسینی، السیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب العلمیه.

۱۰. البرهان الفوری، علی بن حسام الدین المتقی، کنزالعمّال فی سنن الأقوال و الأفعال، ۱۶ ج، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.

۱۱. بنی هاشمی، سیدمحمد، معرفت امام عصر علیه السلام، چاپ اول: تهران، نیک معارف ۱۳۷۵.

۱۲. پورطباطبائی، سید مجید، در جست وجوی قائم: معرفی ۱۸۵۲ جلد کتاب پیرامون احوالات حضرت بقیه اللّه الأعظم امام زمان علیه السلام، چاپ اول: قم، مسجد مقدس صاحب الزمان قم (جمکران)، ۱۳۷۰.

۱۳. جُرّ، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طبیبیان، ۲ج، چاپ نهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.

۱۴. جمعی از نویسندگان مجله حوزه، چشم به راه مهدی علیه السلام، چاپ سوم: قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲.

۱۵. حائری یزدی، شیخ علی، چهره درخشان امام زمان (ترجمه الزام الناصب فی إثبات الحجه الغائب علیه السلام)، مترجم:

سیدمحمدجواد مرعشی نجفی، ۳ج، چاپ اول: قم، علمیه، ۱۴۰۱-۱۳۹۹ق.

۱۶. الحُرّالعاملی، محمد بن الحسن، إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، ۷ج، تصحیح سید

هاشم رسولی محلاتی، مترجم احمد جنتی، چاپ اول: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۶.

۱۷. الحرّانی، ابومحمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، چاپ دوم: قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۳.

۱۸. حکیمی، محمد، در فجر ساحل، تهران: آفاق، ۱۳۷۵.

۱۹. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب (غیبت، انتظار، تکلیف)، چاپ اول: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.

۲۰. خادمی شیرازی، محمد، مجموعه سخنان، توقیعات و ادعیه حضرت بقیه اللّه علیه السلام، چاپ دوم: قم، رسالت، ۱۳۷۷.

۲۱. خادمی شیرازی، محمد، نشانه های ظهور او، قم: مسجد مقدس جمکران،۱۳۷۸.

۲۲. الخوری الشرتونی اللبنانی، سعید، أقرب الموارد فی فصح العربیه و الشوارد، ۳ج، قم، مکتبه آیه اللّه العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ق.

۲۳. دستغیب، سیدعبدالحسین، گناهان کبیره، ۲ ج در یک مجلد، چاپ سیزدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹.

۲۴. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، چاپ اول از دوره جدید: تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

۲۵. راز و نیاز منتظران: دعاها، زیارت ها و نمازهای ویژه حضرت صاحب الزمان، چاپ اول: تهران، موعود، ۱۳۸۰.

۲۶. رازی، محمد، تحفه قدسی در علائم ظهور مهدی موعود (ترجمه کتاب الغیبه شیخ طوسی)، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۰.

۲۷. الراغب الاصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشی،بیروت، دار الکلمات العربی، ۱۳۹۲ق.

۲۸. رکنی،محمدمهدی، نشانی از امام غایب، عجل اللّه تعالی فرجه، بازنگری و تحلیل توقیعات، مشهد، آستان قدس رضوی.

۲۹. سلیمان، کامل، روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص)، ۲ج، ترجمه علی اکبر مهدی پور، چاپ سوم: تهران، آفاق، ۱۳۷۶.

۳۰. شفیعی سروستانی، ابراهیم، «اصلی ترین فروع»، موعود، سال هشتم، شماره ۴۶، مرداد و شهریور ۱۳۸۲.

۳۱. شفیعی سروستانی، ابراهیم، «زمزمه های ظهور» موعود، سال سوم، شماره ۱۸، بهمن و اسفند ۱۳۷۸.

۳۲. شفیعی سروستانی، ابراهیم، شناخت زندگی بخش (گفتارهایی در شناخت آخرین حجت حق)، چاپ اول: تهران،

موعودعصر، ۱۳۷۸.

۳۳. شفیعی سروستانی، اسماعیل، درآمدی بر استراتژی انتظار، ۲ج در یک مجلد، چاپ اول:

تهران، موعود عصر، ۱۳۸۱.

۳۴. شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، چاپ دوم: قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.

۳۵. شهیدی، سیدجعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۳۶. شیخ صدوق، ابی جعفرمحمد بن علی بن الحسین ابن بابویه،کمال الدین و تمام النعمه، ۲ج، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، مترجم منصور پهلوان، چاپ اول: قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰.

۳۷. شیخ صدوق، ابی جعفرمحمد بن علی بن الحسین ابن بابویه،کمال الدین و تمام النعمه، ۲ج در یک مجلد، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا.

۳۸. شیخ طوسی، ابو جعفر محمّد بن الحسن، مصباح المتهجّد، بیروت، ۱۴۱۱ق.

۳۹. شیخ طوسی، ابی جعفر محمدبن الحسن الطوسی، کتاب الغیبه، تحقیق عبادالله الطهرانی و علی احمد ناصح، چاپ دوم: قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷ق.

۴۰. شیخ طوسی، ابی جعفر محمدبن الحسن الطوسی، کتاب الغیبه، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه. بی تا.

۴۱. شیخ مفید، محمدبن محمدبن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ۲ ج، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، علمیه اسلامیه، بی تا.

۴۲. شیرازی، سیدحسن، کلمه الإمام المهدی علیه السلام، مترجم سید حسن افتخارزاده سبزواری، چاپ اول: تهران، آفاق، ۱۴۰۷ق.

۴۳. صادقی، محمد، «تأملی در روایت های علائم ظهور»، فصلنامه انتظار، ش۸، ۹و ۱۰، تابستان، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.

۴۴. الصافی گلپایگانی، لطف الله، امامت و مهدویت، ۲ ج، چاپ اول: قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵.

۴۵. صافی گلپایگانی، لطف الله، معرفت حجت خدا (شرح دعای أللّهم عرّفنی نفسک)، چاپ اول: قم، حضرت معصومه علیهاالسلام، ۱۳۷۵.

۴۶. صافی گلپایگانی، لطف اللّه، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام، ۳ج، چاپ اول: قم، مکتب المؤلف، ۱۴۲۲ق.

۴۷. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی _ قدس سره)، ۲۱ج، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.

۴۸. الطبرسی، أبی علی الفضل بن الحسن (امین الإسلام طبرسی)، إعلام الوری بأعلام الهدی، ۲ج، تحقیق مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث، چاپ اول: قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحیاء الثرات، ۱۴۱۷ق.

۴۹. الطبرسی، أبی منصور احمدبن علی بن ابی طالب، الإحتجاج، تحقیق ابراهیم البهادری، محمدهادی به، به اشراف: جعفر سبحانی، ۲ج، چاپ اول: قم، اسوه، ۱۴۱۳.

۵۰. الطهرانی، الشیخ آقا بزرگ، الذریعه إلی تصانیف الشیعه، ۲۴ج، چاپ دوم: بیروت، دارالأضواء، بی تا.

۵۱. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ۲ج، چاپ پنجم: تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳.

۵۲. الغروی، محمد، المختار من کلمات الإمام المهدی علیه السلام، ۳ج، چاپ اول: قم، مؤلف، ۱۴۱۴ق.

۵۳. فقیه ایمانی، مهدی، شناخت امام یا راه رهایی از مرگ جاهلی، چاپ اول: قم، مؤلف، ۱۴۱۲.

۵۴. فیض الإسلام، سید علینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه،، بی جا، بی نا، بی تا.

۵۵. الفیّومی، احمدبن محمدبن علی المقری، مصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی، ۲ج در یک مجلد، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۵۶. قزوینی، سیدمحمد کاظم، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور (ترجمه الإمام المهدی علیه السلام من المهد إلی الظهور)، ترجمه حسین فریدونی، چاپ اول: تهران، آفاق، ۱۳۷۶.

۵۷. القندوزی، حافظ سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، ۳ج، تهران، اسوه،۱۴۱۶ق.

۵۸. قیّومی اصفهانی، جواد، صحیفه المهدی، چاپ سوم: قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷.

۵۹. الکفعمی، تقی الدین ابراهیم بن علی، المصباح، تهران، ۱۳۴۹.

۶۰. الکلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ۸ج، چاپ چهارم: تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.

۶۱. الکلینی، ابی جعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی (اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی و علمی)، ۴ج، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، بی تا.

۶۲. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه کتاب عصر الظهور، مترجم، عباس جلالی، چاپ پنجم: تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

۶۳. گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام : ترجمه کتاب موسوعه کلمات الإمام الحسین علیه السلام، چاپ ششم: قم، معروف و مشرقین، ۱۳۸۱.

۶۴. ماهنامه فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی موعود.

۶۵. مجتهدی، سید مرتضی، صحیفه مهدّیه: مجموعه مهمی از نمازها، دعاها و زیارت هایی که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه

السلام صادر شده و یا...، ترجمه محمدحسین رحیمیان، چاپ سوم: قم، الماس، ۱۳۸۱.

۶۶. المجلسی، محمد باقر (علامه المجلسی)، بحارالأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، ۱۱۰ج، چاپ سوم: بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۶۷. المجلسی، محمدباقر، مراه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ۲۶ ج + ۲ ج مقدمه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.

۶۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، (همراه با ترجمه فارسی)، ترجمه حمیدرضا شیخی، ۱۵ ج، چاپ دوم: قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷.

۶۹. مدیر شانه چی، کاظم، علم الحدیث و درایه الحدیث، ۲ج در یک مجلد، چاپ پانزدهم: قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۷۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ سیزدهم: تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۸.

۷۱. موسوی اصفهانی، سیدمحمد تقی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، ۲ج، ترجمه سیدمهدی حائری قزوینی، چاپ دوم: تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۴۱۲ق.

۷۲. مهدی پور، علی اکبر، کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام : معرفی بیش از ۲۰۰۰ عنوان کتاب مستقل به زبان های مختلف، ۲ج، چاپ اول: قم، مؤسسه چاپ الهادی، ۱۳۷۵.

۷۳. مهدی موعود، (ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار علامه المجلسی)، ترجمه علی دوانی، چاپ چهاردهم: تهران، دارالکتب الإسلامیه، بی تا.

۷۴. میرجهانی، سید حسن، نواهب الدهور فی علائم الظهور، ۲ج در چهار مجلد،کتابخانه صدر، ۱۳۶۹.

۷۵. میرجهانی طباطبایی، سید محمدحسن، ولایت کلّیه، تحقیق و تصحیح سیدمحمود لولاکی، چاپ اول: قم، الهادی، ۱۳۸۲.

۷۶. المؤتمر العاملی لألفیه الشیخ المفید،مصنفّات الشیخ المفید رحمه الله، ۱۴ج، چاپ اول: قم، ۱۴۱۳ق.

۷۷. مؤدب، سیدرضا، علم الحدیث: پژوهشی در مصطلح الحدیث یا علم الدرایه، چاپ اول: قم، احسن الحدیث، ۱۳۷۸.

۷۸. مؤسسه المعارف الإسلامیه، معجم أحادیث الإمام المهدی علیه السلام، تحت اشراف: علی الکورانی، ۵ج، چاپ اول: قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ق.

۷۹. النجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۴۳ج، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.

۸۰. النعمانی، ابن ابی زینب محمّد بن ابراهیم بن جعفر، کتاب الغیبه، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، مترجم محمد جواد غفاری، چاپ دوم: تهران، صدوق، ۱۳۷۶.

۸۱. النعمانی، محمدبن ابراهیم کتاب الغیبه، تهران، مکتبه الصدوق.

۸۲. نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب، قم، آستان مقدس صاحب الزمان(جمکران).

۸۳. واحد پژوهش و تحقیق مؤسسه فرهنگی موعود، پیشگویی ها و آخرالزمان، مجموعه مقالات، چاپ سوم: تهران، موعود عصر علیه السلام، ۱۳۸۲.

۸۴. همدانی،دبیرالدین صدرالإسلام علی اکبر، پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی (تکالیف الأنام فی غیبه الإمام، علیه الصلوه والسلام)، چاپ اول: تهران، بدر، ۱۳۶۱.

۸۵. الیزدی الحائری، شیخ علی، إلزام الناصب فی إثبات الحجّه الغائب علیه السلام، ۲ج، چاپ دوم: قم، مکتبه الرضی، ۱۴۰۴ق.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹